



GARDESHGAR

Travel journal | Vol: 2 | Issue: 3 | The Third Week of March

گردشگر

ویژه نوروز ۹۴

ضمیمه روزنامه اصفهان زیبا / سال دوم / دوره جدید / شماره سوم / ویژه نوروز ۹۴

گفت و گوی «گردشگر» با مدیر کل دفتر توریسم ایرلاین در اصفهان
تلاش می کنیم هر سال گردشگران خارجی بیشتری را به اصفهان بیاوریم

راهنمای سفر به قزوین
شهر خوشنویسی،
چهلستون و عالی قاپو

گزارش اختصاصی از گردهمایی راهنمایان تور ایران
کنوانسیون ۲۰۱۷، فرصتی ویژه
برای ارتقای صنعت گردشگری ایران

معرفی یک محور جدید گردشگری در جنوب غربی ایران

مجموعه پذیرایی ایرانیان نجف آباد



محیط آرام و بانشاط، سالن VIP مخصوص جلسات رسمی و اداری مجهز به سیستم صوتی و ویدئوپروژکتور، آلاچیق های ۲ تا ۱۵ نفره شیشه ای، سالن های پذیرایی با ظرفیت ۳۰۰ نفر برای ضیافت های مناسبتی، کافی شاپ با انواع دسر، بستنی، کیک، دمنوش و نوشیدنی های سرد و گرم ایرانی و فرنگی، رستوران با انواع غذاهای فرنگی و ایرانی

کمربندی جنوبی نجف آباد، به سمت غرب، بعد از میدان شهیدان حجتی، مجموعه پذیرایی ایرانیان

مدیر عامل: ۰۹۱۳۵۴۵۰۰۸۷ دفتر: ۰۹۱۳۵۴۵۰۰۸۶



رستوران، باغ و تالار

ارگ

میزبان خانواده شماست

طبخ و توزیع غذای مجالس، ادارات، منازل، آماده پذیرایی از میهمان های شما

غذاهای متنوع و سنتی از جمله بریان برای تمامی سلیقه ها

خیابان آتشگاه +98 913 3377220

سه کیلومتر بعد از سه راه درچه ورودی کوچه خیابان منطهری +98 31 3564317-18

دارای فضای دلنشین و متفاوت همراه با سالن پذیرایی، سالن بازی محوطه باز به همراه آلاچیق، آماده پذیرایی جهت مراسم های عقد، عروسی، جشن نامزدی، تولد و انجام همایش ها و سمینارهای دولتی و خصوصی می باشد



گلدشکر

با گردشگر مقصد سفرهایتان را انتخاب کنید



صاحب امتیاز شهرداری اصفهان
مدیرمسئول دکتر سیدمهر ترضی سقائیان نژاد
سردبیر رضوان اصغری
دبیر ویژه نامه نفیسه حاجاتی
مدیریت ارتباطات و تبلیغات اکبر متشلو
طراح و مدیر هنری محمدحسن لطیفی

ویژه نامه روزنامه

صفهان زیبا

همکاران شماره سوم حمیدرضا نیکومرام، مهدی تمیزی، پری زنگنه، مهدی گلی
وحید شریفی، مهسا نشاطی زاده، سمانه بیگی، محمدجواد اسفندی، کاوه پدیدار
علیرضا اسلام پناه، احسان حلاجان، سوران احمدی زاد، معصومه مومنی
ویراستاران سمیه حقیظی، مریم مشیر پناهی، رضوان وطن خواه

تلفن تماس ۰۳۱۳۲۲۹۵۱۲ فکس ۰۳۱۳۲۲۱۹۰۷۰ شماره پیامک ۰۴۸۳۰۸۸
نشانی اصفهان، میدان امام حسین (علیه السلام)، خیابان طالقانی، مقابل ارگ جهان نما

عکس روی جلد حمام تاریخی علی قلی آقا عکاس فربرز علاقه‌بند

سالن های
همایش و تشریفات

رستوران های
ایرانی و فرنگی

رستوران های
مجلل و خصوصی

سالن ویژه (VIP ROOM)

تهیه غذا

کافه تریا



مشاهیر،
برند
اصفهان





بسیار مایه فخر و مباهات است که در شهر موزه اصفهان و در کنار زاینده رود زیبا میزبان شما سروران گرامی در شهر مشاهیر ایران باشیم تا برای اولین بار لذت و طعم بی نظیر غذای ایرانی را در فضایی مملو از جاذبه های گردشگری همراه با چشم انداز کوه آتشگاه و پارک جنگلی نازوان تجربه کنیم.



خیابان آتشگاه
سه راه درچه
بلوار امام (ره)



۳۳ ۷۶۹۰۲۰۹۳۰



ارسال عکس برای صفحه تاریخ سفر

تصور کنید پدربزرگتان، مادربزرگ، پدر، مادر یا اقوامتان، ۵۰ سال پیش، سفری رفته‌اند به پاریس، لندن یا حتی همین شمال و جنوب ایران و عکس‌هایی در خلال سفرشان گرفته‌اند. از شماره آینده، صفحه «تاریخ سفر» میزبان عکس‌های شما از سفرهایی است که تاریخشان به بیشتر از ۳۰ سال پیش برمی‌گردد. ابتدای هر ماه، به کسانی که قدیمی‌ترین و جذاب‌ترین عکس‌های صفحه «سفر تاریخ» را فرستاده‌اند، جوایزی اهدا خواهد شد.

همکاری با گردشگر

«گردشگر» همواره در صدد جذب مشارکت حداکثری علاقه‌مندان و فعالان حوزه گردشگری بوده و هم اکنون نیز یکی از افتخارات این مجموعه، استقبال گسترده دوستداران حوزه گردشگری از این نشریه است. لطفاً اگر مایل به همکاری با نشریه گردشگر هستید، زمینه مورد علاقه و توانایی‌هایتان را در ایمیلی به اطلاع ما برسانید. در ایمیلی که جهت همکاری برای نشریه گردشگر می‌فرستید، لطفاً این موارد را ذکر کنید؛ مشخصات (نام و نام خانوادگی، تحصیلات و تسلط بر زبان‌های خارجی)، زمینه‌های مورد علاقه برای همکاری (ارایه مطلب، ترجمه، رایه عکس، کاریکاتور و تصویرسازی، بازاریابی و جذب آگهی، فعالیت در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، امکان مشارکت در برگزاری همایش‌ها و نشست‌ها، تمایل به همکاری در توزیع کشوری مجله)

ارتباط با گردشگر

لطفاً در ایمیل‌های ارسالی حتماً نام و نام خانوادگی و شماره تماس‌تان را ذکر کنید تا بتوانیم شما را از دریافت ایمیل و مراحل انتشار اثر باخبر کنیم.





سفرها و روایت‌ها

سلفی‌های نوروزی از شمال تا جنوب، از شرق تا غرب ایران

دست به عصا حرکت کنیم. معرفی کنیم و البته هشدار هم بدهیم که حواستان به داشته‌هایتان باشد. از طبیعت، از آثار تاریخی مثل چشمانتان مراقبت کنید و اگر کسی را هم می‌بینید که دارد آسیبی می‌زند، راحت نگذرید. حواستان باشد که طبق قانون، تک تک ما مسئول حفظ میراث طبیعی و تاریخی‌مان هستیم و اگر مسئولیت‌هایمان یادمان برود، طبق ماده ۵۵۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، «هر فردی به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی، تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌اند یا اماکن مذکور که مستقلاً نیز واجد حیثیت فرهنگی و تاریخی و مذهبی هستند، خرابی وارد کند، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شود».

■ نوروز است و همه ما، هر چه قدر هم که فامیل و دوست و آشنا برای عیددیدنی داشته باشیم، دلمان می‌خواهد حال و هوایی عوض کنیم حتی اگر دم عید بلیط پروازها، اتوبوس و تاکسی گران شده باشد!

■ به هر حال بهار نو است و ما در شماره نوروزی گردشگر، یک پرونده ویژه اصفهان برایتان آماده کرده‌ایم. سعی کردیم توضیحات کاملی درباره مکان‌های شناخته شده شهر بنویسیم تا بتوانید اگر راهنما، پرورشور یا دستگای نبود که توضیح بدهد، مجله را دستتان بگیرد و با خیال راحت این ابنیه را یک دل سیر تماشا کنید. راهنماهای سفری که برای این شماره انتخاب کرده‌ایم، خیلی بیشتر از این‌ها بودند. مثلاً حالا جای شیراز خالی است. ولی نگران نباشید، در شماره بعدی که نیمه دوم فروردین ماه منتشر می‌شود، یک پرونده مفصل درباره لذت شیرازگردی خواهیم داشت. جای یزد، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، آذربایجان شرقی، زنجان، سمنان، گلستان، مازندران، گیلان، البرز، قم و صد البته، بوشهر که این روزها بی‌نهایت زیباست، هم خالی است. البته در شماره‌های گذشته گردشگر از تعداد زیادی از این استان‌ها مطلب داشتیم و برای شماره آینده که نیمه دوم فروردین ماه منتشر خواهد شد، هم جایگاه ویژه‌ای برایشان قابل می‌شویم.

■ معرفی، شمشیر دو لبه است! نمی‌دانی روایتش کنی، بگویی خوب است بار و بندیلتان را ببندید بروید ببینید یا بگذاری آن طبیعت، آن بنای تاریخی زنده بماند، تخریب نشود، از بین نرود. می‌ترسی معرفی کنی و بعد مسافری که نه آینده را می‌بینند، نه گذشته، نه حال راه برود مثلاً درختی را آتش بزند برای زغال جوجه کباب یک ناهارش یا مثلاً برود با مرارت فراوان اسم خود و خاندانش را با نوک میخ روی میراثی که از هزار سال پیش به یادگار مانده، کنده‌کاری کند. اصلاً از همه این‌ها گذشته، خیلی علاقه‌مند و امروزی باشد ولی برود روی آثار باستانی بایستد، تکیه بدهد، آویزان شود و عکس سلفی بگیرد!

■ برای آماده کردن مطالب این شماره که ویژه نوروز است، یکی از تردیدهایمان همین بود. در جلسه‌ای که با تحریریه مجله داشتیم در موردش صحبت کردیم. یکی معتقد بود فلان محل طبیعی فوق‌العاده را که جان می‌دهد برای یک سفر ماجراجویانه نوروزی، می‌شناسد و چم و خم رفتن و دیدنش را می‌داند ولی دلش نمی‌آید راهنمای سفر برایش بنویسد. ترجیح می‌دهد خیل عظیم مسافران نوروزی پایشان به آن طبیعت بگرند. دیگری، چند مدرسه و بنای تاریخی فوق‌العاده را در همین اصفهان خودمان معرفی می‌کند. در مورد ارزش‌های تاریخی‌شان حرف می‌زند و آخر سر همه با هم به این نتیجه می‌رسیم که بهتر است معرفی‌اش را بگذاریم برای زمانی که خیالمان راحت باشد، آسیبی به آن وارد نمی‌شود.

■ با همه این اوضاع، دلمان می‌خواهد همه آدم‌های دنیا را تشویق کنیم، بروند، ببینند، تجربه کنند و با گوشت و پوست و استخوانشان بفهمند در عین حال که آسمان همه جا همین رنگ نیست، همه زیر یک آسمان هستیم با فرهنگ‌های مختلف، با زبان‌های متفاوت و تاریخ و طبیعتی که ارزش دیدن دارد، ارزش زندگی کردن دارد. باید تا می‌شود رفت و دید و درک کرد. زندگی کوتاه‌تر از آن است که بخواهی تمام عمر را در یک شهر، یک محله، یک خانه بگذرانی و هیچ وقت هیچ شهر و هیچ کشور دیگری را نبینی.

■ با همه این صحبت‌ها ما در تحریریه «گردشگر» به این نتیجه رسیدیم که خیلی



گزارش اختصاصی گردشگر از هشتمین گردهمایی انجمن راهنمایان تور ایران در مشهد

کنوانسیون ۲۰۱۷، فرصتی ویژه برای ارتقای صنعت گردشگری ایران

نگاهی به گردهمایی راهنمایان تور در مشهد و برنده شدن ایران در ماراتن میزبانی در کنوانسیون پراگ



بین‌المللی و حساس را ارزیابی کند. او در بازدیدها و کارگاه و نشست خبری حاضر شد و ضمن ارزیابی توان میزبانی ایران، دیدگاه‌هایش را بیان کرد. ویژگی دوم اما حضور مسوولان بلندپایه کشوری در این همایش بود که تا پیش از این سابقه نداشت. امسال نمایندگان مجلس به نشست خبری این گردهمایی آمدند و رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ایران هم در مراسم اختتامیه این رویداد حاضر شد. «گردشگر» گزارش‌های مختلفی از این رویداد تهیه کرده که یکی از آنها بلافاصله پس از اختتامیه مراسم در روزنامه اصفهان زیبا منتشر شد. این گزارش کوتاه را در شماره نوزوی این مجله می‌خوانید و مباحثه اختصاصی و مفصل ما با «روی روی»، بازرگ و نایب رئیس فدراسیون جهانی گردشگری، را در شماره بعد که نیمه دوم فروردین ماه منتشر می‌شود، خواهید خواند.

«گردشگر» در ماه گذشته، میهمان هشتمین گردهمایی سالانه انجمن راهنمایان تور ایران در طبرقه مشهد بود. این انجمن هر سال در بهمن و اسفند ماه، گردهمایی سه روزه‌ای برگزار می‌کند و راهنمایان تور سراسر ایران در این گردهمایی فرصت دارند تا با همکارانشان در استان‌های مختلف مرتبط شوند و در کارگاه‌های علمی و بازدیدها شرکت کنند. امسال، استان خراسان رضوی سه روز میزبان این مراسم بود. گردهمایی امسال دو ویژگی مهم داشت: اول اینکه امسال یک گروه از راهنمایان تور ایران به نمایندگی از انجمن به پراگ رفته و توانسته بودند در یک رقابت نفس‌گیر برنده رقابت برای میزبانی کنوانسیون جهانی راهنمایان تور در سال ۲۰۱۷ شوند. به همین دلیل هم نایب رئیس فدراسیون جهانی راهنمایان تور ایران برای شرکت در گردهمایی مشهد به این شهر آمده بود تا توانایی ایران برای این میزبانی



عکس علیرضا دامادزاده

راهنمایان تور، بهترین انتقال دهندگان فرهنگ و تاریخ هستند

اصفهان اولین شهری بود که انجمن صنفی راهنمایان گردشگری در آن به ثبت رسید. «انجمن صنفی کارگری راهنمایان ایرانگردی و جهانگردی اصفهان» اول آذر ماه ۷۹ به طور رسمی ثبت شد. اولین جلسات تصمیم‌گیری درباره ثبت «کانون انجمن‌های صنفی کارگری راهنمایان تور ایران» نیز در اصفهان تشکیل شد و سپس در شهرهای دیگر ادامه پیدا کرد و در ارومیه به ثبت رسید. بنابراین اصفهان چه به عنوان یک مقصد مهم گردشگری و چه به عنوان یک پایگاه صنفی، همیشه جایگاه مهمی در میان راهنمایان تور ایران داشته است. در گردهمایی اسامال هم انجمن صنفی راهنمایان تور ایران با ۴۰ نماینده حضور قدرتمند و قابل توجهی داشت. شیرین مسائلی، رئیس هیات مدیره انجمن صنفی راهنمایان تور اصفهان، مسلط به زبان‌های ایتالیایی و فرانسه، در حاشیه سفرش به مشهد گفت: «مسوولان اهمیت حضور راهنمایان تور را درک نکرده‌اند و مردم با حضور ما و این شغل آشنا نیستند. الان در مشهد بعد از برگزاری این رویداد بخشی از مردم تازه با تورلیدرها آشنا شدند و مسوولان هم توانستند با گوشه‌ای از مشکلات ما آشنا شوند و البته در اصفهان هم دیدیم که در جلسه‌ای که با مسوولان استان داشتیم، مشکلاتی که مطرح کردیم برایشان تازگی داشت. به هر حال ما از نزدیک با مشکلات و نیازهای توریست‌ها آشنا هستیم». عباس خرم روز، دبیر هیات مدیره انجمن صنفی راهنمایان تور اصفهان و راهنمای مسلط به زبان‌های عربی و انگلیسی هم در این باره گفت: «راهنمایان تور اصفهان در سطح بین‌المللی بسیار فعال هستند. در حالی که خیلی از استان‌ها، تعداد زیادی راهنمای تور بیکار دارند، در اصفهان مخصوصاً در های‌سیزن‌ها ما اصلاً راهنمای بیکار نداریم. اما باید برای جامعه خودمان، دولت و مسوولان، شغل راهنمای تور را به عنوان شغلی که بسیار مهم و خطیر است، جا بیندازیم. تورلیدر یک هنرمند و مبلغ است و می‌تواند بهترین انتقال دهنده فرهنگ و تاریخ و مهمان‌نوازی باشد. بنابراین نباید دغدغه مالی یا دغدغه داشتن یک دفتر را داشته باشد».

ایران؛ برنده پراگ و میزبان کنوانسیون جهانی ۲۰۱۷

هشتمین گردهمایی یک نیم‌روز را به کارگاه‌های تخصصی گردشگری اختصاص داده بود. یکی از این کارگاه‌ها هم به پراگ و رویدادهای کنوانسیون راهنمایان گردشگری جهان که در این شهر برگزار شده بود، اختصاص داشت. در این کارگاه، مهسا مطهر، محسن حاجی سعید، مجید عرفانیان و مسیح شریف درباره روند شرکت در گردهمایی راهنمایان گردشگری جهان در پراگ و تلاش‌هایشان برای جمع‌آوری، تهیه و تنظیم مدارک و دعوت از راهنمایان گردشگری جهان برای حضور در ایران، صحبت کردند. گروه هفت نفره، مسیح شریف، آرش نورآقایی، محسن حاجی سعید، مهسا مطهر، عاطفه دهقان، پگاه لطیفی، حسین دهقان برای پذیرش میزبانی ایران از کنوانسیون ۲۰۱۷ چند مرحله تلاش در پیش داشتند؛ در مرحله اول مدارک مختلفی را برای نامزدی ایران به عنوان یکی از گزینه‌های میزبانی ارائه دادند که پذیرفته شد. در مراحل هم با ساخت و نمایش فیلم ۱۱ دقیقه‌ای معرفی ظرفیت‌های ایران برای میزبانی، بوکت معرفی ظرفیت‌های ایران برای میزبانی به تعداد ۶۰ عدد، هدایای خریداری شده و ساک‌هایی که با طرحی از شعار «come2Iran» و نقشی از گنبد مسجد شیخ لطف‌الله تزئین شده بود، گفت و گوها با شرکت‌کنندگان کنوانسیون و ارائه سخنرانی مهیج و تاثیرگذار توسط مسیح شریف توانستند بر دو کشور دیگر از جمله سنگاپور که مالزی و اندونزی را هم با خود همراه کرده بود، فایق آیند و ایران به عنوان میزبان کنوانسیون جهانی راهنمایان تور در سراسر جهان شناخته شود. سفیران صلح ایران توانستند با کسب ۱۸ رای، برتری ایران را نسبت به دو رقیب دیگر خود که همان سنگاپور و دانمارک بودند اثبات کنند. سنگاپور توانست ۱۱ رای کسب کند و دانمارک نیز با کسب سه رای حرفی برای گفتن در مقابل ایران نداشت. مسعود سلطانی‌فر، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری هم با صدور پیامی، این موفقیت را به کانون انجمن‌های راهنمایان گردشگری ایران تبریک گفت. اما چرا این دستاورد اهمیت دارد؟! اولین پاسخ این است که صنعت گردشگری به خصوص در سال‌های اخیر همیشه از سوی مسوولان و مقام‌های بلندپایه ایران به عنوان جایگزینی برای نفت در اقتصاد ایران، شناخته شده، نه تنها در ایران که در همه کشورهای جهان، صنعت گردشگری اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌تواند باعث ارتقای درآمد و کیفیت زندگی در مقصد مورد نظر شود. این کنوانسیون بهترین فرصت برای ارائه تصویر روشن از کشوری است که همیشه در رسانه‌های جهان مظلوم و مهجور بوده، بهترین فرصت است؛ چون متخصصان گردشگری، یعنی آنها که «سفر» فعل مهم زندگی‌شان است، به عنوان نمایندگان کشورهای مختلف دنیا به ایران خواهند آمد و قابلیت‌های این کشور را برای برگزاری هر چه بیشتر تورها بررسی می‌کنند. آرش نورآقایی، رئیس هیات مدیره کانون انجمن‌های صنفی راهنمایان گردشگری ایران هم در مطلبی در وبسایت شخصی‌اش نوشته: «از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برای حمایت معنوی‌شان قدردانی می‌کنم، اما همزمان به مدیران این سازمان و همه مدیران کشور گوشزد می‌کنم که هنوز نمی‌دانند یا نمی‌خواهند بدانند که برای رونق گردشگری در ایران چقدر باید برنامه ریزی‌های دقیق بلند مدت داشته باشند. فقط به این نکته بسند می‌کنم که بیشتر کشورهایی که در این کنوانسیون شرکت کرده‌اند از لحاظ رونق گردشگری در وضعیت خوبی هستند، اما باز برای حضور در این کنوانسیون تلاش می‌کنند. ما به حضور در مجامع بین‌المللی خیلی بیش از این‌ها نیاز داریم».

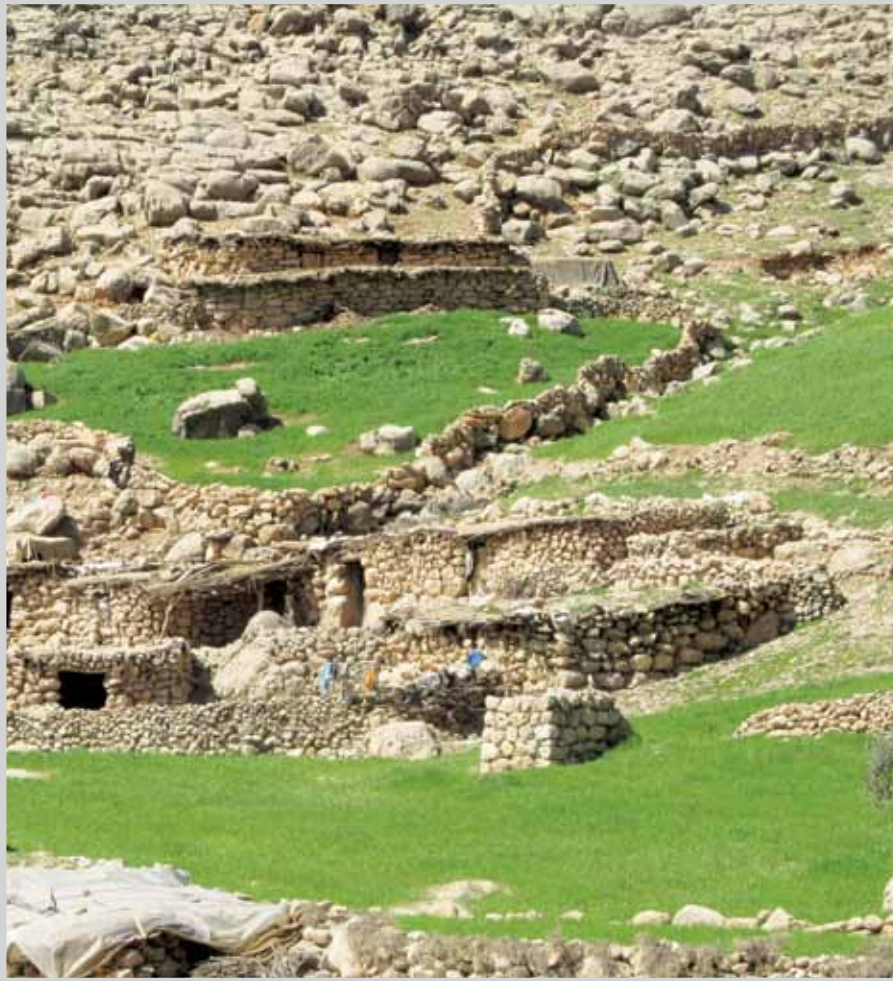
یک دعوت ملی برای سفر به ایران

«come2Iran» نام کمپینی است که به ویژه بعد از موفقیت ایران در کسب رای برای میزبانی کنوانسیون جهانی راهنمایان تور در سال ۲۰۱۷، جدی‌تر پیگیری شد. این کمپین یک تلاش و حرکت ملی است که در آن مردم ایران با بیانی ساده و صمیمی به زبان‌های مختلف از مردم جهان دعوت می‌کنند تا به ایران بیایند. در گردهمایی مشهد هم پایه‌گذاران این کمپین برنامه‌های مختلفی در این راستا برگزار کردند. یکی از این برنامه‌ها گرفتن عکس هوایی از چترهایی به رنگ پرچم ایران بود که راهنمایان تور از سراسر ایران آنها را بالای سرشان گرفته‌بودند به طوری که عبارت «come2Iran» از ارتفاع چند صد متری قابل تشخیص بود. به این صورت که در حاشیه بازدید راهنمایان از شهر جدید بینالود، ۱۰۶ راهنمای گردشگری، به سه گروه تقسیم شدند، بر روی مکان‌های تعیین شده ایستادند و به ترتیب با علامت سرگروه، پرچم‌های سبز، سفید و قرمز را بالای سرشان برده و باز کردند. دوربین سبک متصل به هلوکوپتر کوچک، از ارتفاع چند صد متری عکس‌ها و ویدئوهای این رویداد را ضبط کرد و حالا در شبکه‌های اجتماعی مختلف به اشتراک گذاشته شده‌اند. کمپین «come2Iran» همچنان با قوت به کارش ادامه می‌دهد و شما هم اگر بخواهید می‌توانید در قالب عکس، ویدئو یا هر چیزی که می‌دانید برای این شعار فعالیت کنید و عکس‌ها و ویدئوهای‌تان را با هشتگ #come2Iran در شبکه‌ها و سایت‌های مختلف به اشتراک بگذارید.

راهنمای سفر ۵ روزه در دامنه کوه‌های زاگرس بختیاری

دشت سوسن؛ مقصد نوروزی طبیعت گردان

تاریخ و طبیعت گردی، قایق سواری و آرامش در دریاچه و دامنه زاگرس



است! برای رسیدن به این منطقه دور راه دارید؛ می‌توانید از جاده قدیم بروید، یعنی از اصفهان به بروجن، ناغان، ده دز و ایذه برسید. راه دوم اما از بروجن، لردگان و ده دز شما را به ایذه می‌برد و کوتاه‌تر است. می‌توانید ۱۲ شب از اصفهان حرکت کنید حدود شش صبح به ایذه برسید و بعد از دیدن این شهر تاریخی حدود ۲٫۵ تا سه ساعت راه طی کنید تا به محل سوار شدن قایق‌ها برسید. برنامه سفر را برای سه شب و چهار روز ماندن و گشت و گزار در منطقه تنظیم کنید و دوباره شب راه بیفتید و صبح به اصفهان برسید. از اصفهان تا ایذه حدود ۳۵۰ کیلومتر راه هست که چون مسیر کوهستانی است باید با سرعت نسبتاً کم حرکت کنید.

نخستین بار که به دشت سوسن رفتم سال ۸۲ بود که به اتفاق هموردانم در گروه کوهنوردی و غار نوردی ایران برای گذراندن تعطیلات نوروزی عازم این مسیر شدیم. از آن سال تا کنون چند بار به مناطق مختلف این سرزمین سرکشی کرده‌ام و برنامه‌های پیمایشی و شناسایی و تفریحی زیادی در آن اجرا کرده‌ام که در این گزارش چکیده‌ای از آن را به همراه توصیه‌هایی برای گروه‌هایی که قصد سفر به این منطقه را دارند برای شما می‌آورم. اگر بگویم دشت سوسن تکه‌ای از بهشت است اغراق نکرده‌ام. خوزستان سرشار است از جاذبه‌های تاریخی و طبیعی، کوه‌ها، آبشارها، رودخانه، دریاچه و دره‌های زیبا، اما دشت سوسن چیز دیگری

اکثر گردشگران برای کمپینگ چند روزه خود انتخاب می‌کنند، جایی است به نام «سید احمد». توده ای که در دریاچه سد کارون پیشروی کرده و شبیه دریاچه‌ای زیبا در ایام نوروز پذیرای صدها مسافر است و مکانی زیبا برای کمپ زدن محسوب می‌شود. خاصیت این مکان، زمین‌های صاف زیادی است که برای برپا کردن چادر مناسب هستند و عاری از سنگ ریزه‌ها و عارضه‌های طبیعی.

مراعات کنید، محلی‌ها را ناراحت نکنید!

از سلطان ابراهیم که سوار قایق‌ها می‌شوید، انگار وارد دنیایی دیگر شده‌اید. قاق سواری بر روی آب‌های کارون که پشت چهار سد انتظار رسیدن به خلیج پارس را می‌کشند، تجربه‌ای است که در ذهن‌تان می‌ماند. از موقعی که این سدها تاسیس شده اند روستاهای زیادی زیر آب رفته یا دسترسی جاده‌ای خود را از دست داده‌اند. بنابراین سازمان آب هم در بعضی نواحی اقدام به دایر کردن سرویس بارج (قایق‌های بزرگ باری و مسافرکشی) کرده است و بسیاری از مردان این نواحی نیز با خریدن قایق‌های موتوری جابه‌جایی مسافران را در طول روز به عهده دارند و ایام نوروز بهترین روزهای کاسبی آنهاست! البته قیمتی که از مسافران نوروزی می‌گیرند، قابل قیاس با مبلغی که از محلی‌ها می‌گیرند نیست و ما هم این مبلغ را با میل و رغبت پرداخت می‌کنیم؛ چرا که امنیت و خدمات دهی ما در این نواحی ارتباط مستقیمی با درآمد جامعه میزبان ما دارد و اگر به این باور برسند که گردشگران برای آنها سود آور هستند، با رضایت و اشتیاق بیشتری به مسافران سرویس می‌دهند. اما متأسفانه گردشگران کمتر به اهمیت مباحثات و مراعات محلی‌ها واقفند و در بسیاری از موارد به بحث و جدل با آنها می‌پردازند.

روستاگردی با عجم خان و سبزعلی

بعد از گشت و گذار و دیدار از طبیعت زیبا به سوی کمپ روانه می‌شویم و ناهار را صرف می‌کنیم بقیه آرام آرام بیدار می‌شوند و آماده برای یک روز پر هیاهوی دیگر. با قایق‌ها قرار گذاشته‌ایم و برنامه فردایمان بازدید از آبشار نگین است؛ آبشاری در محدوده شهرستان مسجد سلیمان. پس از دو ساعت قایق سواری و دیدار از یکی، دو منظره زیبا در منطقه‌ای به نام شیمبار (شیرین بهار) از قایق‌ها پیاده می‌شویم. اینجا فقط خودمانیم و دور دست‌تر گله‌ای گوسفند و چند آبدی هم در نزدیکی ما نمایان است تا هوا تاریک نشده باید چوب جمع کنیم و همه در این کار گروهی شرکت می‌کنند. چادرها بر طبق اصول طبیعت گردی برپا شده‌اند و آتش را هم در نزدیکی مان برقرار می‌کنیم. بعد از صرف شام و ساعتی شب‌نشینی در کنار آتش، بچه‌ها یکی یکی به خواب فرو می‌روند. صدای سگ‌های گله که گاهی اوقات روزه می‌کشند و صدای جیرجیرک‌ها تنها صدایی است که به گوش می‌رسد. من عاشق این سکوت و به همین دلیل طبیعت گردی می‌کنم. صبح نوازش آفتاب بیدارمان می‌کند. صرف صبحانه و حرکت به سمت آبشار نگین برنامه امروزمان است. پاکوب کنار رودخانه ما را به آبشار خواهد رساند و طبق گزارش برنامه‌هایی که خوانده‌ایم می‌دانیم چیزی نزدیک به سه ساعت پیاده روی داریم. در راه به هر روستا که می‌رسیم هدایایی را که برایشان آورده‌ایم؛ از جمله گز و خوراکی، به آنها می‌دهیم و روستاییان هم با روی گشاده پذیرای ما می‌شوند و ما را به خانه‌های خود فرا می‌خوانند ولی ما به گرفتن چند عکس بسنده می‌کنیم و به سمت آبشار می‌رویم. عجم‌خان و سبزعلی نام‌هایی است که در خاطر حک شده و می‌دانم که دوباره به دیدارشان خواهیم رفت.

ایده؛ اولین مقصد با جاذبه‌های تاریخی و مذهبی

کوله بار سفر را که بستید این را بدانید که دارید پا به منطقه‌ای می‌گذارید که عاری از امکانات شهری است. بنابراین پیش بینی همه چیز را بکنید؛ از آب و غذا گرفته تا امکانات بهداشتی، مگر اینکه با گروهی همراه شوید که خود این خدمات را به شما ارائه دهند. برای رسیدن به این ناحیه باید ابتدا به ایده بروید. از آنجا که خود شهر «ایده» تاریخی کهن دارد، پیشنهاد می‌کنم سری به آثار باستانی این شهر بزنید و گل سرسبد آنها، کولفرح و اشکفت سلمان را ببینید. «کولفرح» تنگه‌ای در هفت کیلومتری شمال شرقی ایده است که شش نقش برجسته از دوران ایلامی را در خود جای داده، صورت انسان و شمایل از حیوانات و انسان‌هایی در حال عبادت از جمله این نقش برجسته‌ها هستند. این دره، برخلاف دیگر دره‌ها که تنگ و تاریک هستند، بسیار فراخ و دل‌باز است و این را از نام آن نیز می‌توان دریافت. پیرمردی که‌نسال وظیفه حراست از دره را به عهده دارد که به نظرم این به هیچ عنوان در خور این منطقه باستانی نیست و لازم است بیشتر در این مورد رسیدگی شود.

یادگاری‌های کور، روی سنگ‌نگاره‌های باستانی

«اشکفت سلمان» (نیاشگاه تاریشا)، غاری باستانی است که به جرات می‌توانم بگویم بزرگ ترین سنگ نگاره ایلامی‌ای که تا حالا دیده‌اید را دارد، متشکل از چهار سنگ نگاره زیبا و نازیبی؛ زیبا از این حیث که شکوه و عظمت ایران باستان را جوری به رخ هر بیننده‌ای می‌کشد که دیگر کلامی نتوان گفت. زیبا از این حیث که برای نخستین بار، زن را دوشادوش مرد تصویر کرده‌اند و البته نازیبا از این لحاظ که متأسفانه یادگاری‌نویس‌های کج‌فهم و بیمار، این اسناد تاریخی را با انواع و اقسام نوشته‌ها و کنده‌کاری‌های شان نابود کرده‌اند. بگذریم، دیدن این دو اثر ارزشمند تاریخی می‌ارزید به این همه راهی که آمده‌ایم. به ایده باز می‌گردیم و راهی روستای «سلطان ابراهیم» و امام‌زاده سلطان ابراهیم می‌شویم. سلطان ابراهیم از زیارتگاه‌های مهم بختیاری‌های زاگرس‌نشین است و در کنار مومدحسین و سراقاسید تقدس خاصی بین آنها دارد؛ چرا که او از نوادگان امام موسی بن جعفر (ع) محسوب می‌شود. قطعاً در این منطقه ماشین‌نوشته‌های زیادی را به این نام خواهید دید. نکته‌ای که باید به آن توجه کنید این است که اتوبوس به دلیل پیچ‌های تند و خاکی بودن جاده قابلیت رفتن به سلطان ابراهیم را ندارد و در صورتی که با اتوبوس به آنجا سفر می‌کنید باید از قبل مینی‌بوس‌هایی را برای انتقال مسافران هماهنگ کنید.

آرامش در میان کمپ‌های سید احمد

به سیداحمد که نزدیک می‌شویم، چادرهایی که از روزهای قبل برپا شده‌اند خودنمایی می‌کنند، بعضی از گروه‌ها برای خدمات‌دهی بهتر از روزهای قبل اقدام به برقراری کمپ و ایجاد منطقه اختصاصی در نواحی خاص خود می‌کنند؛ چرا که در چند روز متوالی این تور را برگزار می‌کنند. پای به جزیره می‌گذاریم و برای برپایی کمپ مسیری کوتاه را پیاده‌روی و کمپ را برقرار می‌کنیم. دریاچه‌ای صاف با آبی درخشان و مناظر رویایی اجازه گام برداشتن را به ما نمی‌دهد. شب آرام آرام فرا می‌رسد و فردا روز قصد داریم به دشت شقایقی که در ارتفاعات بالاتر است سر بزنیم. اما شبی آرام در انتظارمان نیست؛ چرا که شلوغی منطقه و وجود گروه‌های متعدد و موتور برق و سر و صداهای نامربوط به طبیعت، آرامش ما را که هیچ، آرامش حیات وحش منطقه را هم گرفته است. کمی به عقب می‌روم و یاد برنامه‌هایی می‌افتم که در چند سال پیش زمانی که ما هم سن و سال این بچه‌ها بودیم اجرا می‌کردیم. آتش مه‌ری برپا می‌شد و گرد آتش به شعر خوانی و مشاعره و موسیقی سنتی و آواز خوانی شب را به صبح می‌رساندیم و از این هیجان‌ات کاذب و زودگذر خبری نبود. اما از طرفی هم به نداشتن تفریحاتی که بتوانند این هیجان‌ات خود را تخلیه کنند هم فکر می‌کنم و دعا می‌کنم برای بازگشتن آرامش به کالبد و روان نوجوانان و جوانانمان! به هر زحمتی شب را به صبح می‌رسانیم و پس از صرف صبحانه زمانی که همه در خوانند، راه می‌افتیم. پس از دو ساعت و نیم پیاده روی در مسیر پاکوب و زمانی که زیبایی‌های طبیعت را از بالا نظاره‌گر هستیم، پای در دشتی انبوه از گل می‌گذاریم سرمست به قرمز و زرد و آبی نقاشی طبیعت می‌نگریم و با احتیاط در میان گل‌ها گام برمی‌داریم.

جای خالی برنامه‌های طبیعت‌گردی با نگاه پایدار در دهستان سوسن

دلیل نام گذاری این منطقه وسیع که تماماً در میان گردشگران عام به سوسن معروف شده واقع شدن دهستان سوسن در این منطقه است که روستاهای زیادی را شامل می‌شود. ولی به هر نقطه‌ای که پا می‌گذارید، نام خاص خودش را دارد. دره‌ها و غارها و چشمه‌های بسیار زیادی در این نواحی موجود هستند که جان می‌دهند برای برنامه‌های طبیعت‌گردی با نگاه پایدار که بنده از بردن اسم بعضی از آنها هم معذورم؛ چرا که بسیار دیده‌ام هجوم سودجویان را که بدون نگاه حرفه‌ای اقدام به ویرانی طبیعت زیبای خدا می‌کنند. اما جایی که



دیدار آبشار نگین، آب تنی و قایق سواری

در راه مناظر زیبا شامل گل‌ها و رودخانه و چشمه‌ها بسیار زیادند و چشم‌نواز، اما شکل خاص سنگ‌ها بیشتر به چشم می‌آیند. سنگ‌هایی عظیم که از کوه جدا شده‌اند و نظاره‌گر آب در مسیر طولانی خود هستند. آبشار نگین، آبشاری زیباست که از دل کوه همچون فواره‌ای بیرون می‌جهد و با غرش خود به ما می‌فهماند که آب همیشه هم آرام نیست و گاهی هم خشونت دارد. بعد از دیدن آبشار و عکاسی به محل کمپ بر می‌گردیم، فردا روز آبتنی و خستگی در کردن است. نزدیک غروب به شیمبار بر می‌گردیم و خسته‌تن و زنده‌دل به استقبال شام می‌رویم. شبی آرام همچون شب گذشته و همراه با چند تن از بختیاری‌های خوب و خونگرم و مهمان نواز که ما را به شنیدن آواز لری و شنیدن داستان‌ها و افسانه‌های محلی خود میهمان می‌کنند و چه دلنواز است شنیدن این داستان‌ها از زبان ایشان. صبح زود با قایق‌هایمان وعده کرده‌ایم و قرار است ما را به یک دره بکر دیگر ببرند برای آب‌تنی و به در بردن خستگی. چه سرزمینی است که هر چه بیشتر می‌مانیم بیشتر می‌خواهیم. اتوبوس هم روی تاج شهید عباسپور در مسجد سلیمان چشم به راهمان است. پس از آب‌تنی و شنا و پرش از روی سکوه‌های صخره‌ای طبیعی با قایق‌ها به سمت اتوبوس باز می‌گردیم و چیزی که به یادگار برده‌ایم عکس‌های پر شماری است که تا سال‌ها خاطره این نوروز خوب را برای ما زنده نگه خواهند داشت.

توصیه‌های مهم سفر به دشت سوسن

اما اگر تصمیم گرفتید به این سفر بروید، چند نکته هست که نباید فراموش کنید؛ نخست اینکه حتما به یک تیم سرپرستی قوی و با تجربه همراه شوید و از نحوه خدمات‌دهی آنها اطلاعات دقیقی کسب کنید. یک یا دو وعده خوراکی اضافه فاسدنشدنی به همراه خود داشته باشید. آب معدنی و قرص تسویه آب حتما به همراه ببرید. تجهیزات شب‌مانی خود شامل کیسه خواب و چادر را قبل از سفر چک کنید. اگر عادت کرده‌اید که هر روز به حمام بروید یا روی سرویس بهداشتی حساس هستید درباره شرکت در این سفر تجدید نظر کنید. تلاش خود را بکنید که چند روز متفاوت زندگی کنید (بدون موبایل، بدون قلیان و سیگار، بدون تخت‌خواب و وسایل رفاهی) در عوض لذت پیاده‌روی در طبیعت و بیدار شدن با صدای پرندگان را عمیقا تجربه کنید.

چند نکته برای برگزار کنندگان تور دشت سوسن

لطفا با خودتان صادق باشید اگر آموزش‌های لازم را برای برگزاری کمپینگ در طبیعت ندیده‌اید و تجربه لازم را ندارید، جان خود و دیگران را به خطر نیندازید و کار را به کاردان بسپارید. در جلسهای که قبل از تور برگزار می‌کنید، آموزش‌های لازم را برای همزیستی با طبیعت و پیروی از راهنما و تیم سرپرستی به مسافران خود بدهید. برای سرویس بهداشتی چه فکری کرده‌اید؟ قرار است محوطه وسیعی توسط افراد تورهای مختلف آلوده شود؟ می‌توانید یا درست کردن یک توالیت صحرايي و رعایت بهداشت از آلوده شدن آب‌ها و طبیعت پیشگیری کنید. حتما افراد تور را گروه بندی کرده و کیسه زباله در اختیار آنها قرار دهید. اینجا طبیعت است نه تالار عروسی و مراسم تولد! لطفا با به همراه بردن دی‌جی و موتوربرق نظم و آرامش طبیعت را بر هم نزنید! به مسافران خود در مورد بیماری‌های خاص و داروهای آنها تذکرات لازم را بدهید. کیت کمک‌های اولیه و غذا و آب اضافه بر برنامه از ضروریات تجهیزات شماسست. هدیه برای جامعه میزبان فراموش نشود همچنین در مورد پوشش و نوع برخورد مراعات محلی‌ها را بکنید تا این سفر هم برای محلی‌ها شیرین باشد هم برای شما. سفر خوبی داشته باشید. به امید سفر!

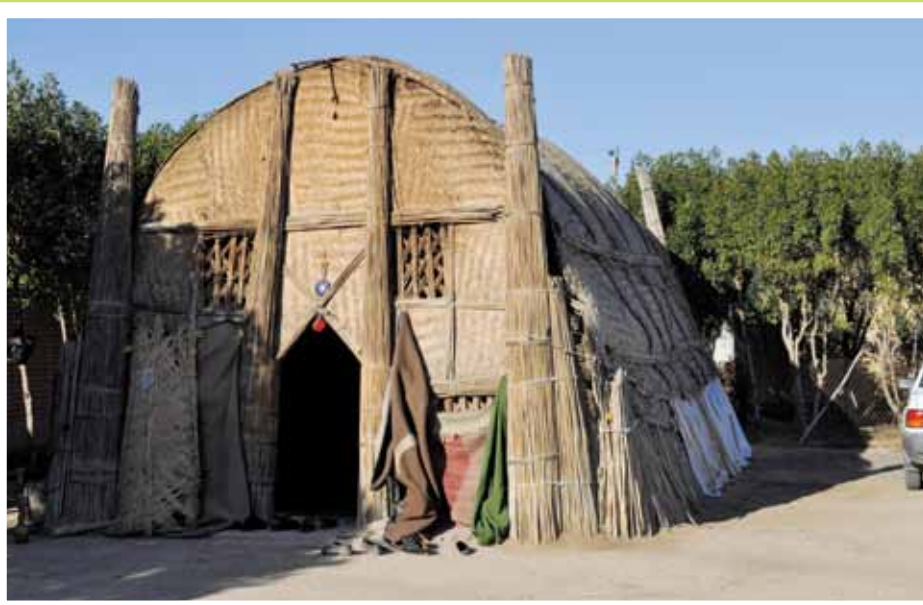
معرفی محور گردشگری

یک ضیافت جنوبی از اهواز تا بستان

معرفی محور جدید گردشگری اهواز - سوسنگرد - بستان

نگاه گردشگرانی است تا با افق پر مهر مردمان این دیار، سرود همنوایی را بر قلب و روح این سرزمین موهبی باشند. می رویم تا صدای پای کرخه را بشنویم. تاریخ را در عمارتی قدیمی بیابیم. مقابر مقدس و یادمان شهدا را به صلواتی ختم کنیم، تالاب هورالعظیم و آب تنی گاو میش ها، زیبایی های صحرا، جنگل «ام الدبیس» و تپه های شنی را به همراه هنر دست زنان و مردان نظاره گر باشیم و لذت سفر را در سر پناهی از طبیعت هور، به ضیافت عشق و محبت مردم عرب در «مُضیف» بشینیم تا خاطره خوشایند سفر را با عطر قهوه به یادگار با خودمان باز گردانیم.

آغازگر سفری در همین حوالی هستیم. سفر به دیاری کهن که شناسنامه اش از دوردست ها تا کنون نشان از قرن ها و سال هایی پنهان شده در دل تاریخ دارد. تکاپویی از انسان که با طلوع هزار باره خورشید بیدار شده، در سکوت و هیاهوی طبیعت نقش یافته و با غروب آفتاب به خواب می رود. اما سپیده دمی دیگر در انتظار اوست... و شاید رفتن ما روشنایی بخش این انتظار باشد. به سوسنگرد می رویم؛ شهری از حماسه که هر چند هشت سال روزهای پی در پی جنگ بی امان ایران، آتشی بر قلب پر دردش پدیدار نمود، اما دبدنی هایش چشم انتظار



آغاز راه از دشت آزادگان

«دشت آزادگان» در جنوب غربی «اهواز» قرار گرفته است. نام های کهنش «دشت میسان» و «سهل میسان» بوده و امروز به نام دشت آزادگان با مرکزیت «سوسنگرد» شناخته شده است. مبدأ سفر ما اهواز است و مقصد سوسنگرد و «بستان» واقع در ۸۵ کیلومتری شهر اهواز. دو مسیر پیش رو داریم؛ اول، مسیر شهر «لوان» در جنوب شهر شوش است و دوم، مسیر سه راهی خرمشهر-سوسنگرد در اهواز که شما را به خطه دشت میشان می‌رساند. جهت دسترسی بهتر و آسان تر، اگر با اتومبیل شخصی و یا به وسیله تور سفر می‌کنید، مسیر سه‌راه خرمشهر واقع در اهواز را به شما پیشنهاد می‌کنیم. در غیر این صورت، سواری ها و مینی‌بوس های عمومی در ایستگاه سه‌راه خرمشهر شما را به سوسنگرد خواهند رساند. برای رفتن به مقاصد دیگر سفر، باید از سوسنگرد برنامه ریزی کنید.

بازدید از شهر «حمیدیه»

اهواز را به سمت جنوب غربی به موازات تپه های «المنجور» ترک کنید. با طی کردن ۱۰ کیلومتر از پارک جنگلی گمبوعه (مقر مهم ترین فرماندهی عملیات ها در جنگ تحمیلی)، یادمان شهدای جهاد عشایر در منطقه ای به اسم «بیردیر» (نمادی از مقاومت ۱۶۰۰ هموطن شهید عرب خوزستان در جنگ با نیروهای انگلیسی در سال ۱۲۹۳ خورشیدی) به شهر «حمیدیه» خواهید رسید که میزبان رودخانه کرخه است؛ شهری که ۲۵ کیلومتر با اهواز فاصله دارد. عمارت قدیمی «کوشک حمیدیه» شاخص ترین بنای حکومتی از دوران قاجاریه به بعد است که در دوره پهلوی اول شکوه و جلالی داشته است. بند تاریخی پایین دست کوشک به عنوان قدیمی ترین تثبیت کننده رودخانه، مقبره سید محسن مُشعشعیان، سد تنظیمی، جنگل و گلستانی از پرورش گل های شب بو بخشی از جاذبه های تاریخی و طبیعی

تاریخ است. میزبان میهمان خانه پیش رو «کاظم حیدری»، پدري آرام و مهربان است که با همراهی پسرانش شما را به ضیافتی از جنس دیروز فرا می‌خوانند. شکل ظاهری، ارتفاع بنای مضاف و دو مناره قرینه در دو طرف، اشتیاق زیادی برای دیدن درون آن ایجاد می‌کند. از در کوتاهی که در وسط میهمانخانه قرار گرفته، وارد شوید. آنچه در نگاه اول توجه شما را جلب خواهد کرد، ستون‌های بلند و عظیم و طاق‌هایی است که ابهت خاصی را در این فضا ایجاد کرده‌اند و پوششی از بوریا که سقف و قسمتی از دیواره‌ها را محافظت می‌کند. دیواره‌های مضاف از نی‌هایی پوشیده شده که بسیار هنرمندانه در کنار یکدیگر چیده شده‌اند، به گونه‌ای که جریان لطیف باد را در گرمای تابستان به جسم و روح میهمانان منتقل می‌کنند و پنجره‌های مشبک در دو طرف ورودی و انتهای مضاف زیبایی نور خورشید را از روزه‌ها به درون انعکاس می‌دهند. کفپوش میهمان خانه از فرش‌های دستباف قدیمی که با دستان هنرمند زنان عرب به رنگ‌نشسته‌اند و به وسیله بالش‌های دوره‌چین مزین شده است. اما سرخی ذغال‌های گداخته در اجاق چهارگوش وسط مضاف بر میهمانان روی می‌نمایاند؛ گویی حرارت آن با گرمای محبت صاحبانش درهم آمیخته است. آنچه برای شما لذت بخش خواهد بود، ضیافتی است که میهمان را به نوشیدن قهوه تلخ عربی با فنجان مخصوص و ذله‌ای که در دست ساقی است فرا می‌خواند که البته آداب مخصوص به خود را دارد. حس خوبی است در فضایی قرار بگیری که بندبندش از طبیعت پیرامون توست. آنگاه جریان زندگی را در آن خواهی یافت؛ با سنت‌هایی کهن که زود رو به فراموشی نهاده می‌شوند، هرچند که اگر به دیدنش بروید، زنده خواهد ماند. میهمان‌نوازی عرب‌ها زبانزد است و کدبانویی و دست‌پخت زنان کوشا و زحمتکش با انواع خوراکی‌های سنتی، نان محلی خُبز، طاباک سیاح، کره حیوانی، خرما، ماهی کباب، خشو و ... خاطره‌ای لذیذتر به یادگار می‌گذارند.

دهلاویه؛ مشهد شهیدان

روستای بُردیه را که به سوی بستان ترک کنید، با طی کردن سه کیلومتر پس از بُردیه، به «دهلاویه» می‌رسید. بستان در ۸۵ کیلومتری شهر اهواز در مجاورت استان میسان عراق و شهر العماره قرار گرفته است. یادمان شهید مصطفی چمران، بنیانگذار ستاد جنگ‌های نامنظم در جنگ ایران و عراق که در سی و یکم خرداد ماه ۱۳۶۰ در مسیر دهلاویه - سوسنگرد قرار دارد، او بر اثر اصابت ترکش خمپاره به پشت سرش شهید شد.

در میان استبرق‌های أم الدیس

مقصد بعدی منطقه شکار ممنوع ام الدیس و میشداغ است. فاصله زمینی جنوبی‌ترین نقطه منطقه تا شهر بستان و سوسنگرد به ترتیب

این شهرستان محسوب می‌شوند. در سمت راست جاده روستای «شَبیشه» یادمان سفید رنگ عقب راندن نیروهای متجاوز بعثی و روبه روی آن یک تانک به غنیمت گرفته شده نظراتان را جلب خواهد کرد. مکانی که نیروهای عراقی در جنگ تحمیلی سعی کردند با پیشروی از آن، به سمت اهواز آمده و پرچم عراق را بر سر دروازه‌های بستان نصب کنند، اما با حضور دلاورمردان ایران نقشه شوم آنها با شکست مواجه شد و ناکام بازگشتند.

از کرخه تا هورالعظم

از حمیدیه به سوسنگرد باید مسافتی حدود ۳۰ کیلومتر را طی کنید. پس از حمیدیه شهر «کوت سید نعیم» محل تولید انواع سبزی، مکان مناسبی است برای خرید سبزیجات تازه. در ادامه، رودخانه کرخه از سوسنگرد هم می‌گذرد. شعبه‌ای از آن نیز از درون شهر عبور کرده و در غرب و جنوب غربی شهر، به دو رود «سابله» و «مالکیه» منشعب می‌شود. پیش از ورود به سوسنگرد دو مسیر پیش رو دارید؛ جاده‌ای که شما را در مسیر شهرهای «هویزه» و «زُفیع» قرار خواهد داد و دیگری که راه را به سوی «بستان»، «دهلاویه»، «چزابه» و «فکه» هدایت می‌کند. البته مسیر حرکت شما در این محور گردشگری جاده بستان است، اما بهتر است بدانید که «هویزه» در ۱۵ کیلومتری جنوب غرب سوسنگرد و ۷۲ کیلومتری غرب شهر اهواز قرار گرفته است. تالاب زیبایی هورالعظیم، مزار شهدای هویزه، قدمگاه ابوالفضل العباس، قدمگاه ابراهیم الخلیل و مقبره ۴۰ عالم جلیل‌القدر جاذبه‌های مهم این منطقه هستند، همچنین بزرگ‌ترین باغ وحش استان خوزستان از جمله مکان‌های مهم برای بازدید گردشگران به حساب می‌آید. شهر «زُفیع» نیز در این مسیر با داشتن بازارچه مرزوی و مرکزیت هنرمندان و صنعتگران بوریا باف قابل توجه است. به مرکز شهر سوسنگرد که نام قدیمی اش خُفاجیه بوده، می‌رسید.

بازدید در «بُردیه» و ضیافتی در «مُضیف»

در مسیر سوسنگرد به شهر بستان، پس از گذشت مسافتی حدود ۴ کیلومتر، به روستای «بُردیه» می‌رسیم؛ داری دیگر از سرزمین مردمان عرب با ویژگی‌های قومی و قبیله‌ای خاص. نام روستا برگرفته از گیاه «بُردی» است که در منطقه می‌روید. در سمت راست جاده و در فاصله یکصد متری، مسجد روستا، در مجاورت جاده و چند قدم آن طرف تر سازه‌ای مشاهده می‌کنید که گویی در گوشه‌ای پنهان شده. نام محلی آن «مُضیف» به معنای محل ضیافت است و در میان اعراب «میهمان‌خانه» تعریف می‌شود. سازه‌ای از گیاهان بومی منطقه (گیاه نی) که یادآور سکونت‌گاه‌هایی از دورترین قرن‌های





یادمان شهید چمران در دهلاویه

مقابل شماست. اگر از محلی‌ها درباره وجه تسمیه ام‌الدیس پرسید، می‌گویند: به معنی «مادر شیر خرد» است و این برگرفته از ماجرای است که در این منطقه اتفاق افتاده. بافت روستایی، دیدن منظره آن و فرهنگ جدیدی که خیلی‌ها تا به حال ندیده‌اند خالی از لطف نیست. از ام‌الدیس که به سوی میشداغ بروید، حتماً ردپای عشایر و البته گاهی گله‌های شتر را می‌بینید. میشداغ از توابع شهرستان شوش است که در غرب رودخانه کرخه قرار گرفته و از شمال به روستای بیت راشد، از جنوب به روستای ابوحلاج، از شرق به تپه‌های مهورهای الله اکبر و از غرب به تنگه جزابه در مرز ایران و عراق و در بخش شمالی به دشت چنانه و امتداد جنوبی آن به دشت عباس و دشت فکه و رقبایه محدود می‌شود. آنچه که در این سفر به جذابیت‌های مسیر می‌افزاید، پوشش متنوعی از گیاهان بومی و عمدتاً نيزارها، گز، استبرق کهورک، زملیک و... است که به نوبه خود دیدنی هستند و گونه‌های حیات وحش از تپهو، درنا، عقاب، جغد کوچک، بزوجه بیابانی، مار افعی شاخدار عربی، قوچ و میش، بزکوهی، آهو، سمور و بسیاری دیگر که آسمان و زمین این منطقه را با رنگ خود زنده نگه می‌دارند. در نهایت چنانچه قصد ادامه سفر از میشداغ به پیش‌تر از آن را دارید، وارد شهرستان شوش به عنوان پایتخت هخامنشیان می‌شوید و برنامه ریزی برای آن مسیر نیازمند وقت دیگری خواهد بود.

حدود ۵ و ۴۰ کیلومتر است. تپه‌های شنی و جنگلی ام‌الدیس حد فاصل مزارع کشاورزی شمال رودخانه کرخه، بستان و جنوب کوه‌های میشداغ قرار دارد و از شرق به تپه‌های مهورهای جزابه در نزدیکی مرز عراق منتهی می‌شود. اینجا روزگاری مسیر حرکت رزمندگانی بود که برای دفاع از مرزهای ایران و در نبردهایی بی‌امان جانانشان را همان‌جا رها کردند. شرایط اقلیمی منطقه تحرک‌شن‌های روان را به دنبال داشته، تا اینکه با طرخی در سال ۶۴ با مالچ‌پاشی و درختکاری به تثبیت رسیدند. پوشش گیاهی منطقه با درختان و درختچه‌های مقاوم کهور استبرق، آکاسیا و یکتوریا، گزهای و... در کنار تپه‌های شنی منظره متفاوتی را پیش روی گردشگران قرار می‌دهد. این منطقه از دیرباز زیستگاه آهوان زیبا بوده و در کنار این گونه، پستاندارانی همچون روباه، کفتار، شغال، گرگ، گراز و انواع جوندگان زندگی می‌کنند.

از میشداغ تا شوش

با گذر از جاده میانی جنگل‌های ام‌الدیس، به رشته تپه‌های «میشداغ» می‌رسید. از تپه‌ها که بالا بروید، در پشت سر خود منطقه‌ای پوششیده از تپه‌های رملی و درختان متراکم مشاهده خواهید کرد. ارتفاعات میشداغ را به سمت شمال غربی که پشت سر بگذارید، دشتی باقی مانده از جنگل‌های ام‌الدیس، با روستایی به همین نام در

راهنمای سفر به آذربایجان غربی

سفر به شهر جنگل‌ها، آبشارها و تاریخ

معرفی جاذبه‌های گردشگری استان آذربایجان غربی

آمده‌اند، از جاذبه‌های گردشگری پرشمار دیگر شهرهای استان هم بازدید کنند. ما تورهای مختلفی برای دیدن آذربایجان غربی طراحی کرده‌ایم. اکثر آنها به این صورت که گردشگران ابتدا جاذبه‌های ارومیه را می‌بینند و بعد هر روز تا مسیری می‌رویم و جاذبه‌هایی را می‌بینیم و برای اقامت به ارومیه برمی‌گردیم. آشنویه، نقده، ماه آباد، سردشت، پیران شهر، تکاب، چالدران، سیه چشمه، سلماس و خوی از جمله مقاصد این سفرهای یک روزه هستند که برای رسیدن به هر کدام مسافتی حدود ۴ تا ۵ ساعت را باید طی کنید. البته اگر با اقامت در چادر مشکلی ندارید، می‌توانید طوری برنامه‌ریزی کنید که به چالدران بروید و چادر بزنید و به جای برگشتن به ارومیه، مسیر را ادامه دهید. در ماکو هم اقامتگاه وجود دارد، بنابراین می‌توانید به جز دیدن جاذبه‌های این شهر به عنوان استراحتگاهی در میان مسیر هم روی آن حساب کنید.

آذربایجان غربی، بهشت تپه‌های باستانی، استانی با تاریخ کهن با سه اثر ثبت شده در یونسکو و استانی که نام نخستین‌ها را در شناسنامه خود به ثبت رسانده است. اولین دانشکده طب ایران با قدمت ۱۵۰ سال که توسط جوزف کاکران یکی از آشوریان ارومیه و مسیونرهای آمریکایی در باغی به وسط ۱۵ هکتار که امروز به عنوان دانشگاه ارومیه شناخته می‌شود احداث شد. استانی که با داشتن زیباترین جنگل‌ها و پرخروش‌ترین آبشارها و رودخانه‌هایی چون جنگل بردانان، آبشار شلماش، سوله دوکل، آبشار اوزان، مارمیشو و خان دره، جرمی و دره پینار. آذربایجان غربی نام سومین اکوتور ایران را به خود اختصاص داده است. گردشگران زیادی در ایام نوروز و همه ایام سال به آذربایجان غربی می‌آیند. بخشی از آنها فقط ارومیه را می‌بینند و باقی ترجیح می‌دهند حالا که مسافتی طی کرده و تا شمال غربی ایران

ارومیه؛ موزه، کلیسا

محمود آباد و کتیبه موانا که در تاریخ قدیمی چنین آمده است که بر سر راه‌ها نصب می‌شده تا همگان بخوانند و بدانند. وقتی وارد موزه مردم شناسی ارومیه می‌شویم، فرهنگ مردم را از نزدیک می‌بینیم و لمس می‌کنیم. نوع لباس و پوشش شهرهای مختلف نوع آموزش و صنایع دستی و موسیقی سنتی این استان با حضور عاشیق‌قلار زیبایی خاصی به موزه مردم شناسی بخشیده است. موزه سنگ در سه گنبد ارومیه، موزه تاریخی طبیعی واقع در خیابان والفجر جزو کامل‌ترین موزه‌های تاریخ طبیعی و معرف حیات وحش استان است که بخش‌های نجوم و ستاره شناسی را نیز در خود جای داده است. کوچه‌های قدیمی و بازارهای بزرگی که از زندگی و صفویه تاکنون از حمله روسها به بازار و تسخیرش در زبان مردمی که آبا و اجدادشان در آنجا بوده‌اند، تلخ و شیرین قصه‌ها نقل می‌کنند بازار خوی و دروازه سنگیش شهری که گذرگاه تاریخی بوده، مه‌آباد با برد کنته و فخریگاهش آشنویه با تولوموس‌های سیتی سکایی و خورنج این روستای افسانه‌ای ماکو با گور دخمه بام فرهاد و کاخ باغچه جوق و عروسی که از دیار دیگر به این سرزمین آمد تکاب شهر دیوان و فرشتگان با چمن متحرک و چشمه‌های آب گرم و سردش، شاهیندژ با آبشار اوزان و گور دخمه‌های بی‌بی کندی بوکان با مساجد تاریخی و کهن و سرزمینی که با نام تپه باستانی قلابچی هویت تاریخی بوکان را رونمایی می‌کند. روستای انبی ارومیه که زادگاه مادر زرتشت خوانده می‌شود و هزاران اثر تاریخی ناگفته و ناشناخته که در سفر به استان آذربایجان غربی با تمام بی‌صدایش همه را صدا می‌زند. قلعه‌ها و دژهایی که از حمله‌ها، مقاومت‌ها و دفاع از مردم مظلوم حکایت دارد کاظم داشی، قلعه دم دم، قلعه پردوک، قلعه اورارتویی در کوه مقدس ارومیه ندایی است برای سفر به شهر آب، به باغشهری زیبا که نوای بهترین‌ها را می‌نوازد.

آذربایجان غربی قدیمی‌ترین تاریخ دینی را به نام خود ثبت کرده و بزرگ‌ترین آتشکده شاهی در تکاب قدرت و اقتدار شاهان ساسانی را نشان می‌دهد که تا قرن‌ها آتش مقدس به صورت شبانه روز روشن بوده و روشنی بخش آتشگاه‌های زرتشتیان از خاور تا باختر بوده است و امروز از طرف زرتشتیان در مراسم خاصشان به ویژه نوروز و مولود زرتشت در این آتشکده که یکی از بزرگ‌ترین چاکراه‌های انرژی نیز است، جمع می‌شوند. کلیسای طادپوس یا به زبان محلی قره کلیسا در سمت دیگر قدیمی‌ترین کلیسای ایرانی در چالدران که میزبان مسیحیان از سراسر دنیا در تیرماه هر سال است که به مدت سه روز برای انجام مراسم خاص دور هم جمع می‌شوند تا یاد طادپوس را زنده نگه دارند و در روز دوم و سوم مراسم تعمید و ازدواج در این کلیسا برگزار می‌شود. کلیسای ننه مریم ارومیه که خود داستان‌های زیادی برای گردشگران دارند و به دلیل اهمیت و ارزش تاریخی چندبار مورد بازسازی قرار گرفته که بافری ملکه چینی از جمله کسانی است که سهمی در تعمیر و بازسازی این کلیسا داشته است. مسجد جامع ارومیه با قدمتی بس کهن سخن زیادی برای گفتن دارد. کنیسه یهودیان که در مرکز شهر قرار دارد و امروز اجازه ورود به آن داده نمی‌شود و به عنوان انبار مورد استفاده قرار می‌گیرد نمادی کامل از رنگین کمان مذهبی این استان است که مسلمانان شیعه و سنی، مسیحی آشوری پروتستان و کاتولیک یهودی را در کنار هم قرار داده و جلوه خاصی به فرهنگ مردم این سرزمین بخشیده است. موزه ملی ارومیه که مخزن کتیبه‌های تاریخی است توجه همگان را به خود جلب می‌کند و از اورارتوها، آشورها سخن می‌گوید. عقاید مذهبی از معابد از فرهنگ و از تاریخ غنی ایرانیان صحبت می‌کند. کتیبه کله شین با قدمت سه هزار ساله، کتیبه



به سمت ماکو

از هتل مروراید به مقصد ماکو آماده حرکت شدیم. هوا بسیار خنک بود. همه مسافران سوار شدند. خیابان ها خلوت بود. اتوبوس از سمت جاده سلماس به حرکت در آمد؛ مسیری که از باغات سیب پوشیده شده و یا کوه های بلند سر به فلک کشیده اند، زیبایی جاده را چندین برابر می کند. بعد از طی ۷۵ کیلومتر (حدود یک ساعت) برای صبحانه در محلی نزدیک خان تختی توقف کردیم. سفره سرای سنتی که برای مسافران صبحانه ای کامل سرو می کند و صبحانه محلی برایشان ارائه می کند. حدود نیم ساعت آنجا بودیم و سپس برای بازدید از اثر تاریخی خان تختی به سمت کوه پیرچاووشان حرکت کردیم. این اثر تاریخی که مربوط به دوره ساسانی است، نقش مردی را نشان می دهد که تاج بر سردارد که به همراه دو سوار دیگر بر روی صخره ها حکاکی شده است که برخی محققان بر این باورند مردی که پیشاپیش دو نفر دیگر بر اسب سوار شده اردشیر پادشاه ساسانی است و برخی دیگر اعتقادشان براین است که این نقش، نقش شاپور اول در بازگشت از فتح ارمنستان و غلبه بر سپاهیان روم بوده است بعد از نیم ساعت بازدید و عکاسی از محل به راه خود ادامه می دهیم، فاصله سلماس تا خوی با اتوبوس حدود ۲۰ دقیقه بود که در راه رسیدن به خوی پل مشهور قطور را دیدیم و قصد دیدن مناره شمس وارد شهر تاریخی خوی می شویم. شهری زیبا با کلیساهای قدیمی و داستان های بسیار. شهری که در تاریخ به نام سانگی بوته شناخته می شود و قلعه و شهر بسطام که به عنوان سرزمین مقدس شناخته می شود که آشوری ها در پی ویران کردن این شهر برآمدند. به مناره شمس تبریزی رسیدیم جایی که با توجه به شواهد تاریخی در اثر وقوع زلزله سلماس و خوی در سال ۱۲۲۲ ه.ق. و سیل مهیبی که حدود ۱۲۰ سال پیش در محل این مناره به وقوع پیوست باعث تخریب گنبد و بارگاه آرمگاه و همچنین تخریب و از بین رفتن دو مناره دیگر که سمت تبریز و اقامتش در خوی است. ساعت ۱۰ صبح است و به سمت ماکو حرکت می کنیم که در مسیر خروجی این سرزمین کهن کوه های رنگی و مینیاتوری توجه همه را به خود جلب می کند. با گذر از مسیر این کوه های با شکوه و رسیدن به سه راهی ایوغلی مسیر ماکو را انتخاب می کنیم. شهری که در گذشته مکوه خوانده می شد که واژه ای ارمنی است. بعد از طی تقریباً ۶،۳۰ با توقف های بین راهی از ارومیه در شهر صخره ایی ماکو هستیم، شهری که سنگ جداقیه سایه بر ساختمان های این شهر انداخته است. برای صرف ناهار به سمت کاخ سردار و رستوران های سنتی روبروی کاخ سردار حرکت می کنیم. غذاهای این رستوران ها با کیفیت عالی سرو می شود علاوه بر این روبروی کاخ باغچه جوق سفره خانه الواری است که یکی از بهترین سفره خانه های شهر ماکو است. بعد از صرف ناهار و کمی استراحت وارد کاخ تاریخی باغچه جوق می شویم. کاخ تاریخی ویا شکوه باغچه جوق در باغی به وسعت

حدود ۱۱ هکتار در اواخر دوره قاجار به دستور تیمور تیموری معروف به اقبال السلطنه ماکویی، یکی از سرداران مظفرالدین شاه و از حکام مقتدر آن دوره ۱۳۲۴-۱۳۱۳ ه.ق. بنا ۲۵۰۰ متر مربع زیر بنا در باغی زیبا که دارای انواع درختان میوه و گل ها (بوته های بزرگ رز و ... و درختان زینتیا قاقیا، تبریزی و...) و چشمه های زلال است، ساخته شد و تاثیر شگرفی از سبک معماری روسیه آن زمان پذیرفته است. به دلیل ویژگی های ممتاز هنری و معماری، در سال ۱۳۵۳، این اثر توسط دولت از وراث سردار خریداری و بعد از انجام تعمیرات ضروری از سال ۱۳۶۴ برای بازدید عمومی آماده شد. در حیاط روبروی کاخ اولین چیزی که جلب توجه می کند، کالسکه خاک گرفته سردار و جایگاه باشکوهی است که از آنجا برای رعیت ها سخنرانی می کرده و از تراس گچبری شده، با آجرهای رنگی و پلکانی که از دو سو، جایگاه را به حیاط متصل می کند تشکیل شده است. ساختمان کاخ بنایی است قرینه، نیمه ایرانی و نیمه فرنگی و دیوارهای هر دو قسمت با رنگ های طبیعی نقاشی شده اند. نیمه ایرانی با گل و بوته و زنان و مردان دوران قاجار و نیمه فرنگی با نقش کاغذدیواری خانه های روسی قرن ۱۹ و نقش و نگارهای اروپایی تزئین شده است. طبقه اول بنا، سالن ناهارخوری است که در نیمه از سقف آن سفره های ایرانی با کباب و چلو و خورش و دوغ و مردان ایرانی نقاشی شده و در نیمه دیگر میز، غذایی به سبک اروپایی با گل و شراب و شمع و زنان و مردانی فرنگی ترسیم شده است. ناهارخوری به سالن انتظار و محل پذیرش ملاقات های رسمی متصل است و در مرکز بنا، حوضخانه ای آئینه کاری شده با دیوارهای گچبری قرار دارد که سایر بخش های کاخ، در پیرامون این تالار مرتفع شکل گرفته اند. راه پله ای که از دو سوی بنا بازدیدکنندگان را به اتاق خواب، دفتر کار و شاه نشین ها رهنمون می شوند با مجسمه هایی سنگی تزئین شده اند و تمامی تالارها و اتاق های طبقه دوم دارای انواع و اقسام مبیل ها و کمدها و میزهایی است که هر یک حاصل هنر هنرمندان یک کشور فرنگی است. از میلمان نشین لهستانی گرفته، تا کمدهای منبتکاری اتریشی و میلمان استیل فرانسوی و میز آرایش آنالی خانم، همسر سردار و لوسترهای برنزی و کریستال، بعد از گشت ۱ ساعت از باغچه جوق خارج می شویم به سمت بازار مرزی ماکو میرویم بعد از خرید از بازار که بیشتر اجناس از کشور ترکیه در این بازار عرضه می شود. در مسیر بازگشت عمارت کلاه فرنگی ماکو را که هم اکنون بسته و در حال بازسازی است و در خیابان امام واقع شده هم می بینیم. شهر ماکو مملو از آثار تاریخ قدیمی است از جمله به یام فرهاد در کوه سنگ، تالار ندیم بیات در زیر صخره سنگی جداقیه، روستای تاریخی بان باط حمام های سنتی و اکوموزه زند ... از جمله مکان هایی است که علاقه مندان می توانند از آنها دیدن کنند. بعد از ۵ ساعت با یک استراحت کوتاه در سه راهی ایوغلی به ارومیه شهر آب می رسیم و روزی پرخطر را در دفتر سفر به باغشهر ارومیه ثبت می کنیم.





متن مجتبی جوادیه
کارشناس گردشگری
عکس سجاد واسعی و وحید شکری

راهنمای سفر نوروزی به همدان

سفر به آکسایا

معرفی ۳۵ جاذبه گردشگری در استان همدان

را داد؛ ترکیبی از دیوارهای تودرتو و مدور که هفت دژ را شامل می‌شد که هر کدام داخل دیگری بود و آن را مرکز حکومت خود کرد. به این وسیله اولین پایتخت تاریخ ایران و امپراطوری بزرگ ماد در دامنه کوه الوند شکل گرفت. همدان با ارتفاع ۱۸۵۰ متر از سطح دریا دومین مرکز استان مرتفع نام دارد و ازین رو آب و هوای سرد در زمستان و تابستان های آن، این شهر را به یکی از مقاصد گردشگری مهم در غرب ایران تبدیل کرده است.

«هرودوت» تاریخ بنای این شهر را ۸۰۰ پیش از میلاد و «دیاکو» نخستین پادشاه ماد را به عنوان بنیانگذار این شهر و همچنین سلسله پادشاهی ماد معرفی می‌کند. در کتیبه‌های آشوری پیلسر نام «آمادی» بر این شهر گذاشته‌اند. در برخی دیگر آن را آکسایا (کارا کاسی) شهر کاسی‌ها خوانده‌اند که تاریخ این شهر را به قبیله مهاجرت آریایی‌ها به این مکان می‌رساند. اما دیاکو آن را «هگمتانه» به معنای محل تجمع نام‌گذاری کرد و دستور ساخت شهری متمرکز

ویژه گردشگران تاریخ دوست

با یاری عمومی خود مردخای موفق شدند دسیسه مربوط به قتل عام یهودیان را خنثی کنند و نظر پادشاه را نسبت به رای خود برگردانند. در کتاب مقدس (عهد عتیق) داستانی مفصل از استر وجود دارد و آن را ناجی قوم یهود می‌دانند. این مکان به عنوان یکی از مهم ترین زیارتگاه های کلیمیان شمرده می‌شود و توسط جامعه کلیمیان ایران نگهداری و اداره می‌شود. می‌توانید در مرکز شهر، ابتدای خیابان شریعتی از این بنای تاریخی دیدن کنید. اگر به تاریخ ادیان علاقه مندید، بدانید در بازار همدان مسجدی به نام پیغمبر وجود دارد که در کنار محراب آن یکی از پیامبران بنی اسرائیل دفن شده. «حجی» نام پیامبری است که در بخشی از کتاب مقدس (عهد عتیق) گفتاری از او وجود دارد. مسیحیان آن را پیامبر کوچک می‌نامند؛ چون بخش او در کتاب مقدس کوتاه‌ترین گفتار

شاید به تعداد انگشتان دست در کل دنیا، شهرهایی مانند همدان باشند که دوره‌های مختلف تاریخی را تجربه کرده‌اند و همواره در تمامی ادوار جزو شهرهای مهم کشور بوده‌اند. همدان از چیزی نزدیک به سه هزار سال پیش سکونت‌گاه اقوام مختلف ایرانی بوده است، بنابراین گردشگران علاقه مند به تاریخ، می‌توانند حساب ویژه‌ای روی این شهر باز کنند. اولین مقصد در همدان، «هگمتانه» است؛ بقایای شهر باستانی هگمتانه هم اکنون مورد بازدید گردشگران قرار می‌گیرد. این محوطه باستانی در مرکز شهر و نزدیک به بازار قرار دارد و موزه اشیای باستانی همدان و نیز کلیسای گریگوری استپان و کلیسای مریم مقدس همگی در این محوطه باستانی قرار دارد. مقصد تاریخی بعدی «استر و مردخای» است. همزمان با دوره پادشاهی خشیارشا ملکه استر



است. همدان از دیر باز در مسیر غرب به شرق ایران قرار داشته و در غرب این شهر دره‌ای بسیار زیبا به نام عباس آباد قرار دارد که در انتها یک دره دیگر به نام تاریک دره از آن جدا شده و مسیری برای عبور از کوهستان الوند به سمت غرب به شمار می‌رود. در محل تلاقی این دو دره، کتیبه‌های هخامنشی وجود دارد که یکی از آنها به دستور داریوش بزرگ و دیگری خشیارشا بر صخره ای کنار رود عباس آباد کنده شده‌اند و در مجموعه «گنج نامه» مورد بازدید گردشگران قرار می‌گیرند. در زمان اشکانیان در دو طرف دروازه شرقی شهر همدان دو شیر بزرگ سنگی وجود داشته، بعدها اعراب آنها را بابالاسد نامیدند. در حال حاضر یکی از آنها پس از گذشت سال‌ها تبدیل به نماد میدانی به همین نام در همدان شده. بنابراین بنای «شیرسنگی» یکی دیگر از جاذبه‌های توریستی همدان است که گردشگران نوروزی را فرا می‌خواند.

ویژه گردشگران عارف و شاعر دوست

«گنبد علویان» به جامانده از دوره سلجوقی، بنایی است با گچبری و آجرکاری کم‌نظیر که در نزدیکی محوطه باستانی هگمتانه قرار دارد. «برج قربان» در محوطه زندیه نزدیک به آرامگاه ابوعلی مدفن حسن ابن عطار حافظ از امرای سلجوقی است. «مسجد جامع» همدان و همچنین «بازار» این شهر و «کاروانسرا»های زیبای آن به جامانده از دوران صفوی و قاجار هم از جمله جاذبه‌های این شهر محسوب می‌شوند. حکیم ابوعلی سینا، فیلسوف و پزشک بزرگ تاریخ ایران خالق کتب ارزشمندی چون قانون و شفا در میدانی به همین نام مدفون و بنای زیبایی با هنرمندی مهندس سیحون بر مزار وی ساخته شده است و امروزه به نماد شهر همدان تبدیل شده و از مراکز اصلی گردشگری این شهر محسوب می‌شود. در این مجموعه موزه‌ای کوچک از ابن سینا وجود دارد و در حیات آرامگاه یکی از شخصیت‌های برجسته در شعر و ترانه، عارف قزوینی مدفون است. «آرامگاه و موزه ابوعلی سینا» یکی از جاذبه‌های گردشگری مهم شهر همدان است. همه ما با دوبیتی‌های باباطاهر، این شاعر بزرگ قرن پنجم آشناییم و آنها را زمزمه می‌کنیم اما این را کمتر کسی می‌داند که باباطاهر پس از فردوسی کسی بود که به فارسی شعر گفت و در زنده ماندن زبان فارسی نقش مهمی ایفا کرد. «آرامگاه باباطاهر» در میانه میدانی به همین نام در نزدیک ورودی شهر همدان از سمت شمال قرار دارد. اما همدان زادگاه مفاخر بزرگی چون عین الغضات همدانی، خواجه رشیدالدین فضل الله، میرسید علی همدانی، میرزاده عشقی و بسیاری دیگر که می‌توانید در موزه مفاخر همدان در مورد آنها بیشتر بدانید.





ویژه گردشگران طبیعت دوست

اگر قصد بازدید از گنج‌نامه را داشته باشید، از میان «دره عباس آباد» عبور می‌کنید و مناظر کوهستانی زیبایی سر راهتان خواهید دید. در انتهای دره، آبشار زیبای گنج‌نامه وجود دارد. می‌توانید با کمی کوهپیمایی سبک، آبشارهای دیگری در ابتدای دره کیوارستان ببینید. «دشت میشان» در ارتفاعات از همین مسیر قابل دسترس است، همچنین تاسیسات تله کابین برای رسیدن به آن وجود دارد. «دشت تخت نادر» با وسعت یک و نیم هکتار در ارتفاع سه هزار متری با چشمه‌های فراوان بین دشت میشان و قله الوند است. از طرف دیگر، در نزدیکی شهر همدان و دامنه رشته کوه الوند روستاهایی با معماری زیبا و طبیعت چشمگیر وجود دارد که با طی مسافت کمی از شهر به آنها می‌رسید. از آن میان می‌توان «دره مراد بیگ»، «حیدره»، «برفین» و «امامزاده کوه»، «سیمین ابرو»، «ورکانه» و «دیویچین» را نام برد.

گذری بر شهرستان‌های استان همدان

«بهار» هم بازدید کنید. لالچین به شهر سفال معروف است و بهترین فرصت برای خرید سوغاتی از این استان به شمار می‌رود. همچنین در این شهر می‌توانید آبگوشت بزباش، غذای سنتی و لذیذ همدانی را امتحان کنید. «تویسرکان» شهری است که «آرامگاه حقیق نبی»، از دیگر مکان‌های مذهبی استان در آن وجود دارد. این مقبره که متعلق به یکی از پیامبران بنی اسرائیل است و همانند حجی پیامبر در کتاب مقدس (عهد عتیق) از او گفتار مفصلی به جا مانده است. «آرامگاه میر رضی الدین آرتیمانی» از شعرای مشهور نیز در این شهر واقع شده است. اما اگر طبیعت‌دوست و خصوصا دوستدار حیات وحش هستید، منطقه حفاظت شده خان گرمز در این شهرستان، فرصت مناسبی برای بازدید و عکاسی از حیات وحش را برای شما به ارمغان می‌آورد. «باغ شهر سرکان» از دیگر مکان‌های پیشنهادی ما به شماست؛ جایی که می‌توانید از بزرگ‌ترین باغات گردوی ایران بازدید کنید.

در گذر خود از استان همدان حتما به شهرستان‌های زیبای این استان هم سر بزنید؛ شهرهایی که با دارا بودن جاذبه‌های طبیعی و تاریخی فراوان حرف‌های زیادی برای گفتن دارند. «تھاوند» یکی از مقاصد مهم گردشگری در استان همدان است. شهر سراب‌ها و سرچشمه رود گاماسیاب که در ادامه این رود به سیمره و نهایتا کرخه تغییر نام داده است. «سراب گاماسیاب»، «گیان» و «فارسبان» همچنین «موزه و حمام حاج آقا تراب» از دیگر مکان‌های این شهرستان است. شهر «ملایر» (آتشکده) یا «تپه باستانی نوشیجان» از آثار به جا مانده از دوران مادها هستند. پارک و «مارت صیفیه» و «روستای پری زنگنه» زادگاه کریم خان زند از جمله مکان‌هایی است که در ملایر می‌توان دید. «غار علیصدر» شگفت‌انگیز و خنک و بی‌بدیل، با قابلیت قایقرانی، ارزش آن را دارد که حداقل یک روز از سفر خود را صرف آن کنید. این غار از همدان حدود ۶۰ کیلومتر فاصله دارد و در میانه راه می‌توانید از شهرهای «لالچین» و

از همدان دست پر برگردید!

برای اینکه از همدان دست خالی بیرون نروید، می‌توانید سفال را که یکی از اصلی‌ترین صنایع دستی همدان است تهیه کنید. برای این کار اگر بتوانید به لالچین بروید خیلی خوب است و قدرت انتخاب بیشتری دارید، ولی در میدان باباطاهر هم مراکز فروش سفال فراوانی وجود دارد. سوغات دومی که از این شهر باید با خود ببرید، چرم است. چرمینه‌های همدان زمانی در خاورمیانه شهرت بسیاری داشتند. هم اکنون نیز در بازار همدان در راسته‌ای محصولات چرمی این شهر عرضه می‌شوند. اگر هم به دنبال سوغات‌های خوراکی می‌گردید، خیالتان راحت باشد که خوراکی‌ها و چاشت‌های بسیاری مختص همدان هستند؛ انگشت پیچ، حلوا زرده، کماج و شیرمال از این دسته‌اند و البته ترشی و عرقیجات همدان هم جایگاه ویژه‌ای خواهند داشت!



متن و عکس سوران احمدی زاد

متن کاوه پدیدار

رییس انجمن راهنمایان تور کردستان

راهنمای سفر به استان کردستان

از سنندج تا قروه

سنندج، مریوان، نگل، سقز، بیجار، اورامان، کامیاران، دیواندره، قروه

مختلف استان پرآکنده و گسترده شده‌اند. جاذبه‌های تاریخی و معماری منطقه که شامل قلعه‌های قدیمی، مسجدهای تاریخی، حمام‌ها و... می‌شوند، همراه با ستن، آیین‌ها و فرهنگ رایج بین اقوام کرد از مهم‌ترین جاذبه‌های استان کردستان قلمداد می‌شود. موسیقی محلی کردی یکی از بارزترین ویژگی‌های فرهنگی قوم کرد است. طراوت، شادابی و نشاط وصف ناپذیر، تکاپو و سرزندگی، فضای عرفانی و درآمیختگی مضامین با تاریخ گذشته کردها، بخشی از خصوصیات موسیقی کردی به شمار می‌آید. در ادامه برخی از جاذبه‌های گردشگری استان کردستان و شهر سنندج را معرفی می‌کنیم.

کردستان، استانی سرسبز و خرم با وسعتی معادل ۲۸ هزار و ۲۰۳ کیلومتر مربع است که در غرب ایران و در مجاورت بخش شرقی کشور عراق قرار دارد. جنگل‌های بلوط، آبشارها و رودخانه‌های خروشان، چشمه‌های طبیعی و کوه‌های سر به فلک کشیده؛ طبیعت زیبا و چشم‌نواز استان کردستان را رقم زده و یکی از زیباترین جلوه‌های گردشگری طبیعی ایران را در دامنه‌های زاگرس به وجود آورده است. این استان به لحاظ سابقه تاریخی دارای قدمت زیاد و دیرینه‌ای طولانی مدت بوده و با جغرافیای خاص و منحصر به فرد، خود از مکان‌های تاریخی و طبیعی با ارزشی برخوردار است که در مناطق

کردستان، سنندج، مجموعه پارک تفریحی - جنگلی آبیدر

سنندج از فراز این پارک چشم انداز بسیار زیبا و وصف ناشدنی دارد. چندین باغ و چشمه طبیعی در این پارک وجود دارد و یکی از بزرگ‌ترین باغ‌های این مجموعه باغ امیریه است که بزرگ‌ترین سینمای روباز (تابستانه) کشور در این باغ جای گرفته. به گردشگران عزیز پیشنهاد می‌شود که شب‌ها در آبیدر حضور بیابند تا بتوانند از فیلم‌های شبانه آن بهره ببرند.

شهر سنندج مرکز استان کردستان است، اگر شما از سمت همدان به سمت استان کردستان وارد شوید، پس از گذر از شهرستان‌های قروه و دهگلان به شهر سنندج می‌رسید. مجموعه «پارک تفریحی، جنگلی آبیدر» به عنوان یکی از شاخص‌ترین و شناخته‌شده‌ترین جاذبه‌های گردشگری استان، در غرب شهر سنندج و در انتهای خیابان آبیدر بر دامنه کوه استوار و سر به فلک کشیده آبیدر واقع شده است. شهر



کردستان، سنندج، عمارت آصف یا خانه کرد سنندج

عمارت آصف یا خانه کرد، موزه مردم شناسی مناطق کردنشین و بزرگ ترین موزه مردم شناسی مربوط به یک قوم در ایران است. این موزه در خیابان امام خمینی (ره) شهر سنندج واقع شده است. بنای اولیه این عمارت در دوره صفویه پایه ریزی و در دوره های قاجار و پهلوی تکمیل شده است. طی ساعات روز این عمارت پذیرای میهمانان و گردشگران عزیز استان خواهد بود.

کردستان، سنندج، عمارت خسروآباد

این عمارت که در بلوار خسروآباد (شهبلی) سنندج قرار دارد، در نوع خود بی نظیر بوده و مرکز حکومت اردلان به ویژه خسروخان اردلان بوده است. مجموعه عمارت و باغ آن افزون بر دو بخش اصلی؛ یعنی قصر سلطنتی با ورودی ستون دار در بخش غربی و ساختمان شرقی با غلام گردش‌ها و ایوان ستون‌دار مشرف بر صحن عمارت و فضای بیرونی بنا دارای فضاهای دیگری چون حمام، اتاق قاپوچیان و خدمتکاران است. تزئینات معماری این بنا شامل گچبری، آجرکاری، اروسی های زیبا و حوض چلیپا شکل داخل عمارت است. بهترین زمان برای حضور در این مکان دیدنی و بازدید از جاذبه‌های آن، ساعت ۹ صبح الی ۴ عصر است.

کردستان، مریوان، روستای نگل، قرآن نگل

در ۶۵ کیلومتری غرب سنندج در مسیر جاده سنندج - مریوان، در داخل مسجد روستای نگل، قرآنی خطی از دوران گذشته وجود دارد که بنا بر اعتقادات مردم یکی از چهار قرآن خطی است که در زمان خلیفه سوم به رشته تحریر در آمده و به چهار اقلیم دنیا فرستاده شده است. خواندن نماز در این مسجد در زمان‌هایی که اذان گفته می‌شود لذت خاصی دارد.

کردستان، سقز، قلعه باستانی زیویه

زمانی که از سنندج به سمت دیواندره می‌روید، قلعه باستانی زیویه را می‌بینید که در ۵۵ کیلومتری جنوب شرقی سقز روی تپه‌ای نسبتاً مرتفع که به محیط اطراف اشرف کامل دارد بنا شده و اکنون تنها بخش‌هایی از آن باقی مانده است. گردشگران می‌توانند شب را در مهمانخانه روستای زیویه به سر ببرند و از محیط آرام آن بهره مند شوند.

کردستان، بیجار، قلعه باستانی قیچقای

بقایای قلعه قیچقای در ۴۵ کیلومتری شهر بیجار قرار دارد. بنای این قلعه به سده‌های ۸ و ۹ قبل از میلاد می‌رسد. اطراف قلعه را دره‌های ژرف در بر گرفته که یک سوی آن مسلط به دره‌ای به نام دره شاهان است. این قلعه ظاهراً تا دوره‌های ساسانی و اسلامی نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته است. به علت نیاز به پیاده‌روی ۲ کیلومتری، بهتر است که گردشگران در طول روز به این مکان سفر و قبل از شب بازدید خود را به پایان برسانند.

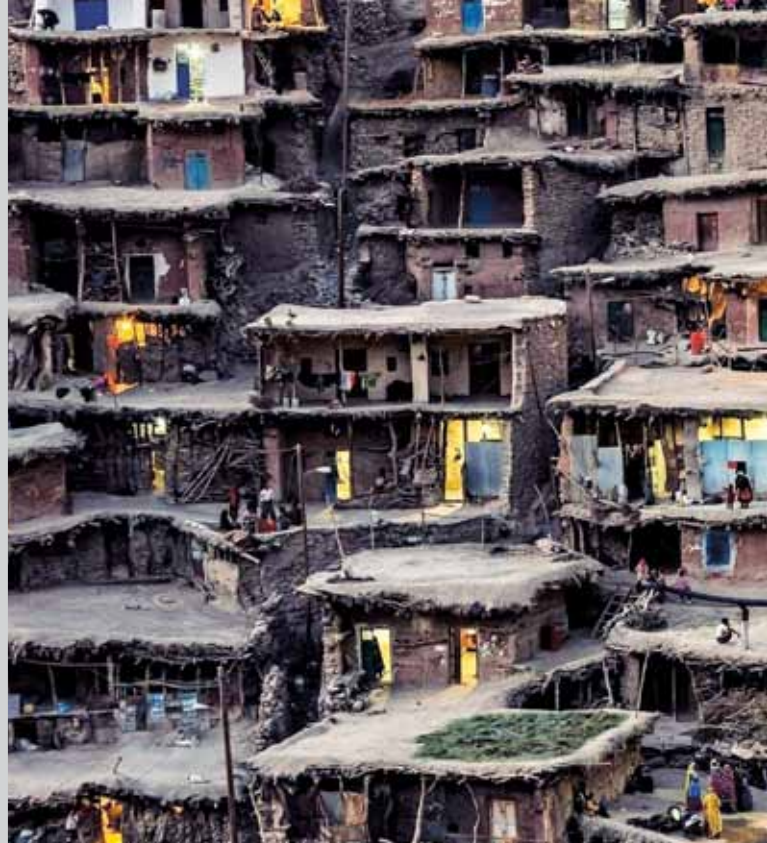
کردستان، منطقه اورامان

یکی از مناطق زیبا و بکر استان کردستان، منطقه اورامان است که در شرق مریوان واقع شده و دارای کوهستان‌های زیبا با پوشش جنگلی است. رودخانه بزرگ سیروان، از این منطقه و دره اورامان عبور می‌کند و به رودخانه دیاله در عراق می‌پیوندد. روستای اورامانات تخت در جنوب شرقی شهر مریوان قرار دارد که به وسیله جاده‌ای به طول ۷۵ کیلومتر به شهر مریوان متصل می‌شود. این روستا را هزار ماسوله نیز می‌نامند؛ زیرا معماری آن همانند ماسوله است. حیاط هر خانه بام خانهای دیگر است، اما با وسعتی بیشتر. معماری اورامانات و سرسبزی این منطقه کوهستانی رویای پله‌هایی به سمت بهشت را متصور می‌کند. مردم منطقه معتقدند اورامانات تخت زمانی شهری بزرگ بوده و مرکزیتی خاص داشته به همین دلیل از آن به عنوان تخت یا مرکز (حکومت) ناحیه‌ای اورامان یاد می‌کرده‌اند.



کردستان، مریوان، دریاچه زریوار

دریاچه زریوار در ۳ کیلومتری شمال باختری شهر مریوان قرار دارد و از زیباترین میراث‌های طبیعی استان کردستان به شمار می‌آید. آب این دریاچه از چشمه‌های جوشان و رودخانه‌های چندی که به آن می‌ریزد، تأمین می‌شود. آب این تالاب شیرین است و از تعدادی چشمه کف‌جوش و بارش تأمین می‌شود. در بیشتر زمستان‌ها سطح دریاچه کاملاً یخ می‌بندد و مکان مناسبی برای ماهی‌گیری و ورزش‌های زمستانی است. افرادی که در طول روز به گشت و گذار در اطراف این



گرفته و خانه‌های آن با سنگ و عموماً به حالت پلکانی ساخته شده و پشت بام منزل پایین حیاط منزل بالاست. این روستا علاوه بر داشتن معماری زیبا، دارای چشمه‌ها، آبشارها و طبیعتی سرشار از زیبایی منحصر به فرد در استان کردستان است و در کنار رودخانه‌ای قرار گرفته که به رودخانه سیروان می‌پیوندد. سفر به پلنگان در فصل تابستان و آبتنی در آب‌های جاری منطقه بر جاذبه‌های این منطقه می‌افزاید.

کردستان، دیواندره، غار باستانی کرفتو

غار کرفتو در فاصله ۶۰ کیلومتری از شمال دیواندره و در نزدیکی روستای یوزش باش کنده قرار دارد و از پرجاذبه ترین مکان‌های توریستی استان به شمار می‌رود. غار کرفتو از غارهای طبیعی و آهکی است که در ادوار مختلف جهت استفاده و سکونت تغییر حالت داده شده و مهم ترین ویژگی غار معماری صخره ای آن است که در چهار طبقه در دل کوه حفر شده است. کتیبه‌های یونانی بر سر در یکی از اتاق‌های طبقه سوم وجود دارد که از این غار به عنوان معبد هراکلس نام برده است. این مکان به علت داشتن پلکان‌های طولانی و طبیعی نیازمند توجه و مراقبت از کودکان و خردسالان را می‌طلبد.

کردستان، کامیاران، کتیبه تنگی‌ور

در ۴۵ کیلومتری شمال غربی کامیاران بین روستای تنگی‌ور و یوزیدر روی صخره‌ای در دره تنگ، کتیبه تنگی‌ور به خط میخی و زبان آشوری حجاری شده است.

کردستان، قروه، چشمه باباگرگر

در روستای باباگرگر، واقع در ۱۸ کیلومتری شمال شرقی شهرستان قروه، چشمه‌ای همیشه جوشان می‌خروشد که به آن دنگز می‌گویند. آب این چشمه در استخری عمیق و مدور به محیط ۲۰۰ متر جمع می‌شود. این چشمه پر آب، دارای آبی است که رنگ آن مایل به سرخ است و در بعضی مواقع به رنگ زرد مایل به لیمویی درمی‌آید. آب این چشمه به علت وجود املاح معدنی به ویژه گوگرد، رنگین است. این آب برای امراض سودایی و پوستی مناسب است و در درمان سوء هاضمه و دیگر بیماری‌های دستگاه گوارش و نیز راشیتیسسم و درمان تورم مؤثر می‌افتد. این چشمه و امامزاده باباگرگر در کنار آن، از مکان‌های طبیعی و تاریخی استان محسوب می‌شوند. روزهای آفتابی به خصوص در اواخر فصل بهار و شروع فصل تابستان برای بازدید این مکان مناسب است.

کردستان، قروه، سراب وینسار

یکی از چشمه‌های قدیمی شهرستان قروه، چشمه سراب است که با آب بسیار گوارا و عالی در داخل روستای وینسار از دل زمین بیرون می‌آید. در حقیقت روستای وینسار پیرامون این چشمه شکل گرفته است. این چشمه سال‌های سال است که تامین کننده آب روستا، هم برای شرب و هم کشاورزی است.

کردستان، مریوان، آبشار کویله

یکی از مکان‌های دیدنی استان کردستان، آبشار کویله است که در شهرستان مریوان و در مسیر جاده مریوان - سنقر واقع است. این آبشار زیبا در فصل بهار به خصوص اردیبهشت و خردادماه از مکان‌های دیدنی و زیبای منطقه محسوب می‌شود.

کردستان، کامیاران، چشمه کواز

چشمه کواز در ۵۰ کیلومتری شمال غربی کامیاران و در ۱۰ کیلومتری شمال غربی روستای پلنگان در دامنه کوه واقع شده است. آب این چشمه طعم گوگردی دارد و در محل جوشش آن از زمین، رنگ آب شیری است و خود نشان دهنده وجود مواد آهنی و گوگردی در آب است. آب این چشمه در استخر کوچکی جمع می‌شود و از آن برای نوشیدن و نیز درمان بیماری‌های مجاری تنفسی، روماتیسمی و بیماری‌های جلدی استفاده می‌شود.



دریاچه می‌پردازند، تلفیق زیبایی نور خورشید و آب دریاچه را نظاره‌گر خواهند بود. درباره این دریاچه افسانه‌های متعددی وجود دارد که مشهورترین آنها وجود شهری مدفون در زیر آب‌های دریاچه است.

کردستان، کامیاران، روستای پلنگان

پلنگان یکی از روستاهای توابع شهرستان کامیاران است و در ۴۷ کیلومتری شمال غرب این شهر قرار دارد. این روستای رویایی در دامنه کوه و در دو طرف دره قرار

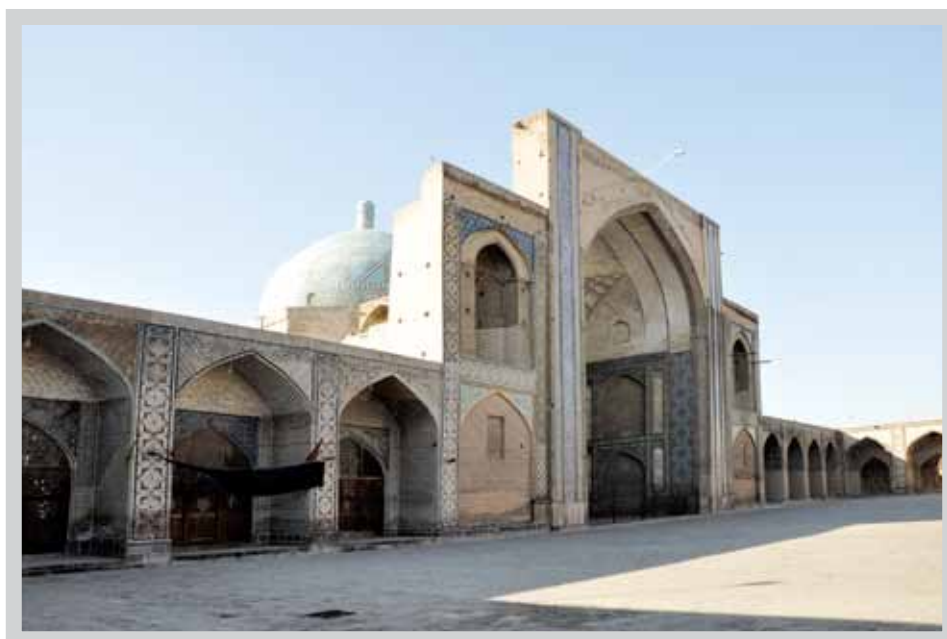
راهنمای سفر به قزوین

شهر خوشنویسی، چهلستون و عالی قاپو

معرفی ۳۸ جاذبه گردشگری استان قزوین

و کشاورزی در هزاره هفتم قبل از میلاد است. استانی که پایتخت خوشنویسی ایران، شهر آب انبارها، سرزمین دژها (قلعه‌ها) را در خود جای داده است. قزوین جایی است که بسیاری از گردشگران با بازدید از آثار تاریخی و طبیعی، آن را با اظهار شگفتی ترک می‌کنند.

دوست دارید از استانی بازدید کنید که ناشناخته‌های زیادی دارد و بیش از ۱۲ درصد کل آثار تاریخی ثبت ملی شده ایران را در خود جای داده؟! مکانی که کاوش‌های باستان‌شناسی در آن نشانگر مرحله یک‌جانشینی



عکس مهدی تمشیزی

و معتمدان شهر برای احداث بنای شاهی خریداری کرد. عمارت کلاه فرنگی به همراه «سردر عالی قاپو» تنها بناهای باقی مانده از باغ‌های دوره صفویه در قزوین هستند. شاه طهماسب به معماران برگزیده کشور دستور داد تا باغی به شکل مربع در آن بسازند و در میان آن عمارت‌های عالی، تالار، ایوان‌ها و حوض‌های زیبا بنا کنند. شاه طهماسب صفوی بنای آن را از روی نقشه یک معمار ترک با شیوه شطرنجی خیلی کوچک ساخته با پنجره‌های چوبی بسیار ظریف و زیبا. عمارت چهلستون ساختمانی هشت گوش و در دو طبقه به مساحت تقریبی ۵۰۰ مترمربع است. رواقی با ستون‌های آجری و قوس‌های نیم دایره‌ای بنا را در بر گرفته و بر بالای آن ایوانی با ستون‌های چوبی استوار شده است. نقشه بنا دارای طرحی با محورهای صلیبی و برون‌گرا و سقف طبقه همکف پوشیده از مقرنس با طرح‌های بدیع و سقف طبقه فوقانی خنچه پوش است. نقاشی‌های دیواری طبقه اول نمونه‌ای از هنر نگارگری مکتب قزوین و دارای شهرت جهانی است. این دیوارهای مزین به نقاشی و دیوارنگاره‌ها در نوع خود منحصر به فرد بوده و وجود سه لایه دیوارنگاره حاکی از گذشت ادوار مختلف تاریخی بر آن است. این کاخ هم اکنون به موزه خوشنویسی قزوین تبدیل شده است.

مسیر دسترسی از اصفهان و تهران تا قزوین

پیشنهاد ما این است که اگر از اصفهان به قزوین می‌آیید، بعد از ظهر راه بیفتید و از مسیر کاشان، قم، تهران بعد از طی ۴۷۲ کیلومتر به قزوین برسید. از تهران تا قزوین ۱۳۵ کیلومتر فاصله است. پس از رسیدن به قزوین و اقامت شبانه‌گاهی، از صبح روز بعد می‌توانید بازدید از آثار دیدنی شهر قزوین را آغاز کنید.

چهلستون سبزه میدان

نخستین بنایی که به بازدید از آن در مرکز شهر (سبزه میدان) می‌رویم، «عمارت چهلستون» معروف به «کلاه فرنگی» است که نظیر آن در اصفهان به صورت کامل تری وجود دارد. در شهر قزوین این بنا تنها کوشک باقی مانده از مجموعه کاخ‌های سلطنتی روزگار شاه طهماسب است و در دوره صفویه و زمانی که قزوین پایتخت شد، به کلاه فرنگی مشهور بود. عمارت چهلستون در بهمن ماه سال ۱۳۳۴ به شماره ۳۸۹ به ثبت شد. شاه طهماسب صفوی در سال ۹۵۱ هجری قمری به دلیل تهدیدات ترکان عثمانی تصمیم به انتقال پایتخت از تبریز به قزوین گرفت و در همین سال بود که اراضی موسوم به زنگی‌آباد را از میرزا شرف جهان، یکی از بزرگان



مردم شناسی در حمام قجری

حسن بناهای تاریخی شهر قزوین این است که اکثرشان به هم نزدیک هستند و به صورت پیاده هم می‌توان از آنها بازدید کرد. بعد از بازدید از عمارت چهلستون به سمت خیابان نادری و از آنجا به سوی خیابان عبید زاکانی که موزه مردم شناسی حمام قجر در آن قرار دارد، می‌رویم. حمام تاریخی قجر یکی از کهن‌ترین و زیباترین گرمابه‌های قزوین است که به مساحت حدود ۱۰۴۵ متر مربع به وسیله امیرگونه خان قاجار قزوینی، از سرداران شاه عباس دوم در دوره صفوی ساخته شده و نخست «حمام شاهی» نام داشته است. تاریخ بنای آن را «صحت عاقبت» یا به عبارتی معادل «۱۰۵۷ قمری» می‌دانند. سسند آن هم شعری است که بر سر در حمام نوشته‌اند: «ساخت از لطف شاه حمامی... به لطافت قبول هر مقبل / چون یکی از درون برون آید... صحت عاقبت بود» در دوره قاجار بعد از ۲۰۰ سال این حمام توسط خاندان سردار امیرگونه خان قاجار مرمت شده است. این اثر در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۸۴ با شماره ۱۲۶۰۱ به ثبت رسیده. مدتی این مکان محلی برای فیلمبرداری صدا و سیما در نظر گرفته شده بود. حمام قجر از اسفند ۱۳۸۶ بعد از مرمت به موزه مردم شناسی تغییر کاربری پیدا کرد و به سه بخش اقوام، آداب و رسوم و مشاغل تقسیم شده است.

کاروانسرای سعدالسلطنه

پس از لختی بازدید در حمام قجر به انتهای خیابان عبیدزاکانی می‌رویم جایی که به خیابان امام خمینی (ره) منتهی می‌شود و کاروانسرای درون شهری سعدالسلطنه را به عنوان قلب مسیر گردشگری قزوین در خود جای داده است. توصیه می‌کنم حتماً این کاروانسرا را ببینید. «سرای سعدالسلطنه» قزوین بزرگ‌ترین کاروانسرای سرپوشیده و مرکز تجاری داخلی شهری کشور است که با وسعتی افزون بر ۲/۶ هکتار ساخته شده. سرای سعدالسلطنه مجموعه‌ای از کالبدهای گوناگون نظیر: راسته، چهارسوق، کاروانسرای شترخوان، بارانداز، مسجد، گرمابه و ... بوده است. این مجموعه دارای شش حیاط است؛ راسته و زیر به حیاط های بهشتیان، نگار السلطنه، شترخوان و حمام رضوی ورودی مستقیم دارد. این بنا نمایشگاهی از طاق‌ها، قوس‌ها و

ستون‌های آجری قاجاریه است که اوج شکوه معماری کاروانسراهای درون شهری را به نمایش می‌گذارد. این اثر در ۱۱ مرداد ۱۳۵۷ به شماره ۲۰۸۹ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

ناهار؛ قیمةنثار یا شیرین پلو

دو غذای سنتی قزوین بیشتر از بقیه شناخته شده‌اند؛ شیرین پلو و قیمة نثار. شیرین پلو را نادر میرزای قاجار (شاهزاده قاجاری) هم در کتابش آورده و مایل افشار در کتابی که برای ناصرالدین شاه نوشته، شیرین پلو را به عنوان اشرف غذاها معرفی کرده است. این غذا از برنج، مرغ، کره، خلال پسته و بادام، پوست پرتقال و شکر، پیاز و زعفران تشکیل شده و برای آنها که به غذاهای شکرین علاقه‌مندند، بهترین انتخاب است. بعد از صرف ناهار و میل کردن غذای سنتی قزوین (قیمة نثار) در یکی از رستوران‌های خوب مثل نمونه، اقبالی (که اکثراً شلوغ هستند) یا خانسالار (در خیابان دانشگاه روبه روی دانشکده فنی قزوین) که به تازگی راه اندازی شده است و استراحتی کوتاه، به بازدید از دیگر نقاط تاریخی، مذهبی شهر می‌رویم.

زیارت ادیان در پیغمبریه

قزوین شهری است که می‌توان در آن، یکجا چهار تن از پیامبران را زیارت کرد! پس این فرصت را از دست نداده و به خیابان پیغمبریه می‌رویم. بقعه «چهار انبیاء» یا «پیغمبریه» شهر قزوین که مدفن چهار تن از پیامبران بنی اسرائیل به نام‌های سلام، سلوم، سهولی و القیاسست، یکی از معدود آثار تاریخی و مذهبی پیش از ظهور اسلام و حتی پیش از ظهور مسیحیت است که زیارت آن نزد سه آیین الهی، ابراهیمی دارای ارزش دینی بسیار زیادی است. گفته می‌شود، آنان پیامبرانی هستند که مژده میلاد مسیح را از اورشلیم به سوی شرق آورده‌اند. از اسناد موقوفات صفویه برمی‌آید که این مکان در پایان قرن یازدهم هجری زیارتگاهی مورد احترام بوده و باغ‌هایی را بر آن وقف کرده‌اند. بنای فعلی پیغمبریه از آثار میرزا مسعود شیخ الاسلام است. علاوه بر چهار پیامبر نام برده، مقبره امامزاده صالح بن حسن مجتبی (ع) را نیز در همین مکان می‌دانند.

ویژگی‌های دیدنی این بنا به شمار می‌روند. آب انبار سردار بزرگ در ۸ شهرپور و ۱۳۵۵ به شماره ۱۳۳۷ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

حسینیه‌های تاریخی قزوین

آخرین بازدید تاریخی خود را به نمونه کامل‌ترین و زیباترین خانه‌های سبک قزوین یعنی «حسینیه امینی‌ها» اختصاص می‌دهیم؛ جایی که ما پیشنهاد می‌کنیم حتماً در برنامه بازدید خود بگنجانید. آنچه که امروز از این خانه برجای مانده، دارای چهار حیاط و فضاهای مختلف در دو طبقه همکف و زیرزمین است. این خانه در سال ۱۲۷۵ هجری قمری توسط «حاج محمدرضا امینی» از تجار معتبر و مومن شهر قزوین بنا شد که بخشی از آن وقف حسینیه شده است. زیباترین قسمت این خانه متشکل از سه تالار به موازات هم و به صورت شرقی غربی ساخته شده و توسط ارسی‌های زیبایی به یکدیگر مرتبط می‌شوند. سریال‌ها و فیلم‌های زیادی نظیر سمندون، کش‌های میرزا نوروز و... در همین خانه تاریخی فیلمبرداری شده‌اند. «حسینیه تقوی‌ها»، «حسینیه مجابی‌ها» و «حسینیه حاج سید ابوتراب ابوترابی» در محله حلاجان، «حسینیه حاج سیدجمال» در خیابان سپه، «حسینیه حاج سیدحسین»، «حسینیه خیابانی»، «حسینیه دیوانخانه»، «حسینیه سیاهپوش‌ها» و «حسینیه شهیدی‌ها» از جمله دیگر بناهای تاریخی شهر قزوین هستند.

از کلیسای کانتور تا الموت

بازدید از سایر بناهای تاریخی - مذهبی شهر قزوین نظیر «امامزاده حسین» (فرزند سه ساله امام رضا (ع)) «آرامگاه حمداله مستوفی»، «آرامگاه احمد غزالی»، «مسجد جامع» و «آب انبار» آن، «کلیسای کانتور» (یکی از کوچک‌ترین کلیساهای ایران)، «دروازه تهران قدیم» و «درب کوشک» (دو دروازه از چهاردروازه دوره قاجار که در ایران باقی مانده)، «موزه شهر» و بسیاری بناهای تاریخی قزوین را به روزهای بعد موکول می‌کنیم و اگر فرصت داشتید در ایام نوروز با اقامت چند روزه می‌توانید از این آثار نیز بازدید کنید. همچنین می‌توانید یک روز را به بازدید از منطقه الموت (سرزمین دژها) در شمال استان قزوین اختصاص داده و از «قلعه حسن صباح» به فاصله ۳۰ کیلومتری از معلم کلابه (الموت شرقی)، «دراچه اوان» به فاصله ۷۰ کیلومتری قزوین در مسیر جاده اصلی الموت یا سایر آثار تاریخی منطقه و کوه‌ها و ارتفاعات آن مانند «هودکان»، «شاتان»، «البرز»، «شیرکوه»، «سیالان»، «خشچال» و «تخت سلیمان» هم بازدید کنید. البته این را هم در نظر داشته باشید که جاده منتهی به الموت پرپیچ و خم است و امکان مسافرت با اتوبوس به این منطقه زیبا وجود ندارد؛ هر چند که این مورد هیچ تأثیر مهمی در سیل زیاد بازدیدکنندگان داخلی و خارجی از منطقه نداشته است.

گذر از اولین خیابان ایران

پس از گذر از خیابان پیغمبریه به خیابان سپه می‌رسیم. این خیابان نخستین خیابان طراحی شده ایران است که در زمان پایتختی قزوین احداث شد و در سال ۱۳۸۷ رسماً به عنوان اولین خیابان ایران به ثبت رسید. خیابان سپه به عنوان نخستین فضای شهری که ماهیتی متفاوت از میدان‌ها، میدانچه‌ها و یا گذرهای ارگانیک فاقد طراحی داشته محسوب می‌شود و بیشتر به عنوان مسیری مستقیم مخصوص رفت و آمد طراحی شده است. این محور در دوره صفویه و در دوره پایتختی شهر قزوین از محل سردر عالی قاپو تا موضع تقریبی مقابل مسجد جامع احداث شده است. پس از آن و با انتقال پایتخت به اصفهان، نمونه تکامل یافته‌تر آن با عنوان چهارباغ احداث شد. بنابراین اطلاق عنوان «نخستین خیابان ایران» برای این محور منطقی به نظر می‌رسد.

تقاره و خط رضا عباسی بر سردر عالی قاپو

«سردر عالی قاپو» در ابتدای خیابان سپه قرار دارد. این بنا سردر یکی از هفت در ورودی به ارگ سلطنتی صفویان بوده و درب اصلی جنوبی است؛ تنها دربی از این مجموعه است که از آن مجموعه هنوز پابرجاست. سر در عالی قاپو در دوره سلطنت شاه طهماسب (۹۸۳-۹۳۰ ه. ق) ساخته شده و در زمان سلطنت شاه عباس اول (۱۰۲۸-۹۸۵ ه. ق) به صورت کنونی تغییر شکل یافته است. بنای سردر شامل ایوان رفیع ورودی با قوس تیزه دار و سه ردیف طاق نما در طرفین آن است. گوشواره‌هایی با ستون نماهای آجری در دو طبقه نمای سردر را تکمیل می‌کنند. هشتی متصل به ایوان ورودی به شکل هشت ضلعی است و در طرفین محور ورودی آن اتاق‌های نگهدارنده قرار دارد. در این هشتی پلکان‌هایی دیده می‌شود که به طبقه بالا، جایگاه نقارم‌زنان راه می‌یابند. کتیبه و شباک کاشی تنها تزئینات باقی مانده در ایوان ورودی است. این کتیبه به خط ثلث و به قلم علیرضا عباسی، نقاش و خطاط معروف صفویه نوشته شده است. این بنا با شماره ثبت ۲۱۳ در تاریخ ۳۱ تیرماه ۱۳۱۳ به ثبت آثار ملی ایران رسیده است. سردر عالی قاپو قبل از انقلاب، جایگاه شهربانی و سپس در اختیار نیروی انتظامی بود و اکنون در اختیار میراث فرهنگی قرار گرفته و به منظور احیای دولتخانه صفوی در حال مرمت است.

بزرگ‌ترین آب انبار تک‌گنبدی ایران

بازدید از بزرگ‌ترین آب انبار تک‌گنبدی ایران، برنامه بعدی ما خواهد بود که در امتداد خیابان سپه و در خیابان راه آهن قرار دارد. این بنا در کم‌اب‌ترین محله شهر به سال ۱۲۲۷ ه. ق توسط برادران سردار قزوینی ساخته شده و حدود ۳۰۰۰ متر مکعب گنجایش دارد که با ۵۰ پله به راه شیر می‌رسد. گنبد آجری به دهانه داخلی ۱۷ متر، ظرفیت نمادین مخزن، بخارکش مرکزی بر فراز گنبد، کاشی کاری معقلی و رسمی‌بندی سردر ورودی و راه شیر از





مسجد و مدرسه محل تحصیل سید جمال الدین اسدآبادی

مسجد و مدرسه صالحیه قزوین یکی از بزرگ‌ترین مدارس علوم اسلامی شیعه در شهر قزوین و در خیابان مولوی و محله دیمچ است. این مدرسه که دانش آموختگانی همچون سید جمال الدین اسدآبادی، میرزای شیرازی و سید اشرف الدین حسینی داشته را اگر ارزشمندترین مدرسه علوم دینی ایران در دوره قاجار و حتی دوران بعد از آن نامیم، بی شک در زمره ارزشمندترین نمونه‌های این گونه مدارس در ایران می‌توانیم محسوب کنیم. مسجد و مدرسه صالحیه به شماره ۱۳۳۳ در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۵۵ به ثبت ملی رسیده است. مسجد و مدرسه صالحیه با وسعتی در حدود ۴۶۷۰ متر مربع بزرگ‌ترین مدرسه علوم اسلامی قزوین است که با توجه به کتیبه‌ای که بر سر در آن بوده، در سال ۱۲۴۸ هجری قمری ساخته شده و بانی آن حاج ملا محمد صالح برغانی است. حاج ملا محمد صالح برغانی از روحانیون سرشناس قزوین بود که در سال ۱۱۷۱ هجری قمری در روستای برغان در استان البرز به دنیا آمد و در سال ۱۲۷۱ در سن ۹۷ سالگی در کرپلا چشم از جهان فرو بست. بنای مسجد در سمت شمال مدرسه قرار دارد و ورودی آن به خیابان مولوی باز می‌شود. ساختمان دارای سه طبقه است. طبقه پایینی به صورت گودال باغچه ساخته شده. در مرکز، حیاط بزرگی با ابعاد ۳۵ متر در ۴۳ متر قرار دارد و دور تا دور آن را ساختمان مجموعه فرا گرفته است. در طبقات میانی و فوقانی تعداد ۵۵ حجره و چند کلاس در اطراف حیاط وجود دارد که با ایوانچه‌هایی به حیاط مرتبط می‌شود. در مدرسه دو حیاط فرعی هم وجود دارد. بزرگ‌ترین درب مدرسه در قسمت شرقی قرار دارد که در کناره غربی خیابان مولوی جای گرفته و در بالای سردر آن کتیبه‌ای کاشی‌کاری شده به خط نستعلیق قرار دارد که در آن اشعاری با رنگ لیمویی، در زمینه لاجوردی نوشته شده است. مناسفانه کاشی‌های چند بیت از این اشعار فرو ریخته است. بنای مسجد در قسمت شمالی و در طبقه بالای مدرسه قرار دارد و فاقد محراب است. مسجد دارای سه ورودی به شمال، غرب و جنوب است که در سمت جنوب ورودی آن به یک هشتی بزرگ باز می‌شود که با مدرسه مشترک است و از شرق مجموعه به خیابان مولوی می‌رسد. در سمت جنوب مسجد ارسی‌هایی قرار دارد که به سمت حیاط مدرسه باز می‌شود. ساختمان مسجد آجری است و طاق آن هم با آجر ساخته شده و روی آنها سفیدکاری شده است. وسعت زیاد مسجد و ستون‌های بزرگ آن نشان دهنده رونق زیاد آن در ایام قدیم است.

برای گردشگرانی که انتظار بیشتری دارند

اما اگر شما از جمله آن دسته از گردشگران هستید که می‌خواهید پا را فراتر از دیدنی‌های معمول بگذارید و از جاذبه‌های توریستی کمترشناخته‌شده استان دیدن کنید، اجازه بدیدید این دو اثر را به تان معرفی کنیم؛ برج‌های خرقان و مدرسه صالحیه.

از گنبد سرخ مراغه تا برج‌های خرقان

برج‌های دوگانه خرقان، دو برج آجری متعلق دوره سلجوقی هستند که با فاصله ۲۹ متری از یکدیگر و در فاصله یک کیلومتری روستای حصار از توابع دهستان خرقان غربی در شهرستان آوج استان قزوین قرار دارند. این مقبره‌ها در سده‌های بعدی به صورت آرامگاه درآمدند و مورد احترام مردم قرار گرفته‌اند. مثبت‌کاری‌های زیبای ضریح این آرامگاه‌ها را با دقت بیشتری ببینید. این دو برج در محوطه وسیعی در فاصله کمی از هم قرار گرفته‌اند و از بسیاری جهات با هم شباهت دارند. اما برج شرقی قدیمی‌تر از برج غربی است. این برج در سال ۴۶۰ ه.ق ساخته شده و نخستین بنا با گنبد دویوخته غیر مخروطی در معماری اسلامی است که در قرن پنجم ه.ق ساخته شده است. بنای برج غربی که در سال ۴۸۶ ه.ق به پایان رسیده، از نظر طرح و نقشه همانند برج قدیمی‌تر است، با این تفاوت که پلکان مارپیچ دارد و ضمن رعایت ابعاد برج قبلی ۵۵ سانتیمتر ارتفاع بیشتری دارد و کشیده‌تر به نظر می‌رسد. داخل بقعه نیز به صورت هشت ضلعی است که در وسط هر ضلع آن طاق‌نمایی با قوس تیزه‌دار برپا گشته و دور تا دور کف بقعه بقایای سکویی به ارتفاع ۳۰ سانتی متر دیده می‌شود. بر روی دیوارها و قسمت کاربندی و زیر گنبد داخلی آثار ارزنده‌ای از دیوارنگاره‌های دوره سلجوقی مانند: طلوس، ستاره‌های شش‌پر و هشت‌پر، گل و پوته، پرنده و درخت انار به شیوه استلیزه وجود دارد که در نوع خود کم‌سابقه و حائز اهمیت بسیار هستند. درباره نحوه آجرکاری باید گفت که در این بنا، شیوه‌ای تازه به کار گرفته شده که در ساخت بناهای دیگری چون گنبد سرخ مراغه هم دیده می‌شود و به اوج کمال رسیده است. این دو برج با بیش از ۵۰ طرح آجری جزو شاهکارهای آجرکاری معماری ایران به شمار می‌روند و در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۵۶ به شماره ۱۳۹۵ در فرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌اند.

گردشگران عزیز در طول سال و ایام نوروز می‌توانند جهت بازدید از استان قزوین با انجمن راهنمایان تور استان قزوین در تماس باشند تا راهنمایی لازم ارائه یا راهنما در اختیارشان گذاشته شود. سایت: qaztga.ir انجمن صنفی راهنمایان گردشگری استان قزوین



متن و عکس علیرضا اسلام پناه |

شاهرود، میزبان مسافران نوروزی و زوار آقا امام رضا (ع)

نوروز در قاره کوچک!

معرفی ۲۳ جاذبه گردشگری در شاهرود، بسطام و مجن

که صرف می‌کنیم، به دست بیاوریم. با ذکر این مقدمه قصد داریم برای کسانی که قصد گردشگری مذهبی و زیارت بارگاه امام هشتم (ع) را دارند، شهر و مسیری را معرفی کنیم تا گردشگران محترم علاوه بر رفع خستگی مسیر بتوانند از جاذبه‌های این منطقه هم بهره‌مند شوند؛ شاهرود شهری است که از آن با عنوان «قاره کوچک» یاد می‌کنند.

شاید برای شما هم پیش آمده باشد که پس از سفر به شهر یا منطقه‌ای، حسرت ندیدن برخی از جاذبه‌های گردشگری آن مکان یا جاذبه‌هایی که در مسیر وجود داشته‌اند، به دلتان مانده باشد و با خودتان گفته باشید ای کاش با صرف این همه هزینه و وقت، فلان مکان را هم دیده بودم. به هر حال همه ما دوست داریم بیشترین بهره را از هزینه و وقتی

هم جنگل، هم رمل‌های ماسه‌ای در یک منطقه

شهرستان شاهرود با اقلیم‌های متفاوت جغرافیایی، بزرگ‌ترین پناهگاه‌های حیات وحش و مناطق حفاظت شده را در خود جای داده و با احتساب مناطق شکار ممنوع موجود به سرزمین پنج اقلیم نیز مشهور است. این تنوع اقلیمی به قدری آشکار است که کوتاه‌ترین فاصله کویر تا جنگل

در این شهرستان قرار دارد. با طی مسافت کوتاهی در حدود ۴۵ کیلومتر از شاهرود به سمت شمال به جنگل‌های هیرکانی «بر» می‌رسید که زیباترین چشم‌اندازها (کهن‌ترین جنگل جهان) می‌رسیم و با طی ۸۰ کیلومتر به سمت جنوب به رمل‌های ماسه‌ای کویر «چاه جام» و در نهایت به «طرود» و نخلستان‌های آن می‌رسیم که مردم آن منطقه به شترداری اشتغال دارند.

همنشینی تاریخ و طبیعت

اماکن تاریخی ارزشمند شاهرود عبارتند از: «مجموعه تاریخی بسطام»، «بازار»، «خانه یغمایی‌ها»، «مسجد جامع» و «مسجد شیخ علی اکبر» شاهرود. از بعد جاذبه‌های معنوی و فرهنگی می‌توان به وجود مقابر عرفای بزرگی چون «سلطان العارفین بایزید بسطامی»، «شیخ ابوالحسن خرقانی» شاعران بزرگی چون فروغی بسطامی در این خطه اشاره کرد. وجود ۵ «موزه باستان‌شناسی» و «مردم‌شناسی شاهرود»، «موزه عرفان شرق بسطام»، «موزه آب»، «موزه تاریخ طبیعی شاهرود» و «موزه مزج» نشان از غنای فرهنگی، طبیعی و تاریخی این شهرستان دارد. مهم‌ترین بخش جاذبه‌های گردشگری شهرستان شاهرود جاذبه‌های طبیعی و منحصر به فرد آن است که مهم‌ترین آن جنگل ابر از زیباترین چشم‌اندازهای طبیعی کشور و کهن‌ترین گونه‌های گیاهی جهان محسوب می‌شود که در تعطیلات نوروز به دلیل شرایط جوی کمتر پیشنهاد می‌شود، اما در ماه‌های اردیبهشت تا آبان هر فصل آن زیبایی و جذابیت خاص خود را دارد. مناطق حفاظت شده «خوار توران»، «خوش بیلاق» و منطقه شکار ممنوع «تپال» با حیات وحش نادر همچون یوزپلنگ و گورخر آسیایی و زاغ بور (پرنده آندمیک ایران) از جاذبه‌های گردشگری شهرستان شاهرود به شمار می‌روند. در این شهرستان ۸ منطقه نمونه گردشگری شامل: «جنگل ابر»، «جنگل اولنگ»، «جنگل قَتری»، «منطقه حفاظت شده خوار توران»، «منطقه حفاظت شده خوش بیلاق»، بافت تاریخی و «آبشار تنگه داستان مجن»، منطقه «رضا آباد»، منطقه «فر حزاد» و «چشمه هفت رنگ» و نیز بسطام که شهر نمونه گردشگری است، وجود دارد.

بازدید ابنیه تاریخی شاهرود در نوروز

«بازار شاهرود» یکی از بازارهای تاریخی و بزرگ استان است که در مرکز شهر شاهرود (میدان جمهوری) قرار دارد. قدمت این بازار به دوره قاجاریه باز می‌گردد، بازار شاهرود علاوه بر راسته اصلی دارای سه سوق و چهار سوق و چندین کاروانسرا، آب انبار، حمام و مدرسه است و از نظر اقتصادی از جایگاه ویژه‌ای در شاهرود برخوردار است. «موزه باستان‌شناسی و مردم‌شناسی» شاهرود، به عنوان گنجینه‌ای از آثار تاریخی و فرهنگی شهرستان در خیابان فردوسی جنب شهرداری شاهرود قرار دارد. ساختمان موزه در سال‌های ۱۳۰۶-۱۳۰۷ ه. ش به عنوان بلدیة ساخته شد. این بنا به شماره ۱۸۸۸ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. زیربنای ساختمان فوق حدود ۴۶۸ مترمربع در ۲ طبقه به سبک معماری اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی بنا شده است. بخش باستان‌شناسی موزه در طبقه همکف و شامل ۴ اتاق و راهرو است که آثاری از دوره‌های پیش از تاریخ، قبل از میلاد مسیح و اسلامی در آن وجود دارد. در این بخش، آثاری از تپه‌های تاریخی شهرستان از جمله تپه سنگ چخماق بسطام و تپه بلوار شاهرود به نمایش درآمده است. بخش مردم‌شناسی این موزه شامل ابزار کارهای سنتی در زمینه تولیدی، دامداری، کشاورزی، پوشاک، پخت نان، زیورها، دست‌بافته‌ها و نیز اسناد و قبالة‌ها، وسایل تزئینی و طب سنتی و تصاویری از فعالیت‌ها و شئون گوناگون مردم‌شناسی است که بیانگر ژرفا و زوایای زندگی مردم این منطقه است.



زاغ بور، پرنده آندمیک ایران

موزه‌گردی در شاهرود

«موزه تاریخ طبیعی» شاهرود در بهمن ماه سال ۱۳۸۹ در بنایی به مساحت ۲۰۰ متر مربع تاسیس و راه‌اندازی شد. این موزه در ابتدای بزرگراه شاهرود- بسطام در کنار اداره حفاظت محیط زیست شهرستان شاهرود قرار دارد. در این موزه ۴۲ گونه از جانوران اعم از پستانداران، خزندگان و پرندگان به صورت تاکسیدرمی نگهداری می‌شوند که به غیر از تعدادی از پرندگان که منشأ دریایی دارند، سایر گونه‌های موجود، بومی این شهرستان هستند. از آن جمله می‌توان به قوچ و میش، کل و بز، آهو، گربه سانان برگرفته از مناطق حفاظت شده خوار توران، خوش بیلاق و منطقه

شکار ممنوع تپال اشاره کرد. هدف اساسی از تأسیس موزه تاریخ طبیعی شاهرود بالا بردن سطح دانش و اطلاعات عمومی مردم درباره عالم حیات و عظمت جهان آفرینش و قدرت خالق یکتا، حفظ میراث ارزنده طبیعی منطقه و کمک به افزایش جاذبه‌های توریستی شهرستان بوده و محلی مناسب برای بازدید علاقه‌مندان به محیط طبیعی به ویژه گردشگران است. این موزه همه روزه از ساعت ۹ صبح الی ۱۳ و در تعطیلات نوروز پذیرای مسافران و گردشگران عزیز است. «موزه آب» شاهرود به عنوان نخستین موزه خصوصی کشور در زمینه فناوری صنعت آب و سازه‌های آبی در سال ۱۳۹۰ افتتاح شد. این موزه در فضایی به وسعت ۴۷۰ متر



خانه تاریخی

«خانه یغمایی‌های» شاهرود به جای مانده از خانه‌های زیبای شاهرود قدیم است. در خیابان تهران، خیابان ۸ شهریور (بهرام) واقع شده و در اوایل دوره پهلوی به سال ۱۳۰۵ ه. ش ساخته شده است. این بنا به لحاظ مشخصه‌های معماری سنتی در سطح شهرستان بی نظیر است. فرم پلان بصورت حیاط مرکزی بوده ورودی خانه در قسمت جنوبی با یک راهرو (دالان) به حیاط مرتبط است. بالاخانه که روی دالان قرار دارد و دسترسی به آن بایک پله مارپیچ از دالان امکان پذیر است. در قسمت ضلع غربی حیاط، بادگیر و حوضخانه و اتاق‌های مهمان، ایوان و آب انبار قرار دارد. در ضلع شمالی، اتاق‌های زمستانه قرار دارد. از جمله ویژگی‌های این خانه وجود تنها بادگیر شهرستان در این خانه و نورگیر حوض خانه، تقارن‌هایی که در پلان و نما و همچنین تزئینات آجری ازاره‌های پیرامون حیاط است.

آرامگاه‌های دیدنی

«مقبره بایزید بسطامی» این عارف شهیر در شهر بسطام (کیلومتر ۶ شمال شاهرود) و شمال مقبره امام زاده محمد(ع) قرار دارد. مقبره این عارف فاقد هرگونه تزئین است و به نظر می‌رسد هیچ‌گاه ساختمانی مشابه مقبره دیگر بزرگان روی آن بنا نشده باشد و در حقیقت بی‌اعتنایی به مادیات و گریز از تجمل در این آرامگاه به وضوح به چشم می‌آید. وارستگی و بی‌نیازی بایزید بسطامی حتی بعد از مرگ وی و گذشت یازده قرن، در مرقدهش مشهود است. مقبره بایزید بسطامی دارای یک پنجره مسقف آهنی است. روی قبر یک سنگ مرمر قرار دارد که کلماتی از مناجات مشهور امام علی (ع) بر آن حک شده است. «آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی» در ۲۴ کیلومتری شمال شاهرود (محور آزادشهر) در شمال روستای قلعه نو خرقان قرار دارد. فضای سبزه اطراف آن به آرامگاه قداست خاصی بخشیده است. روی قبر شیخ یک قطعه سنگ مرمری قرار دارد که اشعاری بر آن حک شده است. در جوار این مقبره مسجدی بوده که گنبدی مخروطی شکل و مزین به کاشی‌کاری‌های زیبا داشته است؛ اما در حال حاضر از مسجد و گنبد یاد شده، فقط محراب آن باقی مانده است که برخلاف مسجد‌های دیگر رو به مغرب است. محراب مذکور دارای گچبری‌های زیبا و استادانه است.

مربع در محل تکیه تاریخی برنجی واقع در خیابان مصلی شاهرود، بالغ بر ۳۰۰ شیء مرتبط با صنعت آب را به نمایش گذاشته است. موزه آب شامل ۳ تالار کوچک متصل به هم بوده که تالار اول در مورد فرهنگ و تمدن کهن آب ایران، توجه بازدیدکنندگان را به خود جلب می‌نماید. «موزه عرفان شرق» در سال ۱۳۸۹ از سوی اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان شاهرود در مجموعه تاریخی بسطام افتتاح شد. بنای این موزه معروف به گنبد غازان خان مربوط به سال‌های ۶۷۰ تا ۷۰۳ ه. ق است. طبق نوشته‌های کتب مختلف، غازان خان گنبدی بر آرامگاه امام زاده محمد (ع) و گنبدی نیز برای آرامگاه بایزید بنا کرد و در نظر داشت که جسد بایزید را بدانجا منتقل کند. پلان گنبد غازان خان مربع شکل و به ضلع ۷/۵ متر است که در نمای شمالی و شرقی آن طاق نماهایی تعبیه شده که با ایجاد سایه روشن، بنا را از حالت یکنواختی و کسل‌کننده درآورده است. بر فراز بنا گنبد زیبا و جالب مخروطی شکل قرار گرفته که دارای پوششی از کاشی‌های فیروزه‌ای بوده و اخیراً توسط اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مرمت شده است. ایوان بنا در جنوب بقعه قرار داشته و دارای مقرنس‌های گچی ظریف است. در این موزه کتاب‌های نفیس قدیمی، قرآن‌های خطی، ابزار روشنائی (شمعدان) و اشیای هدیه به آستان مقدس امامزاده محمد (ع) بسطام به نمایش در آمده است. اشیای دیگری مانند ظروف چینی دوره صفویه، درب‌های منبت‌کاری شده و غیره در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته است.

مسجد ۱۷۰ ساله

«مسجد شیخ علی اکبر» شاهرود متعلق به دوره قاجاریه است و به همت مرحوم شیخ علی اکبر مجتهد از روحانیون مجتهد و عالی‌رتبه شهر بنا نهاده شد. این بنا با قدمت ۱۷۰ سال از زیباترین و کامل‌ترین مساجد شهرستان شاهرود است. مساحت این بنا حدود ۷۵۰ متر مربع و زیر بنای آن ۵۰۰ متر مربع است و شامل فضاهای گنبدخانه، شبستان، طلبه‌خانه و آب انبار است. مسجد دارای ۲ ورودی است که یکی به خیابان شهید صدوقی (مزار) و دیگری به کوچه مسجد شیخ علی اکبر مرتبط است. این بنا در سال ۱۳۷۶ به شماره ۱۹۱۸ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.



جنگل ابر

از شاهرود تا «بسطام»

«مسجد جامع» بسطام در جنوب بسطام و در حد فاصل ۲۰۰ متری جنوب آرامگاه بایزید بسطامی قرار گرفته است. این مسجد به ۲ قسمت تقسیم می‌شود. قسمت اول عبارت است از صحن مسجد که داری محرابی است که با گچبری‌های بسیار زیبا و هنرمندانه تزئین شده است. صحن مسجد مربع و فضای آن باز است. قسمت دوم از لحاظ شیوه و صنعتی که در ساختن آن به کار رفته با قسمت اول فرق دارد. تفاوت فاحش گچبری مستطیل دوم با تمام گچبری‌های این محراب کاملا محسوس است. در قسمت جنوب شرقی مسجد جامع شهر بسطام برجی بلند وجود دارد که به نام کاشانه معروف است. ارتفاع این برج از داخل ۲۴ متر و از بیرون ۲۰ متر است. شکل خارجی آن کثیرالاضلاع و منتظم سی ضلعی است. در بالای برج دو حاشیه از آجرهای بزرگ وجود دارد که روی آن مطالبی نوشته شده است. در ضلع جنوب غربی این برج روی یک آجر کلمه «بسم الله الرحمن الرحیم» با خط ثلث بسیار زیبایی خوانده می‌شود. تاریخ ساخت آن به درستی مشخص نیست و به عقیده اهالی محلی این برج قبل از اسلام آتشکده زرتشتیان بوده است. بعضی از مشرق شناسان از جمله گذار بر این باورند که این بنا از آثار غازان خان مغول است و اسم اصلی آن غازانه بوده است و به مرور زمان و بدون توجه به اصل آن کاشانه نام نهاده شده است.

گذری بر نخلستان‌های «طرود»

منطقه کویری «طرود» در ۱۲۰ کیلومتری جنوب شاهرود که بزرگ ترین نخلستان شمال شرق کشور را در خود جای داده به همراه رمل‌های کویری زیبا و دیدنی چاه جم و بلندای زیبا و دیدنی آرامگاه پیرمردان در این بخش کویری نیز جلوه ای دیگر از قدرت یزدان پاک را به تماشا می‌گذارد.

از شاهرود دست پر برگردید!

نمد روستای ابرسج، بافت گلپج، جاجیم و چوقا (نوعی پارچه پشمی) در شهر مُجن، منبت چوب، ساخت سازهای سنتی، گلیم بافی، تراش سنگ های نیمه قیمتی،

هنر ساخت سرامیک در شاهرود و ابرسج، سفالگری شاهرود، تابلو فرش، معرق کاشی، خراطی چوب (از فنون قدیمی شهر شاهرود است) و رودزی های سنتی از جمله رشته های فعال در این عرصه شناخته می‌شود. شایان ذکر است صنعت سرامیک سازی این شهر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از مهم ترین سوغات شاهرود می‌توان از قیسی، برگه زردآلو و انگور نام برد که به خاطر کیفیت و تنوع نه تنها مورد توجه مسافران قرار می‌گیرد، بلکه صادرات آن نیز چشمگیر است. برای تهیه صنایع دستی و سوغات شاهرود می‌توانید به نمایشگاه های نوروزی شاهرود در حدفاصل میدان ورودی شاهرود از سمت تهران (میدان الغدیر)، میدان ورودی شاهرود از سمت گرگان (آزادی) و پارک جنگلی چغلوگیر واقع در بزرگراه شاهرود - بسطام سه راهی مجن مراجعه کنید. اگر به شاهرود سفر کردید برای استراحت می‌توانید چند ساعتی را در پارک جنگلی آبشار یا بلوار و در میان طبیعتی زیبا سپری کنید تا سفر در جاده ای کویری را به فراموشی بسپارید. شاهرود تلفیقی از طبیعت سرسبز، اماکن تاریخی و عرفانی و مردمی با صفاست. شهری که مقدمات را با گل پذیرا هستند و دعای خیرشان بدرقه راهنان است. آنچه مسلم است شاهرود را باید دید و برخوان مردم مهمان نوازش نشست که هر که در این سرآرآید نانش می‌دهند و از ایمانش نمی‌پرسند.

بازی های نوروزی در شاهرود

از آیین‌های ویژه نوروزی در شاهرود، بازی‌های مخصوص در روزهای نوروز است. از جمله این بازی‌ها می‌توان به تخم‌مرغ بازی که از بازی‌های قدیم و سنتی ویژه پسران و مردان جوان در ایام نوروز است، اشاره کرد. تخم مرغ بازی نوعی بازی برد و باختی با تخم‌مرغ‌های پخته و رنگین پای سفره هفت سین نوروز است. در این بازی، بازیکن اول با سر تخم‌مرغ خود بر سر تخم‌مرغ بازیکن مقابل که تخم مرغ را در دست خود گرفته به آرامی ضربه ای وارد می‌کند. تخم مرغ هر که بشکند، بازنده است و او باید به عنوان جایزه تخم مرغ شکسته خود را به فرد برنده بدهد. هر چند این بازی در ایام نوروز و در حال حاضر از رونق افتاده ولی کم و بیش در شهرها و روستاها برگزار می‌شود. گردو بازی، خرچستک، مات ماتو، کبدی، قوق چو، بتراش بتراش و شیر آجیر باش از جمله بازی هایی بود که کودکان و نوجوانان شاهرودی در ایام نوروز انجام می‌دادند.

راهنمای کامل اصفهان گردی

سیزده روزه نصف جهان را بگردید

معرفی ۳۶ جاذبه گردشگری اصفهان

سرخان زده و چه برای گردشگران داخلی که تعطیلات طولانی نوروزی به فکر سفر انداخته‌شان. بعضی‌ها اصفهان را به عنوان مقصد انتخاب می‌کنند و برخی هم برای رسیدن به شهرهای شمالی یا جنوبی از آن می‌گذرند و برای همین تصمیم می‌گیرند چند ساعت، یا چند روزی را به دیدنش اختصاص بدهند. همین جایگاه ویژه اصفهان به عنوان یک مقصد مهم گردشگری کشور، باعث شد قسمت قابل توجهی از ویژه‌نامه نوروزی «گردشگر» را به نصف جهان اختصاص بدهیم.

شما باشید، دیدن اصفهان را از کجا شروع می‌کنید؟! فکر کنید مثلاً فقط سه روز وقت دارید، یا شاید دو روز، حتی کمتر از ۲۴ ساعت! کدام‌ها را باید اول ببینید؟! از کدام مسیر بروید تا بتوانید از پس دیدن حداکثر جاذبه‌ها در حداقل زمان برآید؟! اصفهان آن قدر حرف برای گفتن دارد که اگر ۱۳ روز نوروز را تمام و کمال پای درد و دلش بنشینید کم است؛ ۱۳ روز که هیچ، بگویید ۱۳ یا اصلاً ۳۰ سال حتی! اصفهان یکی از مهم‌ترین مقاصد گردشگری ایران است؛ چه برای مسافران خارجی که هوس دیدن ایران به



عکس مهدی تمیزی

میدان امام^(۹) (نقش جهان)

نام اصفهان به نام «میدان نقش جهان» گره خورده است. اثری که به همراه زیگورات چغازنبیل و تخت جمشید، یکی از اولین آثار تاریخی ایران بود که سال ۱۳۵۸ در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شد. ابهت و جذابیت‌های زیادش باعث شده یکی از اولین مقاصد گردشگران باشد. برای میدانی که در مرکز اصفهان واقع شده با سه بنای اصلی و جاذبه‌های پرشمار دیگر، باید حداقل یک، نیم روز وقت بگذارید. دو مسیر اصلی برای رسیدن به میدان وجود دارند؛ خیابان حافظ که در ضلع شمال شرقی میدان قرار دارد و خیابان سپه که در ضلع شمال غربی میدان است. تا نزدیک به دو سال پیش هم اتومبیل‌ها اجازه تردد از مسیر این دو خیابان و عبور از میدان را نداشتند، اما پس از آن مسیرهای منتهی به میدان همه به پیاده راه تبدیل شدند و حالا دیگر اثری از سر و صدا و شلوغی اتوبوس‌های واحد و ماشین‌ها در مهم‌ترین جاذبه توریستی اصفهان نیست. حالا اگر با ماشین شخصی می‌آیید، باید پارکینگ خیابان باغ گلدسته یا مادی فرشادی را انتخاب کنید؛ چرا که مخصوصاً در ایام نوروز در هیچ کدام از کوچه پس کوچه‌های باریک منتهی به میدان جای پارک پیدا نمی‌کنید. برای دیدن میدان اما مسیرهای مختلفی دارید؛ می‌توانید از کوچه پشت مطبخ، کوچه سعدی، کوچه‌های پشت مسجد امام، کوچه‌های پشت مسجد شیخ لطف‌الله، کوچه‌های منتهی به خیابان حکیم و یا خیابان‌های حافظ و سپه وارد میدان شوید. اما دو مسیر از همه بهترند؛ اولی مسیر خیابان استانداری و کوچه پشت مطبخ است؛ چرا که به بازار می‌رسید و ناگهان از گوشه جنوب غربی وارد میدان می‌شوید. عالی قاپو در سمت چپ، مسجد امام در سمت راست و مسجد شیخ لطف‌الله در رو به رو در کنار عظمت میدان، حسایی غافلگیرتان می‌کند. بازدیدتان را هم می‌توانید از مسجد امام شروع کنید. بعد به مسجد شیخ لطف‌الله برسید و آخر سر عالی قاپو را ببینید. اما مسیر بعدی، از قیصریه است. راسته بازار را بگردید و از مسیرهای منتهی به میدان از داخل بازار به سر در قیصریه برسید. از بازار قیصریه وارد میدان شوید؛ این روش شاه عباس بوده برای نشان دادن عظمت میدان به میهمانان خارجی‌اش! اینجاست که از دالان نسبتاً تاریک بازار قیصریه ناگهان با فضای عظیم میدان رو به رو می‌شدند و احتمالاً بلند فریاد می‌زدند: «WOW» کافی است زیر سر در قیصریه چند ثانیه بایستید. عالی قاپو سمت راست، مسجد امام در رو به رو و مسجد شیخ لطف‌الله در سمت چپ‌تان واقع شده‌اند؛ مهم‌ترین داشته‌های میدان نقش جهان، همه در تیررس نگاهتان هستند.



شاهکار معماری، کاشی کاری و حجاری را در این مسجد ببینید!

کوچک تر، اما تزیین شده با کاشی‌های هفت رنگ و دارای محرابی بسیار زیبا. سوم مدرسه‌های قرینه جنوب غربی (سلیمانیه) و جنوب شرقی (ناصری) هستند. در سلیمانیه قطعه سنگ شاخص را ببینید که ظهر حقیقی اصفهان را در چهار فصل سال نشان می‌دهد و حاصل هوش شیخ بهایی، دانشمند و ریاضیدان صاحب نام اصفهان است. در مسجد امام به کتیبه‌ها و لوح‌ها هم دقت کنید که از درب ورودی شروع می‌شوند. در جلوخان کتیبه‌های حاوی اشعار و نوشته به جا مانده روی تخت سنگ بزرگ را ببینید. در یکی می‌توانید دستور بخشش مالیات برای برخی از مشاغل را ببینید. این‌ها مشاغل معمولی بودند که جامعه نگاه خوبی نسبت به آنها نداشتند. نام‌ها و مضامین مختلفی در این کتیبه‌ها هست، از دستورات شاه عباس بگیرد تا اشعار و آیات و البته نام‌هایی چون علیرضا عباسی، علی اکبر اصفهانی، عبدالباقی تبریزی، عبدالقاسم اصفهانی و محمدرضا امامی می‌رسید به کتیبه‌ای طولانی به خط ثلث بر زمینه کاشی خشت لاجوردی که سرتاسر ایوان ضلع غربی مسجد نوشته شده. در مسجد جامع عباسی هفت سنگاب می‌بینید از جنس‌های سنگ یشم، مرمر و سنگ آهک. در جای جای بنا بگردید، اتمسفر خاصش را درک کنید و به گنبد عظیم و دو جداره‌اش برسید. فاصله از زمین تا جدار داخلی گنبد ۳۸ متر است و تا جدار خارجی، ۵۴ متر. بین دو جدار گنبد هم چیزی جز فضای خالی نیست، فضایی به اندازه یک ساختمان تقریباً پنج طبقه! دومین جذابیت این گنبد عظیم، انعکاس صدا در زیر آن است. روی سنگی که درست زیر گنبد قرار گرفته بایستید و صحبت کنید، اذان بگویید، آوازی کوتاه بخوانید. مسجد جامع عباسی یکی از بناهایی است که منبع الهام خیلی از هنرمندان ایرانی و خارجی هم بوده یکی از جدیدترین‌ها. اتو پینه، هنرمند نقاش آلمانی است که مجموعه‌ای از آثارش که او با الهام از رنگ‌های مسجد امام اصفهان خلق کرده، بهمن ماه ۹۳، در موزه هنرهای معاصر تهران به نمایش گذاشته شد.

بخش قابل توجهی از گردشگران نقش جهان، گشت و گزار در میدان را از مسجد امام (مسجد جامع عباسی) که جزو آثار ثبت ملی شده اصفهان (با شماره ۱۰۷) است، آغاز می‌کنند؛ مسجدی ۴۰۰ ساله در ضلع جنوبی میدان که شاه عباس اول آن را ساخت و آن قدر ساختن این بنای ۱۲۲۶۴ مترمربعی طول کشید که عمر او فقط به افتتاح کردنش قد داد و تا سال‌ها پس از فوتش هم کار بر روی تزیینات مسجد ادامه داشت. برای ساختن این مسجد عظیم بیشتر از ۱۸ میلیون قطعه آجر و ۵۰۰ هزار قطعه کاشی استفاده کرده‌اند. قبل از ورود به مسجد، به سردرش نگاه کنید و کتیبه به خط ثلث علیرضا عباسی را ببینید که تاریخ شروع ساخت بنا را بر روی کاشی معرق سفید در زمینه آبی نوشته و آورده که شاه عباس این بنا را از دارایی خالصش ساخته است. زیر این کتیبه، هم تاریخ پایان ساخت ذکر شده و نام استاد علی اکبر اصفهانی به عنوان معمار آمده است. نکته بعدی در مسجد در ورودی آن است که از پوشش طلا و نقره و اشعاری به خط نستعلیق ساخته شده. وارد می‌شوید از پیشطاق و درگاه ورودی به هشتی می‌رسید. از این زاویه قسمتی از حیاط مسجد پیداست. دالان سمت راست که کوتاه‌تر از دالان سمت چپ است، مسیر ورودی شما به مسجد محسوب می‌شود. مسجد جامع عباسی را طوری ساخته‌اند که هم رو به میدان باشد و هم رو به قبله برای همین است که باید از این دالان عبور کنید. این چرخش ۴۵ درجه باعث می‌شود مسجد رو به قبله باشد. مسجد چهار ایوانی است؛ طرحی که به عنوان الگوی کامل مسجد ایرانی به حساب می‌آید. از دهلیز وارد حیاط که می‌شوید، چند فضای دیگر در جلوی رویتان دارید؛ اول ایوان بزرگ جنوبی است با دو مناره ۴۸ متری کاشی‌کاری شده که روی هر کدام نام‌های محمد و علی به خط بنایی تکرار شده‌اند. گفتنی است که مسجد، چهار مناره دارد؛ دو در ورودی اصلی و دو در طرفین ایوان بزرگ جنوبی. دوم شبستان‌های قرینه شرقی و غربی هستند که یکی بزرگ تر و ساده‌تر است و دیگری



مسجد شیخ لطف الله؛ بنایی که از دیدنش جامی خوردید!

مقصود بعدی شما در میدان نقش جهان، مسجد شیخ لطف الله است در ضلع شرقی میدان که با شماره ۱۰۵ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است. کار ساخت این مسجد پیش از ساخت مسجد امام آغاز شده و ۱۸ سال به طول انجامیده است. شیخ لطف الله میسی از علمای جبل‌العامل لبنان بود که شاه عباس اول دخترش را به همسری گرفت و این مسجد را برای تدریس و اقامه نماز جماعت برای او بنا کرد. برای همین است که نام این مسجد «شیخ لطف الله» گذاشته شده. از مسجد امام با آن همه عظمت که به مسجد شیخ لطف‌الله وارد شوید، جامی خوردید. از پله‌های ورودی که بالا می‌روید و به دالان می‌رسید، شوکه می‌شوید. فکر می‌کنید حتماً دری هست که به حیاطی باز می‌شود و شما را از این فضای تاریک بیرون می‌برد اما این طور نیست. وارد می‌شوید از دالان ورودی می‌گذرید و می‌رسید به شبستان که هم محل تدریس دروس فقهی بوده و هم محلی برای اقامه نماز توسط زنان حرم شاه. مساحت این مسجد، چیزی نزدیک به ۱۲ برابر کمتر از مساحت مسجد امام است. مناره ندارد و تمام زیبایی‌اش در جدار داخلی و خارجی گنبدش خلاصه شده. قبل از ورود به مسجد، به کتیبه سردر نگاه کنید که خط ثلث رضا عباسی است. «علیرضا تبریزی» از خوشنویسان بزرگ زمان خودش و البته از مهمترین شخصیت‌های هنری ایران است. در کتاب «اصفهان» تالیف «لطف الله هنرفر» درباره این شخصیت نوشته‌اند: «این استاد خوشنویسی در تبریز شاگرد ملامحمد حسین تبریزی و علاء بیک بود و خط ثلث و نسخ را نیکو می‌نوشت. پس از آن که در زمان شاه محمد خدابنده، پدر شاه عباس، ترکان عثمانی آن شهر را به تصرف آوردند، علیرضا از آن جا بیرون آمد و به قزوین که پایتخت صفوی بود رفت و در مسجد جامع آن منزل گرفت. او به کار کتابت مشغول شد و قسمتی از کتیبه‌های آن مسجد را با چند قرآن در آن جا تمام کرد. علیرضا تبریزی سپس به دربار شاه عباس رفت. شاه جمعی از خوشنویسان مانند محمدرضا امامی و محمدصالح اصفهانی و عبدالباقی تبریزی را به او سپرد تا زیر نظر او خط ثلث بیاموزند. علیرضا عباسی تا پایان عمر در سفرهای شاه عباس هم حضور داشت.» کتیبه‌های زیبایی که علیرضا عباسی بر داخل و خارج مسجد شیخ لطف الله نوشته، زیباترین خط زمان خود بوده. نایب‌ای که این همه شکوه و جلال و زیبایی و هنر را به این مسجد بخشیده، کسی است که سمت چپ و راست محراب را امضا نموده و خود را «فقیر حقیر محتاج به رحمت خدا، محمدرضا بن استاد حسین بنای اصفهانی» معرفی کرده است. اگر محراب را با دقت ببینید، تاریخ ۱۰۲۸ هجری را هم می‌توانید بر آن

تشخیص بدهید. در دو طرف ورودی مسجد سکوه‌های مرمین قرار دارند و درب ورودی، از چوب چناری که پس از ۴۰۰ سال هنوز پابرجاست ساخته شده. دالان ورودی با چرخشی ۴۵ درجه، خیلی آرام و نامحسوس شما را به جهت قبله می‌برد. در مسجد شیخ‌لطف‌الله می‌توانید ساعت‌ها به بالا خیره شوید و کاشی‌کاری‌های زیبای جدار داخلی گنبد را تماشا کنید. این گنبد روی چندین تاق کنگره دار مرتفع استوار است و با آیات قرآنی آراسته شده. اگر به نقوش مرکز و اطراف جداره داخلی گنبد نگاه کنید. پیچک‌ها طوری در میان ستاره‌های طلایی بزرگ مکرر پیچیده‌اند که می‌توانید نقشی طاووس مانند را تشخیص بدهید انگار که زیر گنبد این مسجد کوچک، طاووسی زیبا پر گشوده است و در دایره‌ای از نقوش اسلیمی و طاق رومی‌های زیبا محاط شده و به پنجره‌های گچ بری می‌رسند که وظیفه نور رسانی مسجد را برعهده دارند. نورپردازی طبیعی و خیال پردازانه، نگاهتان که سر بخورد روی دیوارها، دنیایی از گل و بوته‌های به هم پیوسته‌ای در متن کرمی را می‌بینید. طرح گل و بوته‌های بالا با طرح‌های پایین تفاوت دارد. از تماشای کاشی‌های معرق و هفت رنگ گنبد و دیوارها که فارغ شدید، چشم به محراب بدوزید. محرابی یک‌دست و زیبا با تاقی دندانه‌دار، کاشی‌کاری‌های معرق و مقرنس بسیار ظریف و لوح‌ها و کتیبه‌هایی که نام معمار بنا، خط رضا عباسی و باقر بنا و روایات و اشعار شیخ بهایی بر بر خود دارند. پروفیسور آرتور پوپ، ایران شناس معاصر آمریکایی در کتاب شش جلدی «بررسی هنر ایران» می‌نویسد: «مسجدی که در سمت مشرق میدان شاه و مقابل ساختمان عالی قاپو قرار دارد، یکی از شاهکارهای بی‌نظیر معماری است که در سراسر آسیا خودنمایی می‌کند. این مسجد زیبا، که همچون جواهری درخشان در تاریخ معماری ایرانیان می‌درخشد، مسجد شیخ لطف‌الله نام دارد که بر روی خرابه‌های به جا مانده از بقایای مسجیدی قدیمی بنا شد. در حقیقت میدان بزرگی که قصر باشکوه عالی قاپو در یک طرف آن قرار داشت، به چنین گوهر گرانبهایی در برابر خود احتیاج داشت و شاید همین نکته شاه عباس را بر آن داشت تا با ساختن این بنا که به سختی می‌توان آن را محصور دست بشر دانست، زیبایی میدان را به کمال برساند.» بعد از خروج از مسجد، دوباره به گنبد فیروزه‌ای کوچک آن نگاه کنید، گنبدی که حالا یکی از المان‌های گردشگری اصفهان است و نقوش‌های جدار داخلی و خارجی‌اش منبع الهام هنرمندان و طراحان بسیاری؛ چه در نقاشی‌ها، چه در طراحی‌های پارچه و لباس و چه در هنرهای تزئینی مختلف مخصوصاً صنایع دستی مینا.





یک بازار گردی دلچسب و خرید بهترین سوغاتی‌های نقش جهان

حالا دیگر نامش چندان معرفش نیست، چون مغازدارها ترجیح داده‌اند برای امرار معاش به فروش چیزهای دیگر و از جمله خرت و پرت‌های دنیای معاصر روی بیآورند. اما به هر حال هنوز می‌شود حس خوب یک بازار قدیمی را با قدم زدن در بازار قیصریه تجربه کرد. ظرایف بغداد، خزهای کوفی، دیبای روم، شرب مصر، جواهر بحرین، آبنوس عمان، عاج هندوستان، گلیم‌های آذربایجان و گیلان و فرش‌های آرمن اجناس نابی بودند که چند قرن پیش مردم اصفهان، برای خریدنشان راهی بازار قیصریه می‌شدند. حالا اما پارچه‌های قلمکار، خاتم، عتیقه‌جات، ترمه یزد، گبه فارس، لوازم آرایش، طلا و نقره، چینی‌ها، مینا، تابلوهای قلمزنی و حتی انواع و اقسام بدلیجات و خرت و پرت‌های مختلف، بیشتر در بازار به چشم می‌خورند. از سردر قیصریه که وارد بازار شوید، خیلی زود متوجه تفاوت این راسته با راسته‌های دیگر می‌شوید. اینجا بورس فرش‌های دست‌باف، پارچه‌های قلمکاری و عتیقه‌جات است. از اصفهان دست خالی برنگردید. مثلاً می‌توانید «پارچه قلمکار» بخرید. اگر دنبال پارچه قلمکار هستید، بازار قیصریه جای خوبی است که می‌توانید انواع مختلفش را در چندین مغازه قدیمی پیدا کنید. مخصوصاً اگر به محض ورود به بازار، راه سمت راست را انتخاب کنید. برای خریدن پارچه قلمکار به ثابت بودن یا نبودن رنگ‌هایش توجه کنیم. بعضی از پارچه‌ها رنگ طبیعی دارند و برخی رنگ غیرطبیعی ولی ثابت بودن یا نبودن رنگ‌ها به روش کار استاد کار بستگی دارد نه طبیعی بودن رنگ‌های به کار رفته در پارچه. قیمت پارچه‌های قلمکار به قدمت، نوع طرح و ثابت بودن یا نبودن رنگ پارچه، بستگی دارد. اگر آدم سخت‌گیری هستید، برای خریدن پارچه‌های قلمکار باید چند ساعت وقت بگذارید، چون تنوع رنگ و نقش‌هایشان بسیار زیاد است. از نقش زیر طاق مسجد شیخ لطف‌الله و چوگان‌گیرید تا نقوش هخامنشی و اسلیمی و انواع بته جقه که استاد قلمکار ممکن است فی‌البداهه خلقشان کرده باشد. انتخاب دیگران در خرید از اصفهان می‌تواند «مینا»، «نقره»، «مینیاتور» و «خاتم» باشد. مینیاتورها بسته به این که روی استخوان شتر یا عاج کشیده شده باشند، قیمت‌های متفاوتی دارند. مینا، بیشتر حس خوب معماری مساجد اصفهان را برایتان ماندگار می‌کند و خاتم ممکن است شما را به یاد مسجد جامع بیندازد.

از مسجد شیخ لطف‌الله که بیرون می‌آید دو انتخاب دارید؛ هم می‌توانید مستقیم به طرف رو به رو، ضلع غربی میدان بروید و کاخ عالی‌قاپو را تماشا کنید و هم می‌توانید از داخل بازار به سمت قیصریه بروید. بازار، ضلع سوم، مثلث دین و دولت عهد صفوی را تشکیل می‌دهد و حالا گرچه با حال و هوای قدیم تفاوت‌های زیادی دارد، اما هنوز زنده است و در جای جایش می‌توانید اوقات خوبی را تجربه کنید. بازار بزرگ اصفهان، دور میدان نقش جهان کشیده شده و از انتهای بازار قیصریه تا میدان کهنه و مسجد جامع امتداد دارد. در بازار بگردید و مسجدها، مدرسه‌ها، حمام‌ها، راسته‌ها، سراها، کاروان‌سراها، تیمچه‌هایش را ببینید. بازار درست مانند شهری دور تا دور میدان کشیده شده است. در صفویه این بازار رونق بسیاری داشته و هر کدام از راسته‌هایش در انحصار شغلی بوده. می‌توانید تابلوهای «راسته طلا فروشان»، «بازار عطاریها»، «بازار عربان»، «راسته هارونیه»، «نیم‌آورد گلشن»، «سرای مخلص»، «سماورسازها» و «مقصودبیک» را ببینید و در میان تب و تاب و شلوغی نوروزی بازار، جوش و خروش صفوی این فضا را تجسم کنید. «آقا کافور»، «اسماعیلیه»، «جده بزرگ»، «جده کوچک»، «حاج حسن حکمتیه»، «شاهزاده»، «الغدیر»، «ذوالفقار»، «شفیعیه»، «صدر»، «عربان»، «ساروتقی»، «ملا عبدالله»، «ناصریه» و «نوریه» نام مدارس دینی داخل بازار اصفهان است و خب می‌بینید که بازار قدیم اصفهان فقط محل مبادلات اقتصادی نبوده است بلکه درست مثل یک شهر اجزای مختلفی دارد. حجره‌های دو طبقه نمای داخلی میدان، هنوز هم کمابیش مهم‌ترین صنایع دستی و سوغات اصفهان را به میهمانان عرضه می‌کنند. وقتی راسته بازار را گرفتید و به قیصریه رسیدید، بایستید. قبل از ورود به بازار، چشم بدوزید به «سردر قیصریه» نقاشی‌های رضا عباسی و کتیبه‌های آجری با بیت زیبایی: «عرض نقشی است کز ما باز ماند/ که هستی را نمی‌بینم بقایی» را ببینید. روی کاشی کاری معرق نفیس بالای سردر، نقشی هست نیم انسان و نیم شیر یا ببر که دمش به شکل اژدهاست و مورخان معتقدند نمادی از سال روز تاسیس برج و باروی شهر اصفهان که در آذرماه (برج قوس) بوده نشان می‌دهد. حالا با خیال راحت وارد مجلل‌ترین و بزرگ‌ترین بازار اصفهان در عهد صفوی، شوید. بعد می‌شود وارد بازار چیت‌سازها شوید؛ بازاری که

عالی قاپو؛ کاخی برای تماشای چوگان و چراغان

با دو سکو در طرفین هست که کرباس را به حیاط پشت ارتباط می دهد. بالای این در پنجره‌های مشبک قرار دارد که از آن نور به داخل کرباس می تابد. اتاق های اطراف همین کرباس در حقیقت محل ادارات دولتی بوده است. دو راه پله مارپیچ در دو گوشه طبقه اول راه های ارتباطی را تشکیل می دهند. بالای طبقه اول، چهار طبقه هست که هر دو طبقه علاوه بر اتاق هایی که دارند دارای تالار بزرگ هستند. نخستین تالار به وسیله دری بزرگ به ایوان بخش جلویی عمارت باز می شود. بر در دیوار این تالار نقوشی زیبا و رنگارنگ وجود دارد که اغلب از آثار رضا عباسی است. طبقه ششم تالاری بزرگ دارد که تماماً گچ کاری است. این تالار که به اتاق صوت نیز شهرت دارد، بر اساس شناخت فیزیکی صوت و انعکاس آن به نحوی ساخته شده که مثل یک استودیوی مجهز به ضبط صدا طنین های اضافی صدا را از بین می برده است و اصوات را به صورتی صاف به تمام قسمت های تالار می رسانده است. دیوارهای اتاق های اطراف نیز با نقاشی های زیبا تزئین شده اند. دو بخش در عالی قاپو ویژه تر هستند، اول تالار باشکوهی که ۱۸ ستون و یک حوض مرمری دارد و دیدی وسیع به تمام میدان نقش جهان. از این جا شاه عباس و میهمانانش بازی چوگان را تماشا می کردند و حالا از آن حال و هوا فقط ستون های سنگی چوگان در میدان باقی مانده و در تالار هم سال هاست داربست های سقف و ستون ها مانع از آن شده اند که با خیال راحت تا جلوی ایوان بروید و تمام میدان را تماشا کنید. قاپو یا قاپی در زبان ترکی به معنی در، درگاه و ورودی است و عالی به معنی باشکوه، بزرگ و با ارزش می باشد. بنا بر گفته های تایید نشده، درب اصلی بنا را شاه عباس از نجف و مقبره علی بن ابی طالب به این مکان انتقال داده است. کتیبه بالای سردر ورودی با عنوان «انا مدینه العلم و علی بابها» و استقرار ۱۱۰ توپ جنگی در مقابل کاخ به حساب ایجاد نام علی را عنوان می کنند. دومین بخش ویژه بنا اتاق صوت است. همه طبقات را با اشتیاق بالا بروید تا به این اتاق ویژه برسید. گچ بری های زیبای طبقه ششم به شکل انواع جام و صراحی در طاق ها و دیوارها تعبیه شده اند. اما هیچ ظرف و جامی نمی توانید در این فضاها قرار دهید، چرا که با کوچک ترین اشاره خواهند ریخت! این احجام در سقف را هم می توانید به پای یک هنرنمایی عالی بگذارید و هم به دلیل انعکاس های حاصل از نغمه های سازندگان و نوازندگان به وسیله این اشکال مجوف گرفته شده و نغمه ها و صداها طبیعی و بدون انعکاس به گوش برسند. «دولتخانه مبارکه نقش جهان» یا «قصر دولتخانه» در نوروژ هم برو بیای زیادی دارد و خب بیم یادگاری نویسی و آسیب زدن برخی از بازدیدکنندگان باعث شده هشدارهایی نوشته شوند؛ مثلاً ماده ۵۵۸ قانون مجازات اسلامی که مبنی بر آن، هر کس هر گونه آسیبی به بناهای تاریخی وارد کند، موظف به جبران خسارت وارده است و همچنین به حبس از یک ماه تا ۱۰ سال محکوم می شود.

گزینه بعدی شما در مهم ترین مقصد توریستی اصفهان، کاخ مجلل عالی قاپو است که در سال ۱۳۱۰ با شماره ۱۰۴ در فهرست میراث تاریخی ایران ثبت شده است؛ کاخی که از داخل میدان به نظر دو طبقه می آید. از کنار، چهار طبقه و اگر از پشت میدان ببینیدش، شش طبقه است. برای دیدن عالی قاپو می توانید از راهنماهای اصفهان کمک بگیرید یا موبایل هایی را که در کنار راه پله ورودی گذاشته اند، اجاره کنید و با وارد کردن شماره هایی که روی اجزای مختلف بنا گذاشته اند، توضیحی را درباره هر کدام بشنوید. راه دیگر هم این است که این متن را بردارید و با خودتان ببرید! دیدن عالی قاپو برای کسانی که مشکل زانو دارند و نمی توانند به راحتی از پله ها بالا یا پایین بروند، غیرممکن است. راهنمای توری که یک گروه انگلیسی را آورده بود، داشت با خنده برایشان توضیح می داد که احتمالاً در آن زمان اصلاً بیماری به نام آرتروز وجود نداشته است! کاخ تقریباً ۵۰۰ ساله عالی قاپو بعد از انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان به دستور شاه عباس اول برای ملاقات او با سفیران و شخصیت های عالیرتبه ساخته شد. با راه پله های باریکی شما از یک طبقه به بعدی می روید. هر طبقه تزئینات خاص خودش را دارد که متناسبانه حالا فقط بقایای آن همه تزئینات، گچ بری ها و نقاشی های صفوی و مینیاتورهای رضا عباسی برجای مانده است. در طبقه همکف دو تالار وجود دارد که در آن روزگار به امور اداری و دیوانی اختصاص داشت. به طور کلی عمارت عالی قاپو از دو قسمت متمایز تشکیل شده است؛ قسمت جلویی و مدخل عمارت و ساختمان اصلی کاخ. قسمت جلویی ساختمان از ساختمان اصلی جلوتر و مدخل وسیع عمارت در همین بخش واقع است. مدخل دارای تاق جناغی است و در دو طبقه طرفین آن درها و تاق نماهای کوچک تری وجود دارند. بالای مدخل ایوانی هست که از سه جهت باز است و اتاق چوبی دارد. در زمان های گذشته به هنگام ضرورت اطراف ایوان را با پرده می پوشانیده اند. حوضی با لبه های مرمرین در وسط ایوان قرار دارد که فواره هایی دارد؛ کف حوض را از مس ساخته اند. از نوشته های جهانگردانی چون تارونیه و شاردن چنین بر می آید که در گذشته دور، دیوار انتهایی ایوان و سطوح ستون ها آینه کاری بوده است. بنای این ایوان یا به عبارت دیگر تالار بر اساس کتاب قصص الخاقانی در سال ۱۰۵۳ هجری قمری آغاز شده و در مدتی بسیار اندک به اتمام رسیده است. مدخل به دهلیزی راه می یابد که به صورت شمالی - جنوبی ساخته شده. در پشت این دهلیز عمارت اصلی عالی قاپو قرار دارد که در آن مقابل مدخل که از آن نام بردیم قرار دارد. اما بنای اصلی عالی قاپو از شش طبقه تشکیل شده است. در طرفین در ورودی عمارت دو سکوی سنگی وجود دارد. کتب هایی نیز در بالای این در قرار دارد که قسمتی از آن با گذشت زمان از بین رفته است. کرباسی که پس از در ورودی قرار گرفته سقفی بلند به اندازه مدخل جلویی ساختمان دارد. در همین کرباس مقابل در ورودی عمارت اصلی، دری دیگر



مثل چشماتان از جورجیر مراقبت کنید!

«محمد رسول الله»، «القدره لله»، «العظمه لله»، «سبحان الله»، «الحمد لله» به خط کوفی گچ بری شده و باقی مانده است. از پایین تا بالای فرورفتگی دیوار سمت راست بیرونی سردر، پنج جفت نقش شمعدان مانند تکرار شده است که در بالای هر هفت نقش شمعدان، کتیبه ای مستطیل شکل دربرگیرنده عبارات قرآنی به خط کوفی دیده می شود. در هر نقش شمعدان مانند، در طرفین یک شاخه اصلی، سه جفت شاخه با زاویه شکست ۹۰ درجه بر روی هم جاگرفته و لبه بالایی شاخه های دوم و سوم با گردشی نرم به بیرون خمیده شده است. از دیدگاه نگارندگان، این نقوش یادآور شمعدان خنوکا (Hanuka Candlestick) است. پیروان آیین یهود شمع های شمعدان هفت شاخه خنوکا را در «عید خنوکا» یا «عید اخلاص» یا «جشن روشنایی» روشن می کنند و در این جشن هشت روزه که از نظر زمانی به عید کریسمس نزدیک است، یاد و خاطره پیروزی های کهن را زنده می کنند. بر بنیان یک روایت مذهبی یهود، عید خنوکا یادآور تنها چراغ باقیمانده در نیایشگاه مکابیان در زمان جنگ با یونانیان است که گرچه تنها برای مصرف یک روز روغن داشته، اما به مدت هشت روز روشن می ماند. در پایین دیوار بیرونی چپ سردر، نقش دو جفت پرند در دو ردیف (چهار پرند) به نشانه چهار پدیده طبیعی نماد زندگی در فلسفه ایران باستان، در زیر یک درخت به چشم می خورد که به نظر می رسد تکرار نماد درخت زندگی و الهام گرفته از معماری ایرانی پیش از اسلام به ویژه معماری دوران هخامنشی و ساسانی باشد. یکی دیگر از نقوش جالب توجه دیوارهای جانبی، نقوش گیاهی تداعی کننده بال شاهین، پرند نماد قدرت در ایران باستان و همچنین یادآور نماد فروهر است. در دو طرف بالای درگاه ورودی و داخل نیمگنبد، دو پیلپوش متقارن پوشیده از نقوش گیاهی و هندسی هستند. استفاده از نقوش ترازو مانند در لابه لای نقوش گیاهی که یادآور «مهر ترازو دار» نماد دادگستری در ایران باستان هستند و تاکید در به کارگیری عبارت «قسط» در کتیبه گچ بری سردر، می تواند نشانه ای از کاربری دیگر بنای جورجیر به عنوان جایگاهی برای رسیدگی به مسائل حقوقی مردمان آن زمان باشد. به این ترتیب به نظر می رسد که آمیختگی کم نظیر این نقوش در سردر جورجیر صرفا با هدف تزئین سازه به کمک نقوش متداول در معماری ایرانی نبوده و انتخالی هدفمند و دارای پیام خاص بوده است. با توجه به سابقه همزیستی پیروان ادیان اسلام، یهود، مسیحی و زرتشتی در اصفهان و برپایه نقش های برجای مانده در سردر جورجیر، به نظر می رسد که بنای جورجیر در زمان خود کاربری فراتر از یک مسجد داشته و به عنوان «خانه ادیان» و به نشانه صلح و همزیستی پیروان ادیان گوناگون در اصفهان ساخته شده بود. مسجد جورجیر حالا دیگر وجود ندارد اما سردر هزار ساله اش همچنان در ضلع شمال غربی مسجد حکیم آرام و بی صدا ایستاده است. احتیاجی نیست تا برای دیدن این موزه بلیط تهیه کنید، تماشایش کنید. مراقبش باشید و بگذرد!

از میدان نقش جهان که خارج شوید، یکی از مقاصدتان می تواند کوچه باغ قلندرها باشد که هم از بازار راه دارد و هم از خیابان سپه و حکیم، مسجد حکیم و سردر جورجیر دو جاذبه مهمی است که در این کوچه باید ببینید و البته برای ناهار یا شام هم می توانید روی حمام «چارچی باشی» که یک بنای ۵۰۰ ساله است و به رستوران تبدیل شده و یا هتل کنار آن حساب کنید. سردر جورجیر چند متر بیشتر با ورودی کوچه به خیابان حکیم، فاصله ندارد. بنایی که شما را شگفت زده خواهد کرد. این سردر خیلی اتفاقی حدود ۶۰ سال پیش پیدا و از لابه لای دیوارهای گلی خارج و تعمیر شد. گچ بری ها و اجرکاری های جالب این سردر را تماشا کنید. مافروخی در کتاب «محاسن اصفهان» در توصیف این مسجد آورده که این بنا توسط صاحب بن عباد ساخته شده و دارای شبستان ها، خانقاه ها، کتابخانه و مدرسی بوده است. وی می نویسد این مسجد از مسجد جامع اصفهان کوچک تر، ولی از آن زیباتر و مستحکم تر بوده است. مناره این مسجد از خشت خام به ارتفاع صد ذرع بوده است. مقدسی در سال ۳۷۵ هجری قمری از مسجد جامعی یاد کرده که ستون های گردی داشته و در ضلع جنوبی آن مناره ربیعی به ارتفاع ۷۰ گز وجود داشته که همگی از خشت ساخته شده بوده اند. به نظر می رسد این توصیفات درباره مسجد جورجیر باشد. این تنها اثر باقیمانده از دوران حکمرانی حکومت آل بویه و پایتختی اصفهان است؛ قوش یگانه به کار رفته در سردر جورجیر آمیخته ای است از طرح های خطی هفت شاخه، کتیبه های کوفی، طرح های گل و برگ، شمعدان های سه شاخه، نقوش پایه شمعدان، نقش لاله گون، طرح های هندسی، نقش هایی شبیه حروف عبری و پهلوی، شمسه هشت، درخت و پرند، غنچه های محدب، نقوش گیاهی بالمانند، تزیینات زنجیری، شمعدان هفت شاخه، و گل های سهپر لاله مانند که هر یک هماهنگ با دیگر نقوش در جای خود نشسته اند. هنرآلاین در مطلبی که درباره تخریب های این بنا منتشر کرده به شاخص ترین ویژگی سردر جورجیر اشاره می کند و می نویسد: «یک قوس شکنج یا کنگره های بزرگ یازده پر بر فراز آن به عنوان شاخص ترین بخش در نوع خود بی نظیر است و پشت بغل های آن با نقوش چلیپای ایرانی تزیین شده است. نمونه های کوچک تری از این کمان شکنج را با پنجپر بر فراز دو تاق نمای کوچک تر در دیواره های جانبی سردر می توان دید که در بالا و پایین شبدری پنجپر آنها، نقوش شمسه هشت و نقوش شبیه حروف الفبای پهلوی و عبری به کار رفته است که نشانه ای از توجه سازندگان بنا به نمادهای ادیان گوناگون است. از کتیبه سردر دیلمی جورجیر که به خط کوفی گچ بری شده بود، در طرف راست فقط عبارت «بسم الله الرحمن الرحیم» و در طرف چپ سردر، عبارت «بالقسط لالله الاهو العزیز الحکیم» برجای مانده و بقیه کتیبه از بین رفته است. در نماهای خارجی طرفین سردر و در داخل تاق نماهای آجری آن عبارات «لا اله الا الله».





چهلستون؛ بنایی که هم عصبانیتان می کند و هم از دیدنش لذت می برید!

میان لذت بردن، عصبانی هم بشوید؛ درست مثل لرد کرزن، خبرنگار روزنامه تایمز در ایران که وقتی چهلستون را دید و فهمید که قاجارها روی نقاشی های صفوی دیوارهای کاخ، یک لایه گچ کشیده و خودشان کاخ را نقاشی کرده اند، گفت: «گر آن کافر را گیر آورده بودم، او را با خوشحالی در بشکه ای از رنگ خودش خفه می کردم». حالا بخشی از آن لایه های قاجاری تخریب شده اند که البته در برخی قسمت ها به بنا هم آسیب رسیده، ولی در بخشی نقاشی های صفوی پیدا شده اند. وقتی به دو ایوان کوچک شمالی و جنوبی می روید، حس می کنید نقاشی ها متفاوتند؛ انگار که حاصل کار نقاشان اروپایی دربار صفوی بوده اند. در میانه گردش در چهلستون به صحنه جنگ چالدران می رسید و این تنها نقاشی تاریخی کاخ است. نادرشاه افشار در فتح هندوستان را ببینید و برسد به صحنه آماده شدن شاهزاده خانم هندی برای قربانی شدن در مراسم تدفین همسرش. چهلستون با عظمت بی بدلیش همیشه مورد خنده کونه فکریان بوده است و البته تا حدودی جان سالم به در برده. مثلاً ظل السلطان که شخصیت منفور تاریخ اصفهان است و ویرانی های زیادی در این شهر به بار آورد، کاخ های آینه خانه، هفت دست و نمکدان را تخریب کرد، اما بازرگانان اصفهان توانستند چهلستون را به عبارتی، از او بازخرند و نجات دهند.

بعد از سردر جورجیو و مسجد حکیم، می توانید رد خیابان حکیم را بگیرید، وارد خیابان سپه شوید و چهلستون را ببینید. بهترین دیوارنگاره های عصر صفوی در این کاخ سلطنتی زیبا وجود دارد. عمارت تقریباً ۴۰۰ ساله چهلستون در میان باغی برای پذیرایی از میهمانان خارجی دربار ساخته و از چند بخش تشکیل شده است. اول از همه حوض و ایوان عمارت را می بینید. اگر حوض پر آب باشد، دلیل نام «چهل» ستون را متوجه خواهید شد و برایتان این سوال پیش نمی آید که چرا در واقع ۲۰ ستون می بینید. تالار تشریفات، اتاق های شمالی، اتاق های جنوبی و ایوان آینه بخش های مختلف کاخ موزه چهلستون هستند که باید آرام تماشایشان کنید. قدیمی ترین و ارزشمندترین دیوارنگاره های کاخ، در تالار مرکزی آن است. برخی از آنها حاصل هنر رضا عباسی هستند و بقیه را هم سه شاگردانش، محمدیوسف، محمدقاسم و افضل الحسینی کشیده اند. تابلوی بزرگ مجلس بزم شاه عباس دوم و پذیرایی او از شاه ترکستان را با دقت ببینید و برسید به تابلوی مجلس پذیرایی شاه طهماسب اول از همایون پادشاه هندوستان. در چهلستون هم باید مدام سرتان را بالا بگیرید. سقف و دیوارها پر از جاذبه هایی هستند که باید ریزبینانه تماشایشان کنید. هر چند اگر بفهمید که برخی از این نقاشی های زیبا بر روی نقاشی های ارزشمندتری قرار دارند، شاید در

خانه ظل السلطان یا موزه هنرهای معاصر

مختلفی بوده که او در شکارهایش می گرفته، اما حالا می توانید آثار هنری هنرمندان معاصر شهر را در آن ببینید. اگر اهل موزه گردی هستید، دیدن موزه تاریخ طبیعی و موزه هنرهای تزئینی (رکیب خانه) را هم که در کنار چهلستون هستند، از دست ندهید.

بعد از چهلستون، موزه هنرهای معاصر اصفهان را ببینید. هم در ایام سال و هم هر نوروز نمایشگاه هایی در گالری های مختلف این خانه تاریخی برپا می شود. این خانه تاریخی، زمانی به عنوان خانه ظل السلطان به شمار می رفته و دیوارهایش پر از سر حیوانات

هشت بهشت؛ مظلوم و زیبا و جان سالم به در برده!

متعددی تقسیم شده که هر یک تزئینات خاصی دارند. در برخی حوض آب و در بعضی بخاری های دیواری تعبیه شده اند. دیوارها را نیز آینه های فراوان پوشانده اند. سقف ها را تماشا کنید که با موزائیک های عالی پوشانده شده اند. همه فضاها با هم مرتبط اند و یک عمارت یکدست را تشکیل داده اند. آندره گدار، باستان شناس و ایران شناس می گوید: «کاخ هشت بهشت با تالاری که از هر سو باز است و با چهار عمارت کلاه فرنگی در چهار گوشه خود هنوز هم ترکیب اصلی و مختصری از لطف و ملاحظت روزگاران گذشته را حفظ کرده است.» هشت بهشت در مقایسه با چهلستون و عالی قاپو کوچک تر است و تزئینات و زیبایی های کمتری دارد، اما این چیزی از جذابیت و ارزش بنا کم نمی کند.

از خیابان استانداری وارد خیابان باغ گلداسته شوید و سراغ کاخ هشت بهشت را که در پارک شهید رجایی است بگیرید؛ کاخی مظلوم که از انبوه کاخ ها و عمارت های صفوی این محدوده تنها و یکه به جای مانده و حالا با شماره ۲۲۷ در فهرست آثار ملی ایران هم ثبت شده است. وارد کاخ تقریباً ۳۵۰ ساله «هشت بهشت» می شوید. بخش مرکزی کاخ به صورت چهار صفا ساخته شده است. سقفی که بر فراز این بنا استوار است، پوشیده از مقرنس های گچی خوش رنگ و خوش طرح است. اتاق های طبقه اول در چهار گوشه عمارت تزئیناتی از گچبری و نقاشی دارند. در طبقه دوم عمارت نیز مجموعه ای از رواق ها و اتاق ها و طاق ها و پنجره ها را می توانید تماشا کنید. این طبقه به راهروها و اتاق های

چهارباغ؛ گردشگاهی که خیابان است

هم که چهارباغ زمان شاه عباس دوم را دیده است، در توصیفش می گوید: «زیباترین معبری است که تا کنون دیده و یا شنیده ام.» حالا البته چهارباغ پر است از ماشین و موتور و آرامش را فقط در فضای میانی اش که هنوز کماکان درخت و جوی آب و نیمکت های دایره وار دارد، پیدا کنید. چهارباغ حالا به سه قسمت پایین، عباسی و بالا تقسیم می شود. خیابان چهارباغ پایین از میدان امام حسین (دروازه دولت) تا میدان شهدا ادامه دارد. چهارباغ عباسی که زیباترین بخش است، از دروازه دولت تا سی و سه پل امتداد یافته و از پل که بگذرید، می توانید وارد چهارباغ بالا شوید که تا دروازه شیراز ادامه دارد.

از کاخ هشت بهشت به سمت بازار هنر بروید. از داخل بازار ۳۰۰ ساله که حالا به فروش طلا و نقره اختصاص دارد، رد شوید و به چهارباغ برسید که با شماره ۱۰۹ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است؛ خیابانی که فقط محل عبور نبوده و شاه عباس اول دستور ساختنش را به عنوان یک گردشگاه برای خانواده سلطنتی و درباریان داده است. اصفهان صفوی را تصور کنید؛ وقتی به گفته پیتر دولاوله، سیاح معروف ایتالیایی، زنان دربار و زنان عادی شهر روزهای چهارشنبه با روی گشاده در خیابان غرق شده چهارباغ قدم می زدند و در پرتو مشعل ها و شمع ها به پل سی و سه چشمه می رسیدند. شاردن

مدرسه چهارباغ؛ جایی که شمارا به درس خواندن فرا می خواند!

شاخص این بنا، گنبد آن است که می گویند پس از مسجد شیخ لطف الله زیباترین گنبد را دارد. این مدرسه را «موزه کاشیکاری» هم می دانند و دلیلش انواع کاشی های هفت رنگ، معرق، گره چینی، پیلی و معقلی است که بر دیوارها، سقف و مناره هایش دارد. محراب و منبر مرمرین یکپارچه را تماشا کنید. درختان چنار داخل مدرسه همسرن خود بنا هستند و مشرف به ۱۵۰ حجره ای که محل تحصیل طلاب هستند. مدرسه، چهار حیاط خلوت، چهار ایوان و دو طبقه دارد. حجره مخصوص شاه سلطان حسین را ببینید و سنگاب ها و ساعت آفتابی را؛ اجزایی که هنرمندانه برای آرامش آنها که به تحصیل علوم دینی مشغولند، تدارک دیده شده اند.

درست کنار بازار هنر در خیابان چهارباغ عباسی، مدرسه ۳۰۰ ساله چهارباغ را می بینید که در فهرست آثار ملی هم ثبت شده. مدرسه ای که به نام های «مدرسه سلطانی» و «مدرسه مادر شاه» معروف بود، حالا به «مدرسه امام صادق» شناخته می شود و ایام نوروز تنها زمانی است که می توانید از این مدرسه بازدید کنید؛ چرا که در باقی ایام سال مردان محصل علوم دینی در این مدرسه ساکن هستند. مخصوصاً برای خانم ها فقط همین ۱۳ روز عید فرصت بازدید است. دیدن این بنای چهار ایوانی را باید از همان درب ورودی اش آغاز کنید که نمونه تحسین برانگیز صنایع ظریفه است و زرگری، طلاکاری، طراحی، قلمزنی اش نظیر ندارد. اولین وجه

پل های اصفهان؛ یک پیاده روی جانانه

و شیرهای سنگی دو طرفش را تماشا کنید و روی پله هایش بنشینید به دیدن جوش و خروش رود و شنیدن نغمه آوازخوانان زیر دهانه های پل. مقصد بعدیتان پل جویی است که روزگاری فقط به عبور و مرور درباریان تعلق داشته است. از روی هیچ کدام از پل های تاریخی اصفهان دیگر امکان عبور و مرور با اتومبیل نیست، ولی هنوز دوچرخه ها و پیاده ها می توانند لذت عبور از پل را درک کنند. بعد از جویی یا چوبی، به پل فردوسی که جدید است می رسید و سومین پل تاریخی که باید بعد از آن ببینید، سی و سه پل یا پل الله وردی خان است با ۳۳ دهنه، ۲۹۵ متر طول، ۱۴ متر عرض و ۴۰۰ سال سابقه! بعد از سی و سه پل باید از پل آذر و فلزی که جدید هستند، بگذرید و به مارنان برسید که دروازه ورود شما به ریه اصفهان، ناژوان، است.

سال گذشته، این موقع، زاینده رود زنده نبود و مسافران نوروزی اصفهان مجبور بودند پل های تاریخی را بر بستر خشک رود ببینند. نوروز امسال اما اصفهان به زاینده رودش زنده است، بنابراین یک دل سیر در کناره های زاینده رود قدم بزنید. اول از پل شهرستان شروع کنید که از زمان ساسانیان تا به امروز مظلومانه در شرقی ترین ضلع شهر ایستاده. تمام کناره های زاینده رود پارک و بوستان است بنابراین می توانید خودتان را به یک پیاده روی جانانه میهمان کنید. بعد از پل شهرستان که ردپای ساسانیان، دیلمیان و سلجوقیان را بر خود دارد، به پل بزرگمهر که جدید است می رسید. اما بعد، دومین پل تاریخی در مسیرتان، «خواجه» است که در ۱۳۳ متر بر عرض رودخانه ساخته شده و تقریباً ۳۵۰ سال عمر دارد. تزئینات کاشی کاری

از مناره سلجوقی تا کلیسای وانک

و منارجنبان از جمله جاذبه های توریستی شمال غربی شهر هستند. منارجنبان از دو مناره و یک بقعه تشکیل شده و قدمتش به دوره ایلخانی برمی گردد. در میان همه بناهای تاریخی مختلف اصفهان، برخی ها مظلوم ترند. مثلاً مناره ها که از آن جمله عبارتند از: مناره سلجوقی مسجد علی (در میدان کهنه)، مناره سلجوقی ساربان و مناره دارالضیافه (در محله جویباره) و مناره باغ قوشخانه (در محله طوقچی). مسجد علی و هارون ولایت که از دوره شاه اسماعیل اول در محله میدان قدیم باقی مانده. محله جلفا با کلیسای تقریباً ۳۰۰ ساله وانک (که دیوارنگاره های زیبا از جمله دیوارنگاره شام آخر و موزه ارزشمندی دارد)، کلیسای مریم و کلیسای پدخیم (بیتالحم) هم از جمله مهم ترین جاذبه های توریستی اصفهان به شمار می روند. عصارخانه شاهی را که کارخانه روغن کشتی سنتی بوده، هم در بازار میدان نقش جهان ببینید.

اصفهان داشته های تاریخی مختلفی دارد که برای دیدنشان چند ساعت و چند روز به هیچ وجه کافی نیست. حتی همه آنهايي که ده ها سال در این شهر زندگی کرده اند هم نتوانسته اند همه داشته های تاریخی این شهر را یک دل سیر تماشا کنند. بنابراین پرونده نوروزی اصفهان را با نام بردن بخشی از بقیه اینیه تاریخی شهر که در این پرونده به تفصیل معرفی نشده اند، به پایان می بریم. از مدرسه چهارباغ که بیرون بروید، در ابتدای خیابان آمادگاه، به کاروانسرای مادر شاه که حالا یکی از دو هتل پنج ستاره اصفهان و یکی از مجلل ترین هتل های کشور است، می رسم. می توانید با خرید بلیت که در اصل ژتون است، ضمن دیدن برخی از فضاهای داخل بنا، چای، آش رشته یا غذایی در هتل بخورید. حمام دردشت، حمام علی قلی آقا و حمام رهنان سه حمام-موزه تاریخی واقع در شمال شهر اصفهان هستند. آتشگاه با قدمت ساسانی

غذاگردی چرب و شور و شیرین در اصفهان

اصفهان، به جز پتانسیل‌های طبیعی و تاریخی، یک برگ برنده مهم دیگر هم در زمینه جذب گردشگران دارد و آن چیزی نیست جز غذا! آنها که به غذاگردی علاقه ویژه‌ای دارند، می‌توانند حساب ویژه‌ای برای اصفهان باز کنند. رستوران‌های مختلف شهر را بگردند و غذاهای سنتی خوشمزه را امتحان کنند. برای صبحانه، حلیم شیر و عدسی را انتخاب کنید. عدسی را خیلی از شهرها دارند ولی این غذای مطلوب صبحانه، در هر شهری رنگ و بو و مزه خاص خودش را دارد؛ مثلاً در بیرجند درست شبیه خورش قیمه است و رنگ قرمز رب را دارد اما در اصفهان این غذا به رنگ تیره عدس است و حاوی عدس‌های کوبیده شده، معمولاً عدسی را با حلیم شیر در کنار هم می‌خورند و با نان داغ، به عنوان یک صبحانه مفصل اعلا میل می‌کنند. این غذا را می‌توانید از طبخ‌های مختلف سطح شهر، در نوروز تهیه کنید. تا ظهر وقت دارید که در شهر بگردید و وقتی حساسی گرسنه شدید، از میان غذاهای سنتی اصفهان که معمولاً چرب و البته لذیذ هستند، یکی را انتخاب کنید. «بریان» اولین گزینه است. غذای سنتی اصفهان که البته برای خوردنش باید به اوضاع فیزیکی‌تان توجه کنید و اگر فکر می‌کنید چربی زیاد غذا ممکن است باعث بروز مشکلاتی برایتان بشود، یا نوع رژیمی را سفارش بدهید که چربی کمتری دارد و یا پس از ناهار، خودتان را به یک پیاده‌روی حداقل یک ساعته میهمان کنید! بریان از گوشت گردن که بدون ادویه و فقط با پیاز پخته و از استخوان جدا و چرخ شده، درست می‌شود. این گوشت پخته چرخ شده بعداً در کفگیر مخصوص بریان مزه‌دار و سرخ می‌شود. بنابراین پیشخدمت برایتان یک سینی می‌آورد که در آن نان تازه است و داخل نان، بریان است که با ربحان و مغز بادام و گردو و دارچین تزئین شده. کنار بریان، جگر سفید هم می‌گذارند. جگر سفید یا شش در این غذا فقط پخته می‌شود دیگر سرخ نمی‌شود. طرف دومی هم برایتان می‌آورند که آبگوشت بریان را دارد و با کشک و تکه‌های نان سرو می‌شود. برای همین است که این غذا را بیشتر برای کسانی که فعالیت فیزیکی زیادی دارند یا جوان‌ترها توصیه می‌کنند. گاهی کنار بریان خرما هم می‌گذارند که به هضم غذا کمک می‌کند. دومین گزینه غذاگردان در اصفهان، «قیمه‌ریزه» است که به لهجه اصفهانی با عنوان «قرمز»





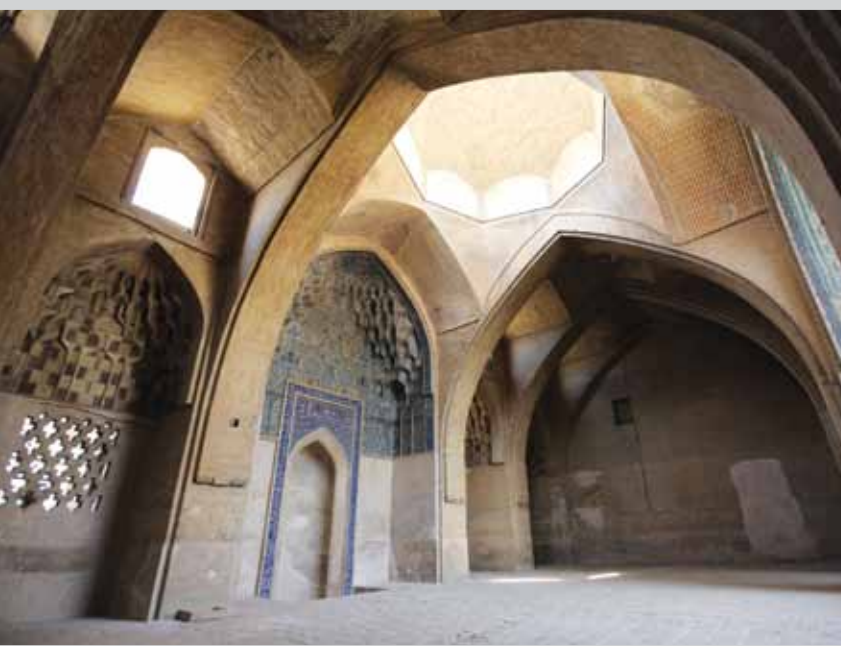
زندگی هزار ساله در زنده‌ترین مسجد ایران؛ مسجد جامع اصفهان

هست، تنها و در سکوت بگردد. بقایای ستونی که ۱۴۰۰ سال پیش نیایشگاه ساسانی بوده را تماشا کنی. از آفتاب به سایه ایوان صاحب پناه ببری و در دلت به سلجوقیان که ۱۰ قرن پیش فضای ستون‌دار شبستانی (طرح مساجد عربی) بنا را به مسجد چهار ایوانی (طرح ویژه بناهای ایرانی) تبدیل کردند، آفرین بگویی. گنج‌بری‌های محراب ۷۰۰ ساله اولجایتو، خوش سلیقگی ایلخانی را برایت مسجل کند. برای خودت صاحب بن عباد را تصور کنی که در ایوان جنوبی جایی که به «صفه صاحب» شناخته می‌شود، درست رو به روی ایوان شمالی، یعنی «صفه درویش»، در میان شاگردانش نشسته به تدریس. مصلی مظفری را هم می‌توانی تصور کنی و بعد به مردمی فکر کنی که هر روز نماز صبح، نماز ظهر و عصر یا نماز مغرب و عشا را در شبستان تیموری، روی سکوی

کاخ ۱۵۰ ساله دلمه باغچه نیست که بلیط ۲۷ هزار تومانی بخری، از روبه‌روی سرپازی که به احترام، بی‌حرکت، جلوی دروازه ایستاده رد شوی، روی کفشت پلاستیک بپوشی، منتظر بمانی تا تور انگلیسی زبان آغاز شود. بعد آرام و به صف همراه گروه توریست‌ها قدم بزنی، به حرف‌های لیدر گوش بدهی، اجازه عکاسی نداشته باشی، اتاق‌ها را تماشا کنی و ببینی آتاتورک در چه ساعتی در کدام اتاق بدرود حیات گفته یا در کدام اتاق ناهار می‌خورده و شاهان عثمانی چه تزییناتی برای کاخ انتخاب کرده‌اند، احتیاجی هم نیست که حواست به ساعت و روز هفته و ماه باشد تا یک وقت با در بسته بنا رو به رو نشوی. اینجا می‌توانی در بازار قدیم بگرددی و بعد بررسی به ورودی ۲۰۰ ساله مسجد جامع اصفهان. آرام از در قدیمی وارد شوی، بلیط ۱۵۰۰ تومانی بخری. در گوشه و کنار بنایی که رد پای اقوام مختلف در آن

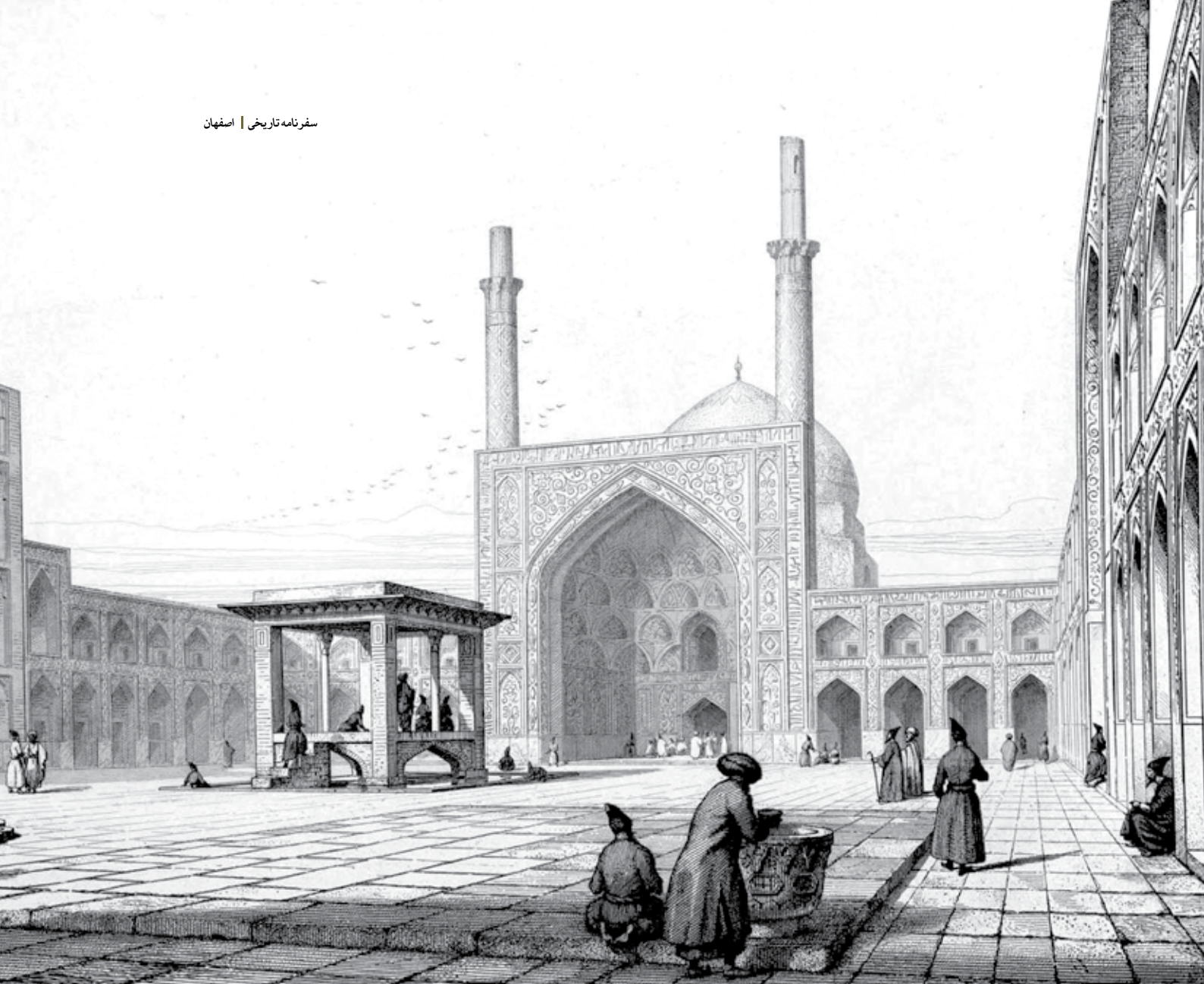


عکس حمیدرضا نیکومرام



بخش‌هایی به مسجد جامع افزودند. اما هیچ وقت بنا، ناقص نبود. در هر دوره معماری کامل بود و بناهای الحاقی صرفاً مفهومی جدید از زمانه خودشان را به مکانی که از ابتدا مکانی مقدس و محل عبادت بوده، افزوده‌اند. به تابلوهای راهنما نگاه کنید، بیت‌الشتا، محراب اولجایتو، گنبد نظام‌الملک، گنبد تاج‌الملک، صفا صاحب، صفحه شاگرد و ردپای هزار سال معماری ایرانی را با تامل و تمایز ببینید. مسجد جامع را باید آرام دید. باید آرام میان ستون‌ها، زیر گنبدها و طاق‌هایش قدم زد و بعد ساعتی، گوشه‌ای ماند برای درک روح بنایی که روزگاران دراز است به بخشی از زندگی مردم، تبدیل شده. هنوز بعد از هزاران سال، زندگی در مسجد جامع اصفهان جریان دارد؛ همان طور که زیر پل خواجو، روی سی‌وسه پل و میان میدان بزرگ نقش جهان.

آجری قاجاری حیاط، داخل یا حتی روی بام مسطح شبستان زمستانی صفوی می‌خواندند؛ مردمی که هنوز هم هستند. هنوز از ساعتی پیش از طلوع، پیش از نیمه روز و پیش از غروب، مسجد جامع برای میزبانی‌شان آماده می‌شود. تابلوی بلیط فروشی برداشته می‌شود، درهای ورودی به فضاهایی غیر از فضاهای آماده شده برای نماز، بسته می‌شوند و فرش‌ها پهن. بنای ۱۴۰۰ ساله می‌شود مسجد بزرگ جامع که گره خورده به زندگی مردان، زنان و کودکانی که از دکان‌های بازار، خانه‌های اطراف یا حتی محله‌های دورتر به مسجد جامع اصفهان می‌آیند برای نماز، به دنبال آرامش، برای لختی ماندن و آسودن حتی! مسجد جامع را نمونه بی‌نظیر معماری می‌دانند؛ عباسیان، آل بویه، سلجوقیان، مغولان، آل مظفر، تیموریان، صفویان هر کدام که آمدند،



متن و عکس مهدی تمیزی
عکاس و پژوهشگر هنر

اصفهان و گردشگران فرنگی. بخش سوم - ناصر خسرو قبادیانی

اصفهان؛ جامع، آباد، نیکو و برهامون نهاده

سفری از بصره، مکه و یمانہ تا مہروبان، ارجان، لردگان، خان لنجان و اصفهان

قاهره می رود و باز به خانه خدا مشرف می شود. ناصر خسرو شش ماه در مکه می ماند و سپس با کاروانی به یمانہ رفته و از آنجا به اصفهان می آید. شاید بخش زیادی از نامداری ناصر خسرو در بین ایرانیان، به مناسبت سفرنامه هایی باشد که زیبا نگارش شده اند و از آن جمله، سفرنامه اصفهان است که جایگاه ویژه ای در این میان دارد.

لردگان و لنجان

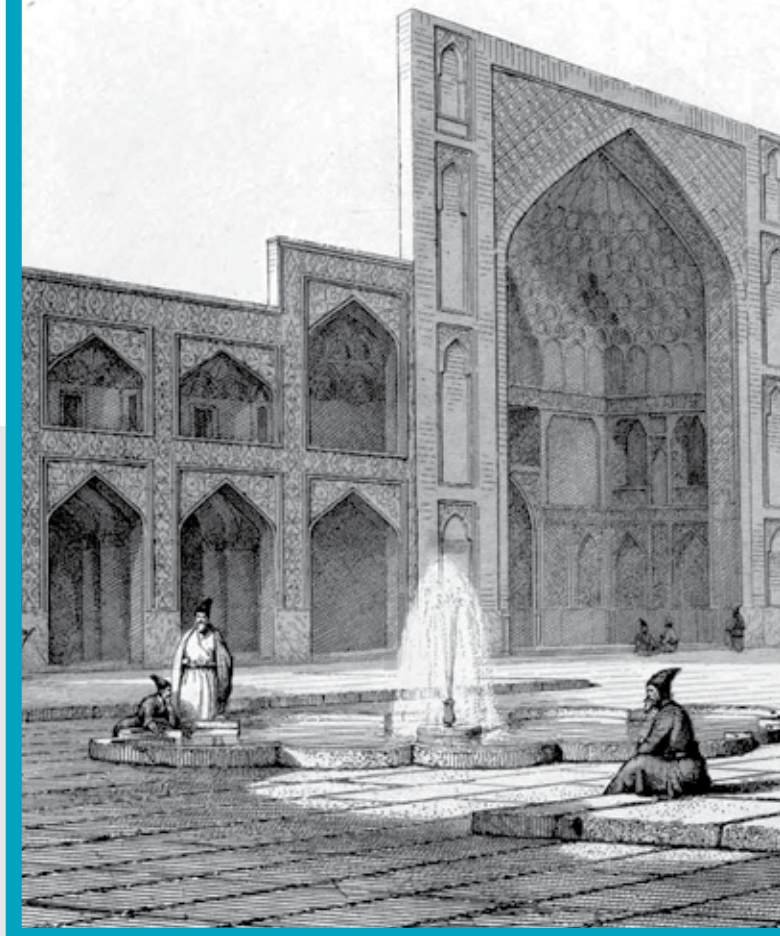
ناصر خسرو از مکه به یمانہ رفته است. سپس از مسیر لرحسلا (۲) و بصره وارد آبادان شده و از راه مہروبان (۳)، ارجان (۴)، لردگان (۵)، خان لنجان (۶) به اصفهان رسیده است. او در این باره نوشته: «و اول محرم از آنجا برقتیم و به راه کوهستان روی به اصفهان نهادیم. در راه به کوهی رسیدیم؛ دره تنگ بود. عام گفتندی این کوه را بہرام گور به شمشیر بریده است و آن را «شمشیر برید»

حدود ۹۵۰ سال پیش «ناصر خسرو قبادیانی» (۱) به اصفهان سفر کرد. او گردشگری دانشمند و سخنندان بود که سخن های فراوانی از او شنیده ایم. آن چنان که نه تنها آنان که اهل خواندن تاریخ اند، بلکه مردم نیز او را - دست کم - بیشتر از دیگر گردشگران می شناسند. ناصر خسرو در جوانی به یادگیری علوم زمانه خود پرداخت و تا ۴۲ سالگی در دربار، به دبیری مشغول بود. سپس برای جست و جو، سیاحت و زیارت، دیدن جهان، پیدا کردن واقعبیت ها و آزمودن بخت خویش، سفر را آغاز کرد. او کار دبیری را رها کرد و به نیت سفر قبیله، راهی شد. در سال ۴۱۵ ق. از مرو به سرخس رفته و شهرها را یکی پس از دیگری می بیند. شهرهایی چون: نیشابور، بسطام، سمنان، ری، قزوین، تبریز، خوی، مرند. سپس از راه حلب، طرابلس، بیروت، صیدا، صور، عکا و حیفا به بیت المقدس می رسد. این سفر یک سال طول می کشد. پس از آن از قدس به مکه رفته و دوباره از راه شام، خود را به قدس می رساند. او دوباره از راه رودخانه نیل و با کشتی به

۱ حکیم ابو معین ناصر بن خسرو بن حارث قبادیانی بلخی معروف به ناصر خسرو، زادروز: ذی القعدة ۳۹۴ ق. در قبادیان « مرو » و در گذشته به سال ۴۸۱ ق. در یمگان « بدخشان ».

۲ لخصا: ناصر خسرو می نویسد: « چون از لخصا به جانب مشرق روند هفت فرسنگی در یاست. اگر در دریا بروند بحرین باشد [...] و اگر از لخصا سوی جنوب بروند به عمان رسند [...] در شهر لخصا گوشت همه حیوانات فروشد، چون گربه و سگ و خر و گاو و گوسپند و غیره؛ و هر چه فروشد، سر و پوست آن حیوان نزدیک گوشتش نهاده باشد تا خریدار داند که چه می خرد؛ و آنجا سگ را فربه کنند همچون گوسپند تا از فربهی چنان شود که نتواند رفتن. بعد از آن می کشند و می خورند.» ۳ مهروبان: ماهی روبان. در فارسنامه ابن بلخی آمده است: « شهری است بر کنار دریا؛ هر که از پارس به راه خوزستان به دریا رود و آن که از بصره و خوزستان به دریا رود، همگان را راه آنجا باشد.» ۴ ارجان: شهری بود بزرگ و نخل و زیتون و آب فراوان داشت و بازارهای عالی، بین آن تا شیراز، شصت فرسنگ و بین آن تا سوق الاهواز نیز شصت فرسنگ راه بوده است. این شهر در قرن هفتم قمری مورد حمله و تاراج « اسماعیلیان » واقع شد و دیگر رونقی نگرفت و مردم آنجا به شهر مجاورش « بهبهان » کوچ کردند. ۵ لردگان: لوردگان، یکی از شهرهای استان چهارمحال و بختیاری و در هشتاد کیلومتری جنوب شهرکرد جای دارد. ۶ خان لنجان: « گای لسترنج » (ایرانشناس بریتانیایی) نوشته است: « ظاهراً در قرن هشتم هجری قمری شهری بزرگ بوده که در ساحل راست زاینده رود - آخرین نواحی چهارگانه جنوب زاینده رود - جای داشته است. مهم ترین شهر این ناحیه فیروزان بوده که امروز اثری از آن باقی نیست. » ابن بطوطه (جغرافیدان و گردشگر نامدار مغربی) که از آنجا عبور کرده نیز نوشته است: « در شش فرسخی اصفهان است. در قرن چهارم هجری قمری خان لنجان از حیث فراوانی میوه و حاصلخیزی زمین معروف بود. این اسم غالباً به صورت خالنجان یا خولنجان نوشته می شد و به نام خان ابرار، یعنی کاروانسرای نیکوکاران نیز شهرت داشت.» ۷ بارزو: قلعه. حصار دورتادور شهر.

منابع: - اصفهان از دید سیاحان خارجی، فیروز اشراقی، نشر آتروپات، اصفهان، ۱۳۷۸. - فرهنگ نامه معماری ایران در مراجع فارسی، ج ۲، زیر نظر: سیدمحمد بهشتی و مهرداد قیومی - بیدهندی، نشر دانشنامه تاریخ معماری ایران شهر، ۱۳۸۹. - سفرنامه ناصر خسرو، بخش ۹۳ و ۹۴. - لغت نامه دهخدا.



همچنین دربندها و دروازه های محکم؛ و کاروانسراهای پاکیزه بود؛ و کوچی ای بود که آن را کوپراطر می گفتند و در آن کوچی، پنجاه کاروانسرای نیکو و در هر یک بیاعان و حجره داران نشسته؛ و این کاروان که ما با ایشان همراه بودیم، یک هزار و سیصد خروار بار داشتند که در آن شهر رفتیم؛ هیچ بازدید نیامد که چگونه فرود آمدند؛ که هیچ جا تنگی موضع نبود و نه تعذر مقام و علوفه. جهانگرد بلخی از خواجه عمید هم در سفرنامه اش نام آورده و گفته: « و چون سلطان طغرل بیک ابوطالب محمد بن میکائیل بن سلجوق، رحمه الله علیه، آن شهر بگرفته بود، مردی جوان آنجا گماشته بود، نیشابوری، دبیری نیک با خط نیکو. مردی آهسته، نیکو لقا و او را «خواجه عمید» می گفتند. فضل دوست بود و خوش سخن و کریم و سلطان فرموده بود که سه سال از مردم هیچ چیز نخواهند و او بر آن می رفت. و پراکندگان همه روی به وطن نهاده بودند. و این مرد از دبیران سسوری بود. اصفهان هزار سال پیش هوش از سر ناصر خسرو برده است تا جایی که در سفرنامه اش تاکید می کند: « من در همه زمین پارسی گوین، شهری نیکوتر و جامع تر و آبادتر از اصفهان ندیدم. و گفتند اگر گندم و جو و دیگر حبوب، بیست سال بنهند، تباہ نشود. و بعضی گفتند پیش از این که بارو (۷) نبود، هوای شهر، خوش تر از این بود و چون بارو ساختند متغیر شد. اما هوای روستا همچنان است که بود.» ناصر خسرو قبادیانی ۲۰ روز را به دیدن اصفهان اختصاص می دهد و در ۲۸ صفر سال ۴۴۴ ق این شهر را ترک می کند تا سفرهای طولانی اش به اقصی نقاط ایران و کشورهای دیگر را ادامه دهد.

می گفتند و آنجا آبی عظیم دیدیم که از دست راست ما از سوراخ بیرون می آمد و از جایی بلند فرو می دود؛ و عوام می گفتند این آب به تابستان مدام می آید و چون زمستان شود باز ایستد و یخ بندد. این جهانگرد بلخی در مسیرش به « لوردگان » رسیده که به قول خودش، تا « ارجان » چهل فرسنگ فاصله داشته است. او نوشته: « این لوردگان سر حد پارس است. و از آنجا به « خان لنجان » رسیدیم و بر دروازه شهر نام سلطان طغرل بیک نوشته دیدم. و از آنجا به شهر اصفهان هفت فرسنگ بود. مردم « خان لنجان » عظیم ایمن و آسوده بودند هر یک به کار و کدخدایی خود مشغول.»

اصفهان

ناصر خسرو قبادیانی هشتم صفر ۴۴۴ قمری برابر سال ۱۰۶۵ میلادی، او ۱۸۰ فرسنگ راه از بصره تا اصفهان پیموده است و در توصیف این شهر نوشته: « شهری است بر هامون نهاده، آب و هوایی خوش دارد؛ و هر کجا ده گز چاه فرو برند، آبی سرد خوش بیرون آید؛ و شهر دیواری حصین بلند دارد، و دروازه ها و جنگ گاهها ساخته، و بر همه بارو و کنگره ساخته؛ و در شهر، جوی های آب روان و بناهای نیکو و مرتفع؛ و در میان شهر، مسجد آدینه بزرگ نیکو؛ و بازارهای بسیار. بازار اصفهان، یکی از مکان هایی است که تعجب و تحسین ناصر خسرو را برانگیخته تا جایی که می گوید: « بازاری دیدم از آن صرافان که اندر آن دویست مرد صراف بود؛ و هر بازاری را دربندی و دروازه ای؛ و همه محله ها و کوچی ها را

گفت و گوی «گردشگر» با مدیر کل دفتر هواپیمایی ترکیه در اصفهان تلاش می‌کنیم هر سال گردشگران خارجی بیشتری را به اصفهان بیاوریم

معرفی کلاس تجاری، بیزنس لانج، فم‌تریپ و نگاهی به فعالیت‌های ترخیص ایرلاین در اصفهان

تاثیرگذار و البته قابل تقدیر. به بهانه آغاز سومین سال فعالیت هواپیمایی ترکیه در اصفهان پای صحبت‌های مدیر کل دفتر اصفهان این شرکت هواپیمایی نشستیم. بخش‌هایی از گفت و گوی یک ساعته ما با زکریا کوروچام را در ادامه می‌خوانید. این گفت و گو به زبان انگلیسی انجام شد و خلاصه‌ای از متن اصلی صحبت‌ها نیز در بخش انگلیسی مجله منتشر شده است.

هواپیمایی ترکیه این روزها نام آشناتری برای اصفهانی‌هاست؛ چراکه مسیرهای زیادی را برابمان کوتاه‌تر کرده. حالاً بیش از دو سال است که این هواپیمایی پروازهای مستقیمی از اصفهان به استانبول دایر و رفت و آمد خارجی‌ها به اصفهان و اصفهانی‌ها به استانبول و ۳۶۷ مقصد گردشگری در سراسر جهان را تسهیل نموده؛ کاری بسیار مهم؛





زکریا کوروچام، ۱۰ سال پیش، دانشجوی ادبیات انگلیسی بود و در عین حال در کمیته‌های مختلف کار می‌کرد. یکی از این کمیته‌ها، یک شرکت بین‌المللی صادرات و واردات بود که در بازارهای آفریقا و ترکیه فعالیت می‌کرد. کوروچام کار در این کمیته را رها کرد و به شرکت هواپیمایی ترکیش ایرلاین پیوست. در بخش بازرگانی دفتر این هواپیمایی در کشور کویت شروع به فعالیت کرد، مدیر بازرگانی شد و سپس به ایران آمد و سمت مدیر کل دفتر ترکیش ایرلاین در اصفهان را بر عهده گرفت. حالا او نزدیک به ۸ ماه است که در اصفهان زندگی می‌کند، هر هفته به کشورها و شهرهای مختلف سفر و تلاش می‌کند گردشگران بیشتری را به اصفهان بیاورد. کوروچام که در کودکی از پرواز می‌ترسید، حالا چند سال است که در شرکت هواپیمایی ترکیش کار می‌کند و پروازهای هفتگی به کشورها و شهرهای مختلف، به بخش جدایی‌ناپذیر شغل او تبدیل شده است؛ ویژگی‌ای که حالا مورد علاقه اوست و خود او نیز تأکید می‌کند، چنین است: «مهم‌ترین حسن کار کردن در ترکیش ایرلاین برای من این بوده که حالا تعداد بی‌شماری دوست از فرهنگ‌ها، زبان‌ها و ملیت‌های مختلف در سراسر جهان دارم چون بخشی از وظیفه من سفر به کشورهای مختلف و معرفی شهر محل فعالیتیم است. هفته گذشته، برای معرفی اصفهان در نمایشگاه گردشگری به میلان رفته بودم و هفته بعد هم به برلین می‌روم تا در نمایشگاه ITB شرکت و اصفهان را در این نمایشگاه‌ها معرفی کنم و این بهترین ویژگی شغل من است.»

ایران و ترکیه تاریخ و فرهنگ مشترکی دارند

دوست دارم اول از همه بگویم، من واقعاً خوشحالم که در اصفهان هستم و اصفهان را خیلی بیشتر از بقیه شهرهای ایران دوست دارم. حالا ۸ ماه است که به این شهر آمده‌ام و در این مدت واقعا از زندگی در اصفهان لذت بردم. مخصوصاً که زاینده‌رود دوباره در شهر جریان پیدا کرده و من از این موضوع بسیار خوشحالم. اصفهان یکی از مقاصد ما در ترکیش ایرلاین است. این شرکت هواپیمایی، از ۶ شهر ایران (تهران، شیراز، تبریز، کرمانشاه، مشهد و اصفهان) به مقصد استانبول پرواز برقرار کرده است و باید این خبر خوب را به شما بدهم که از ۱۵ مارچ، اهواز هم به مقاصد ما در ایران اضافه می‌شود. بنابراین شبکه پروازهای ترکیش ایرلاین در ۷ شهر ایران گسترش پیدا کرده که این فوق‌العاده است که ما به یکی از

مهم‌ترین شرکت‌های هواپیمایی فعال در ایران تبدیل شده‌ایم. می‌دانید که ترکیه و ایران تاریخ مشترک عمیقی با هم دارند و مهم‌تر از همه این که چیزی حدود پانصد تا ششصدسال است که این دو کشور هیچ مشکلی با هم نداشته‌اند و این واقعا قابل تامل و تحسین است. به همین دلیل ما، مردم ترکیه از زندگی در ایران و کار کردن در این کشور دوست و همسایه، بسیار خوشحال هستیم. زبان و فرهنگ ترکیه و ایران کاملاً شبیه هم هستند. جالب است بگویم که ما بیشتر از ۸ هزار کلمه در زبان ترکی داریم که ریشه‌شان از زبان فارسی است و این مساله علاقه ما را به زبان فارسی و ایران بیشتر می‌کند. می‌خواهم بگویم همه ما کارکنان هواپیمایی ترکیش که در ایران کار می‌کنیم، واقعا عاشق این کشور هستیم و خیلی خوشحالیم که در اینجا کار می‌کنیم.



اصفهان‌ها سفر و ترکیش ایرلاین را دوست دارند

ما فعالیت‌ها را در اصفهان از ۱۹ دسامبر ۲۰۱۲ آغاز کردیم و حالا وارد سومین سال فعالیت ترکیش ایرلاین در اصفهان شده‌ایم. در نوامبر ۲۰۱۳ تعداد پروازها از اصفهان را به دو برابر افزایش دادیم. به عبارتی، تا پیش از این، فقط ۲ پرواز داشتیم ولی از این تاریخ به بعد، هر هفته ۴ پرواز اصفهان-استانبول انجام می‌شود. خبر خوب این است که در نوروز این تعداد را هم افزایش می‌دهیم. معتقدم تا اینجا بسیار خوب کار کرده‌ایم و دلایل حمایت‌های دوستان ما در سازمان هواپیمایی کشور، اداره کل فرودگاه‌های اصفهان، وزارت امور خارجه، شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران، سازمان میراث فرهنگی، اداره گذرنامه، استانداری اصفهان، آژانس‌های خدمات مسافرتی و هتل‌ها بوده‌اند. در سال ۲۰۱۴ ما بیشتر از ۴۴ هزار مسافر را جا به جا کردیم و این یعنی ۸۰ درصد افزایش نسبت به آمار سال قبل. به عبارتی مشخص است که اصفهان‌ها شرکت هواپیمایی ترکیش را دوست داشته‌اند و البته سفر کردن را! این نکته ما را بسیار خوشحال کرد و باعث شد در تلاش‌هایمان مصمم‌تر شویم.

در سال ۲۰۱۴ هفت هزار نفر با پرواز مستقیم ترکیش به ایران آمدند!

مسافران ما در پروازهای اصفهان اکثراً ایرانیان ساکن خارج از کشور هستند که بیشتر از کشورهای آمریکایی و شمال یا مرکزی اروپا به اصفهان می‌آیند تا وطنشان را ببینند. بارها پیش آمده که مسافری به دفتر من آمده و به خاطر برقراری این پروازها از ترکیش ایرلاین تشکر کرده‌اند و گفته‌اند حالا بیشتر از قبل می‌توانند به خانواده و فامیلشان در اصفهان سر بزنند.

ترکیش ایرلاین اصفهان را به مدیران آژانس‌های خارجی معرفی می‌کند

یکی از فعالیت‌های مهم هواپیمایی ترکیه در اصفهان، برگزاری فم‌تریپ (FAM Trip) است. فم‌تریپ‌ها برنامه‌های مسافرتی هستند که ترکیش ایرلاین به عنوان اسپانسر در برگزاری آنها دخیل است. به این صورت که یک آژانس یا توراپراتور در اصفهان یا هر مقصد دیگری، به عنوان اسپانسر دوم انتخاب می‌شود. تعدادی از مدیران آژانس‌هایی که پتانسیل برگزاری تور به اصفهان را دارند، دعوت می‌شوند. ترکیش ایرلاین تعدادی بلیت رفت و برگشت رایگان تقبل می‌کند و آژانسی در اصفهان، مسولیت برگزاری تور و فراهم کردن اقامت، ترانسفر و مابقی سرویس‌ها را برای سه روز، برعهده می‌گیرد. مدیران این آژانس‌ها در سفر به اصفهان با این شهر، پتانسیل‌هایش و پکیج‌هایی که آژانس‌های اصفهان ارائه می‌دهند، آشنا می‌شوند. به عبارتی از این به بعد با آگاهی عمیق‌تری می‌توانند گردشگرانی به اصفهان جذب کنند. جدیدترین تور آشنایی که در اصفهان برگزار کردیم، دو ماه پیش بود. مدیران تعدادی از آژانس‌های قونیه به اصفهان آمدند. این شهر به دلیل وجود آرامگاه مولانا، برای ایرانی‌ها آشناست. ما سعی کردیم این آشنایی برای مردم قونیه هم ایجاد شود. رئیس سازمان گردشگری قونیه و رییس میراث فرهنگی منطقه کارامان هم در برگزاری این تور بسیار کمک کردند و مدیران ۲۰ هتل و آژانس قونیه به اصفهان آمدند. نتیجه هم بسیار خوب بود و در جلساتی که داشتیم، چند قرارداد همکاری دوسویه امضا شدند. در سال ۲۰۱۴ ما چند تور آشنایی برگزار کردیم که از کشورهای کرواسی، هلند، ایتالیا و آلمان بودند. در سال ۲۰۱۳ هم از تورهای آشنایی دیگری از کشورهای دیگر داشتیم. بیشتر البته متعهدیم که مدیران آژانس‌های خارجی را به اصفهان بیاوریم و بتوانیم در افزایش تورهای خارجی اصفهان نقش داشته باشیم. هر سال حدود ۱۰ تور آشنایی برگزار می‌کنیم که ۸ تور ورودی هستند و ۲ تور خروجی.

امیدواریم در انتهای سال ۲۰۱۵، ۶۵ درصد افزایش مسافر داشته باشیم

در ابتدای سال ۲۰۱۵ یک جلسه بسیار مهم با تیم بازرگانی‌مان داشتیم و اهدافمان را تعیین کردیم. ما ۲ سناریو را دنبال می‌کنیم؛ در سناریوی اول ما فقط ۴ پرواز داریم و در سناریوی دوم اجازه افزایش پروازها را گرفته‌ایم و این تعداد به ۷ یا بیشتر رسیده است. البته این به اجازه رسمی دولتی و سازمان هواپیمایی کشوری برمی‌گردد. هفته گذشته ما در تهران جلسه بسیار مهمی با آقای دهقان (مدیرکل دفتر نظارت بر فرودگاه‌ها، شرکت‌ها و موسسات هوانوردی) داشتیم. آنها هم تا اینجای حمایت‌های زیادی از دفتر اصفهان هواپیمایی ترکیه کرده‌اند و ما بسیار سپاسگزارشان هستیم. بنابراین امیدواریم که تا پایان سال ۲۰۱۵ با افزایش ۶۵ درصدی در تعداد مسافران رو برو باشیم؛ یعنی ان شاء الله در پایان سال جاری میلادی، ۷۰ هزار مسافر (یعنی بیش از ۶۵ درصد افزایش در تعداد مسافران در پرواز خواهیم داشت.



مستقیم از اصفهان به یکی از فرودگاه‌های بزرگ جهان

پرواز بین دو کشور به توافق‌نامه امضا شده بین آنها بستگی دارد. هر کشور، یک شهر را به عنوان مادر (Hub city) معرفی می‌کند و پروازها بین دو شهر مادر از دو کشور انجام می‌شوند. ترکیب ایرلاین استانبول را معرفی کرده است. اما شاید در آینده بتوانیم مجوز پرواز مستقیم از اصفهان به شهرهای دیگر ترکیه را هم بگیریم. البته در حال حاضر نیازی احساس نمی‌شود و مسافران به راحتی می‌توانند از استانبول به شهرهای دیگر و البته ۲۶۷ مقصد مختلف در ۱۰۸ کشور جهان بروند. ترکیب ایرلاین در حال حاضر به عنوان اولین شرکت هواپیمایی دنیا از لحاظ کشورهای مقصد پرواز شناخته می‌شود به صورتی که به بیشتر کشورها، پروازهای روزانه داریم و حتی برای برخی مسیرها، تا ۸ پرواز در روز هم وجود دارد. فرودگاه آتاتورک در استانبول، جزو پررونق‌ترین فرودگاه‌های جهان است.

راحتی و امکانات بسیار ویژه برای خریداران بیزنس کلاس

در هواپیمای ترکیب ایرلاین ما ۳ نوع کابین مختلف داریم که به ترتیب عبارتند از: بیزنس کلاس، کامفورت کلاس و اکونومی کلاس. در بیزنس کلاس که بهترین است، اجازه داشتن ۱۰ کیلو بار بیشتر و اجازه استفاده از سالن تجاری (Business Lounge) را خواهید داشت. سالن تجاری هواپیمایی ترکیه در فرودگاه آتاتورک استانبول که مخصوص میهمانان کلاس پروازی تجاری است از برخی فرودگاه‌های دنیا هم بزرگ‌تر است و توانایی میزبانی بیش از هزار نفر را به طور همزمان دارد. کترینگ ۲۴ ساعته صبحانه و ناهار و شام، کتابخانه، زمین بازی برای بچه‌ها، مسجد، سینما، زمین گلف، ماساژ، محل استراحت و حمام همه از جمله امکانات ویژه این سالن برای مسافران کلاس تجاری است. می‌توانید از خروجی مخصوص این کلاس وارد سالن تجاری شوید، منتظر کنترل پاسپورت نشوید چون در سالن تجاری، بدون اینکه در صفی معطل شوید، پاسپورتتان چک خواهد شد.

اصفهان یکی از بهترین مقاصد گردشگری دنیا است!

اجازه بدهید در جواب سوالی که گفتید، برقراری پروازهای مستقیم ترکیب از اصفهان چه تاثیری بر صنعت توریسم این شهر دارد، بگویم خود شهر اصفهان، بدون ترکیب و هرگونه شرکت هواپیمایی، بدون هتل‌ها و توره‌ها، شهر فوق‌العاده زیبایی است؛ بنابراین هر کسی در دنیا اگر به این شهر بیاید، بدون شک دوستش خواهد داشت و مقصد بسیار خوبی برای گردشگران است. اما معلوم است که برای ارتقای یک مقصد گردشگری لازم است امکاناتی فراهم شود تا مسافران بیشتر و راحت‌تر بتوانند رفت و آمد داشته باشند. باید هتل‌های مختلفی داشته باشید، باید راهنمایان تور خبره وجود داشته باشند. باید شرکت‌های هواپیمایی پروازهای مختلفی به این مقصد برقرار کنند و خوب می‌توانم ادعا کنم از سال ۲۰۱۲ که شرکت هواپیمایی ترکیب در اصفهان شروع به کار کرد، اوضاع صنعت توریسم این شهر هر روز بهتر شده است. من معتقدم در سال‌های اخیر تعداد گردشگران اصفهان با سرعت افزایش پیدا کرده. در این سال‌ها ما گروه‌های زیادی از کشورهای ایتالیا، آلمان، فرانسه، اسپانیا، دانمارک، آمریکا، بلژیک و سوئد داشتیم که مستقیم به اصفهان آمده‌اند. یکی از دلایل استقبال خارجی‌ها در سال‌های اخیر هم این بوده که به لطف و تدبیر وزارت امور خارجه، دیگر احتیاجی به طی کردن روند طولانی اخذ ویزا ندارند و در فرودگاه ویزایشان را دریافت می‌کنند. خوشبختانه در اصفهان هم این روند سریع‌تر از شهرهای دیگر انجام می‌شود تا جایی که حداکثر زمان اخذ ویزای فرودگاهی نیم ساعت است و این رغبت برای استفاده از پرواز مستقیم به اصفهان را بیشتر کرده است.

همکاری ارگان‌ها، اصل مهم ارتقای اصفهان به عنوان یک مقصد گردشگری است

برای ارتقای یک مقصد گردشگری، همکاری بین ارگان‌های مختلف از جمله هتل‌ها، شرکت‌های هواپیمایی، آژانس‌های هواپیمایی، نهادهای مرتبط با گردشگری در مقصد و سازمان میراث فرهنگی آن شهر، خیلی مهم و حیاتی است. همه باید با هم همکاری کنند. خدا را شکر در اصفهان این همکاری وجود دارد. فقط به نظرم مهم‌ترین کار این است که در سریع‌ترین زمان ممکن تعداد هتل‌های خوب اصفهان را افزایش دهیم. ما الان در فصل کم‌رونق گردشگری خارجی هستیم، اما هتل‌های اصفهان پر هستند. بنابراین به یک همکاری جدی در این بخش نیاز داریم.

در پروازهای ترکیب از اصفهان، مهمانداران به زبان فارسی صحبت خواهند کرد

وقتی یک مقصد را به مقصدهای پروازی‌مان اضافه می‌کنیم، معنی‌اش این است که به همه جنبه‌های مختلف آن مقصد فکر می‌کنیم. مثلاً می‌دانیم که ایرانی‌ها دوست دارند در پرواز، سرمهماندار همان‌طور که به انگلیسی و ترکی خوش آمد می‌گوید و مواردی را اعلام می‌کند، به فارسی هم این کار را انجام بدهد، بنابراین فارسی را هم اضافه کردیم. همچنین به زودی مهماندارانی که به فارسی صحبت می‌کنند هم در پروازهای مستقیم حضور خواهند داشت.

برگردان سفرنامه مادام دیولافوی از فرانسه به فارسی - بخش سوم

از جلفای ارمنستان تا جلفای اصفهان

سفر به اصفهان عهد ناصری با باستان‌شناس فرانسوی

پیش‌تر خواندیم تا به اینجا که مادام دیولافوی از پدرمقدس این سوال را پرسید که «سرآغاز مهاجرت ارمنه رها شده در قلب یک کشور مسلمان چیست و پایه و اساس آن به چه دورانی باز می‌گردد؟». پدرمقدس برای مادام دیولافوی و همسرش، شرح ماجرا را از «آرامی‌ها» در ۱۸۰۰ پیش از میلاد آغاز کرد؛ سپس از مواردی چون «شورای کلسدون»، «انشعاب مذهبی که باعث جدایی ارمنه از یونانیان شد»، «دوران سلطنت لوون ششم» و «رقابت ارمنه با بنی اسرائیل در کارهای بازرگانی» سخن گفت. اکنون ادامه گزارش پدرمقدس را دنبال خواهیم کرد:

کلیسای سنت ارمیا، اصفهان



«هنگامی که شاه عباس در سال ۱۵۸۵ م. تصمیم به جابه‌جایی پایتخت از قزوین به اصفهان می‌گیرد، تنها نگران آراستن محل اقامت جدیدش نبود. او به دنبال ثروت و صنعتی شدن بود. به این منظور، پادشاه صوفی (۱) به ارمنه‌ای که می‌خواستند در اینجا اصفهان ساکن شوند، چندین امتیاز اعطا کرد؛ از جمله مجوز فعالیت آزادانه در امور مذهبی و نیز در اختیار گذاشتن سرمایه. اما به دیدگاه مسیحیان در این فراخوان اعتنایی نشده بود. او آشاه عباس اول به همه ساکنان جلفا (۲) دستور جابه‌جایی بی‌درنگ از راه مرزهای کنونی (۳) روسیه و ایران را داد. مهاجرتی اجباری که به مذاق ارمنه خوش نیامد. آنها به چشم پوشی از این فرمان می‌کوشیدند؛ اما در نهایت آن را می‌پذیرند. برای اجبار به ترک میهن‌شان، پادشاه صوفی، همه چشمه‌ها را خشک می‌کند، قنات‌ها را پُر می‌کند، پل‌ها را ویران می‌کند و شهر را به جایی فحطی زده تبدیل می‌کند. جلفایی‌ها مجبور به ترک یک کشور عقیم و بی‌حاصل می‌شوند. خانواده و گله‌هایشان را با خود به سوی اصفهان می‌برند. تعداد زیادی از آنها در میانه راه می‌میرند. برخی نیز در روستاهایی که در آنها پناه گرفته بودند، ساکن می‌شوند. با این وجود، ۱۶۰ هزار نفر به پایتخت ایران اصفهان وارد شدند. شاه عباس در وفای به عهدش، زمین‌های دست راستی ساحل زنده رود را به ایشان واگذار می‌کند. همچنین به ایشان مجوز داده می‌شود که میهن جدیدشان را به نام شهر ویران شده شان [جلفا] بنامند. کلیساهای موقوفه برای مراسم مذهبی مسیحیان ساخته می‌شود. پل‌هایی نیز برای آمد و شد ارمنه ساخته می‌شود تا در هر زمانی به داخل بازارها و کاروانسراهای شهر مسلمانان آمد و شد کنند. همچنین حمایتی بسیار هوشمندانه از منافع مهاجران تازه وارد در انحصاری کردن تجارت در سراسر ایران و جذب آنها در نمایندگی‌های تروتمند محصولات چینی و هندی شکل می‌گیرد. اما شکوفایی جلفای اصفهان، دوره‌ای طولانی‌تر از زندگی بنیانگذار آن آشاه عباس اول نداشت. تنگ نظران، درازدستان و جانشینان شاه عباس، از ثروت ارمنه وسوسه شدند. شاید آنها این نکته را نمی‌فهمیدند که

با تصاحب ثروت مهاجران، اقتدار تجاری را کاملاً از بین برده و مرغ تخم‌طلایی را می‌کشند. مالیات کلان، ابتدای مطالبه از ساکنان جلفا بود. سپس «شاه سلیمان» و «شاه حسین» (۴)، ضمن اخذی بسیار نفرت‌انگیز و شکنجه دادن مسیحیان برای بردن دار و ندارشان، هرگونه رفتار تحقیرآمیزی را با بی‌رحمی و وحشیانه‌ای با همه فرقه‌های مسیحی انجام دادند. اسقف تا جایی که می‌توانست، در برابر این افراط غیرقابل تحمل اعتراض می‌کند، اما او را دستگیر کرده، چوب می‌زنند تا جایی که خون از تمام بدن او جاری می‌شود. [...] نهایتاً در دوره سلطنت نادرشاه [افشار]، مهاجران ارمنی، همچنان ورشکسته و خانه‌خوار، آخرین دارایی و اندوخته‌شان را طی یک سال تمام از دست می‌دهند. شاه نادرشاه افشار به پرداخت خراج روزانه ۳۰ هزار فرانک مجبورشان می‌کند و هنگامی که متوجه عدم امکان گردآوری تمام عیار این مبلغ می‌شود، ۲۰ نفر از مهم‌ترین ساکنان جلفا را اعدام می‌کند. [...] در پی هراسی مقاومت‌ناپذیر، مردم مرفه، دسته‌جمعی جلای وطن می‌کنند. در حالی که تهیدستان، دلبسته به قمار زنده‌رود، ملزم به گردن نهادن در برابر رنجش هر روزه بوده‌اند. به طور مثال یک قانون بوده که ورود ارمنه سوار بر اسب را به شهر اصفهان ممنوع می‌کند. ایشان می‌بایستی پای پیاده می‌بودند و مرکب‌هایشان را با افسار می‌کشیدند. [...] اما امروزه آذر دوره ناصرالدین شاه قاجار، به لطف حکومت [...]، همه آن رنجش‌ها به حالت تعلیق در آمده‌اند. ارمنه، مجاز به گشودن کلیسایشان و از سرگیری عمومی مراسم مذهبی شان شده‌اند. با این همه، در شهری که پیشتر پرجمعیت بود، تعداد مسیحیان به زحمت به سه هزار نفر می‌رسد. [...] مهاجران پس از چنان مصیبت‌هایی، خیلی فقیر شده بودند. همه چیزشان در طول دو قرن، کاملاً از دست رفته بود. بزرگان فامیل، عادت هندیان در رفتن به دنبال سرنوشت را به کار نبسته و هر کدام از آنها با حسرت خاک ایران را ترک کردند. [جلفای اصفهان، یعنی] جایی که یادگار باستانی شکوه ملت شان بود، با آنها کاری کرده بود که مصیبت امروزش را فراموش کنند. [...] تعداد بیشماری از خانواده‌های قدرتمند

ارمنی در «بنارس» و «بمبئی»، هنگامی که تقدیر، چهره زشت خود را به مهاجرت آنها نشان داد، آنقدر مداوم و سرسخت کار کردند تا جایی که توانستند یک پس‌انداز کافی برای بازگشتن به جلفا و ایجاد یک زندگی بدون کار و زحمت در جلفای گرانقدرشان را فراهم نمایند. به طور خلاصه، هم‌کیشان من در آسودگی پیش‌پا افتاده شان خوشحال بوده‌اند. [...] ما غالباً خانواده‌های تروتمند مسیحی را می‌بینیم که در رفاه مناسبی قرار داشته‌اند؛ ولی با مرگ بزرگ خاندان، در منتها درجه فقر و فلاکت قرار گرفته‌اند. باید در ستایش جلفایی‌ها [اصفهان] اضافه کنم که علی‌رغم همه سختی‌ها [...]. همچنان مومن و یار با ایمان پدران مقدس هستند. به زودی نیمه شب فرا می‌رسد. «پدر پاسکال» در حین بلند شدن، به من گفت: «حتماً خانه شما در برج ناقوس آماده است. بروید استراحت کنید و خوب بخوابید. فردا یکشنبه است. شما در آیین عشاء رباتی تقریباً همه کاتولیک‌های جلفا را خواهید دید. هیچ هم‌نگران وقت‌اداری نماند». همانطور که می‌خندید اضافه کرد: «برج ناقوس در بالای سرهایتان قرار گرفته. خدمتگذار شما در بیدارباش صبحگاهی! و هنگامی که در حرکت است، خواب شما طولانی نخواهد بود.»



۱ « پادشاه صوفی » لقبی است که برخی به پادشاهان صفوی و به ویژه به شاه عباس اول می دهند؛ چرا که نسب و تبار آنها به صوفیان بازمی گردد. ۲ در اینجا منظور از « جلفا » جلفای سرزمین ارمنستان است و نه جلفای اصفهان. ۳ منظور همان مرزهای دوره صفویه است. ۴ « شاه سلیمان صفوی » و « شاه سلطان حسین صفوی » از پادشاهان پایان دوره صفویه.

ویژه -

سفر « مادام دیولافوی » به ایران عهد ناصری، از طرفی بیانگر میل ملوکانه شاهان قاجاری به گشودن درهای ایران به روی فرنگیان بود و از طرفی، میزان رغبت فرنگیان در سفر به ایران و گذر از مرزهای جادویی این سرزمین را نشان می دهد. بوده اند گردشگرانی که به ایران سفر کرده و شیفته آداب و رسوم و مردم و ادبیات و هنر این سرزمین شده اند؛ یا مانده اند و یا به موطنشان بازگشته اند؛ گاه دست خالی و گاه با اثباتی پر از خاطره و صد البته سوغات. آنچه مادام دیولافوی به عنوان سفرنامه از خود به جا گذاشته، به نام « ایران » نامیده شده و آنچه این بانوی فرانسوی به عنوان سوغات از ایران برده، چندان زیاد و خارج از شماره است که می توان بخش های زیادی از آنها را در موزه لوور تماشا کرد. بوده و هستند در طول تاریخ ایران که این گشاده دستی پادشاهان قاجاری را در خروج چنان گنجینه های ملی برنناخته و مادام دیولافوی فرانسوی را به دراز دستی در میراث این خاک متهم می کنند. در هر صورت، سفرنامه مادام دیولافوی، یکی از اسناد دوران قاجاری است. هر چند در جای جای این متن، اشتباهاتی نیز به چشم می خورد که خواننده فهیم و پژوهشگر، در تطبیق تاریخی آن متن با متون علمی تاریخی، تا حد زیادی می تواند به سلامت از خواندن سفرنامه بگذرد و حظی در خور داشته باشد.

راهنمای سفر به کیش

جزیره آرامش و رفاه

معرفی ۳۰ جاذبه گردشگری در جزیره آزاد کیش

احتمالا افرادی که به تاریخ و فرهنگ علاقه‌مند هستند باید در اقلیت باشند، ولی پس از برگزاری اولین تور گشت جزیره و دیدن شور و اشتیاق گردشگران، به سرعت نظرم تغییر کرد. البته واقعا بخش زیادی از گردشگرانی که به کیش می‌آیند، به قصد خرید و بازدید از پاساژها این منطقه را انتخاب می‌کنند، اما در این میان گردشگران زیادی هم هستند که کیش را به قصد تفریح و استراحت و البته دیدن تاریخ و فرهنگ این منطقه برگزیده‌اند. جالب‌ترین سوالی که در یکی از تورهای شنیدم، سوالی بود که یسری ۸ ساله خیلی جدی پرسید: «بیخشید خانوم لیورا! دریای کیش چند متره؟»

مدت یک سال است که به عنوان راهنمای تخصصی گردشگری در جزیره زیبای کیش مشغول انجام وظیفه هستم. هدفم از انتخاب این حرفه در درجه اول آشنا کردن گردشگران محترم با تاریخ و فرهنگ چند هزار ساله این جزیره مرجانی فوق العاده زیبا بود. در اوایل شروع به کار با خودم فکر می‌کردم مسافرانی که از شهرهای شلوغ با ترافیک وحشتناک و آلودگی هوا به کیش سفر می‌کنند، فقط به دنبال هوای خوب، عبور و مرور روان، ساحل مرجانی زیبا، شنا در آب‌های شور خلیج فارس و استفاده از آفتاب لذتبخش و تفریحات هیجان‌انگیز دریایی و به دنبال افزایش آدرنالین‌اند و



مروارید کیش در سفرنامه مارکوپولو

برای بازدید از شهر هزار ساله «حریره»، کفش مناسب پیاده روی یادتان نرود. این شهر در شمالی‌ترین قسمت جزیره وجود دارد و از آن مکان‌هایی است که وقتی راهنما درباره‌اش توضیح می‌دهد، مسافران به او انرژی می‌دهند و بعد از هر جمله او آفرین می‌گویند. اولین بنای قابل بازدید «عمارت اعیانی» است که شبیه آن در همه شهرهای تاریخی ایران مثل کاشان، یزد و ... وجود دارد و هماهنگ آنها اندرونی و بیرونی، مطبخ، حیاط زمستانی و ... دارد، اما دلیل اعیانی بودنش کاشی‌های وارداتی و گران قیمت قرن ۷ و ۸ هجری و آب انبار اختصاصی عمارت است. به جز عمارت اعیانی در شهر حریره یک حمام، مسجد، آب انبار

از قیس تا کیش

درباره اینکه نام جزیره از اول «کیش» بوده و بعد اعراب جزیره آن را به قیس تبدیل کردند یا قیس، گیس بوده و بعد به کیش تبدیل شده، بین مورخان و ادیبان اختلاف است، اما نباید فراموش کرد سعدی، شاعر بزرگ ایرانی قرن هفتم در بوستان و گلستان خود چندین بار نام کیش را ذکر کرده است. ابعاد جزیره ۷ در ۱۵ کیلومتر و دارای دو تپ ساحلی متفاوت است. سواحل سنگی و صخره‌ای در شمال و غرب جزیره و سواحل هموار ماسه‌ای در جنوب و شرق جزیره وجود دارند. زمانی که از مرکز جزیره به کناره‌های آن نزدیک شویم، به آرامی ارتفاع کاهش پیدا می‌کند و بومیان به زیبایی جزیره را به لاک لاک پشت تشبیه می‌کنند.



حجاب و هم وسیله‌ای برای جلوگیری از نور آفتاب استفاده می‌کنند. «توب» لباس اصلی زنان است؛ پیرهن بلندی که از پارچه‌های رنگی و شاد دوخته می‌شود و دور یقه و آستین زری دوزی و پولک دوزی دارد و از گردن تا قوزک پا را می‌پوشاند. لباس عروس هم به این شکل است، با این تفاوت از پارچه ساتن سبزرنگ دوخته می‌شود.

به صرف یک فنجان قهوه عربی در کیش

بومیان کیش، ابتدا دانه‌های قهوه را در تابه و روی حرارت برشته می‌کنند و بعد در هاون آسیاب کرده و می‌خک و هل به آن اضافه می‌کنند. برای آماده کردن آن یک تا دو قاشق چای خوری از بودر را در فلاسک می‌ریزند و به آن آب جوش اضافه می‌کنند. برای پذیرایی مهمانان اول چای و بعد قهوه در فنجان‌های کوچک بدون قند یا شکر سرو می‌شود.

نوروز در جزیره

اگر تعطیلات پیش از عید و ۱۳ روز نوروز را برای سفر به کیش انتخاب کنید، می‌توانید از مراسم چهارشنبه سوری که هر سال از ساعت ۹ تا ۱۲ شب آخرین سه‌شنبه سال در ساحل کشتی یونانی برگزار می‌شود، شرکت کنید. سفره هفت سین هم هر سال در تمامی بازارها و اسکله تفریحی جدید و کشتی یونانی پهن می‌شود. از اتفاقات جذاب نوروز ۹۳، برپایی غرفه‌های اقوام مختلف ایرانی در کشتی یونانی و پذیرایی با خوراکی و غذای محلی منطقه خودشان بود که با استقبال بسیار خوبی روبه رو شد.

تورهای کیش‌گردی

برای گشت و گذار در کیش، می‌توانید تورهای ویژه‌ای را که به صورت یک یا نیم روزه طراحی شده‌اند، انتخاب کنید. مثلاً در تور یک روزه تفریحی-تاریخی به این صورت برنامه‌ریزی شده: بازدید از شهر زیرزمینی کاریز، شهر حریره و درخت سبز، موزه مردم‌شناسی، ناهار

و بندرگاه تجاری هم قابل بازدید است. این بندرگاه ایستگاهی در بین راه آبی ابریشم بوده است و تاجران و دریانوردان آب شیرین، شیره خرما و مروارید خریداری می‌کردند. مارکوپولو هم در سفرنامه‌اش به چین، دربار کیش و مروارید گرانبهای آن سخن گفته است.

درخت ۷۰۰ ساله و گنج سندباد

عده‌ای هم اعتقاد دارند داستان‌های سندباد از حریره شروع شده و هفت گنج سندباد زیر درخت سبزه مدفون شده است! «درخت لور» ۷۰۰ ساله‌ای که به درخت سبزه معروف است و ظاهر عجیب این درخت با تنه‌ای روی خاک و ریشه‌های واژگون در آسمان باعث شده این حس را در گردشگران به وجود بیاورد که این درخت مقدس است و به درخت آرزوها تبدیل شده و با تمام احساس پارچه‌ای را به درخت می‌بندند تا حاجت روا شوند.

دیدار با بومیان جزیره

یکی از جذاب‌ترین بخش‌های تور برای گردشگران، بازدید از محله صفین و آشنایی با زندگی بومیان است که از نژادهای دراویدی، نوردیک، سامی و سیاهپوست بوده و به زبان‌های فارسی و عربی صحبت می‌کنند.

لباس محلی جزیره

«گجیفه» کلاه سفید رنگی است که مردان بر سر می‌گذارند تا با چرب‌شدن موهایشان عمامه روی سرشان کثیف نشود. عمامه، پارچه سفید چهار گوش بزرگی است که به شکل خاصی دور سر پیچیده می‌شود و مرسوم است که مردها بعد از ازدواج این عمامه را بر سر بگذارند. «توب» لباس اصلی مردان است؛ پیرهن سفیدی که از گردن تا قوزک پا را می‌پوشاند. «ملفا» روسری سیاه و مستطیل شکل بلندی است که زنان دور سر خود می‌پیچند. گوشه‌اش را درون قسمت پیچیده شده فرو می‌کنند. «بطوله» نقابی است که زنان هم به عنوان



آموزش رایگان هم دارد برسید. اگر اهل دوچرخه سواری و بدمیتون هستید، کیش فرصت‌های خوبی برایتان فراهم کرده. یک روز هم به بازارگردی بگذرانید؛ مروارید، پردیس ۱ و ۲، مرکز تجاری کیش، پانید، زیتون، مریم، دامون، مرجان، سارینا، ونوس، عرب‌ها، پارس خلیج و هایپرمارکت. اگر با کودکان به جزیره می‌آیید، دلفیناریوم (شامل باغ پرندگان، دلفین‌شو، کلاسیک‌شو و آکواریوم آب‌شور) را از یاد نبرید.

سلفی با کشتی یونانی

ممکن نیست کسی به جزیره کیش سفر کند و عکسی در دماغه غربی جزیره و ساحل کشتی یونانی نداشته باشد! اما در انتها اجازه بدهید ضمن دعوت از شما برای بازدید از جزیره زیبای کیش، بگویم ای کاش مسوولان در جزیره کیش همان قدر که به فکر ساختن آسمان خراش و مجموعه‌های تجاری هستند، کمی هم به فکر حال جزیره بودند.

محل دریایی در رستوران، عصرانه در روستای باغو، تماشای غروب در ساحل کشتی یونانی، کلبه هور، بازی گروهی، غذا دادن به ماهی‌ها، شام در کشتی تفریحی و گشت جزیره. تور دیگری هم با عنوان هیجان و انرژی طراحی شده است؛ به این صورت که یک روز کامل می‌توانید از تفریحات دریایی جزیره از جمله جت‌اسکی، شاتل، بانانا و پاراسل استفاده کنید و سپس پرواز با هلیکوپتر، شبیه سازی ایرباس، بازدید از بازار دامون و نهار در فودکورت دامون را تجربه کنید. تور روز سوم هم به بخش کویری مربوط است. به عبارتی سافاری، لندکروز در صحرا، موتورسواری، ترامپولین، بانجی‌جامپینگ، پیست RC برایتان تدارک دیده می‌شود و شام به همراه موسیقی زنده و پینت‌بال و قلعه وحشت را هم تجربه خواهید کرد. اما اگر به دنبال آرامش هستید، ماهیگیری با بومیان جزیره، صرف صبحانه در کشتی آکواریوم، شنا با دلفین‌ها، سوار کاری در ساحل و ماساژ را خواهید داشت. برای روز چهارم می‌توانید صبحانه را در ساحل بخورید و بعد به بانانا غواصی که



سازنده انواع کاشی های هفت رنگی جهت مساجد و مدارس

و انواع کاشی های توریستی

اصفهان-دهنو-فلکه دانشگاه صنعتی-خ حکیم فرزانه بعد از چهارراه بهداری کوچه ۱۱ ۰۹۱۳۱۰۳۲۰۳۳ ۰۹۱۳۳۱۵۲۸۱۴ ولی... میری



معرفی جاذبه‌های تاریخی و طبیعی باغبادران

قدمت تاریخی

۱- وجود بقایای آتشکده یا قلعه‌ای که به قلعه کافر معروف است و براساس نظر عموم قدمتش به قبل از اسلام باز می‌گردد. ۲- وجود امامزاده‌ای به نام شاهزاده ابراهیم که اولاد حضرت موسی بن جعفر است. با در نظر گرفتن این نکته که در ایام خلافت مأمون عباسی، سادات علوی مخصوصاً اولاد موسی بن جعفر و نیز حضرت امام رضا(ع) در دربار مأمون با عزت و احترام می‌زیسته‌اند و پس بعداً مورد غضب واقع شده‌اند و به ایران مهاجرت نمودند و بیشتر آنها به دهات و نقاط کوهستانی پناهنده شدند می‌توانیم وجود مقبره این امامزاده را در این شهر دلیل بر قدمت آن بدانیم. ۳- دلیل دیگر وجود قلعه‌ای نظامی است که در قسمت جنوبی شهر واقع شده و به سبک قلاع دوره صفویه و سلاطین افشاریه ساخته شده است. این قلعه شامل ۴ برج بزرگ و مدور گلی که با دیوارهایشان محوطه حیاط را احاطه کرده‌اند، است و اکنون به واسطه احداث بنا گرداگرد آن محصور شده است. ۴- دشت هموار و باغ‌های انبوهی که در سمت مغرب و شمال غرب به نام «وشمندجان» وجود دارد و بنابه اظهار نظر محققان هنوز هم وقتی در آن کاوش‌هایی صورت می‌گیرد آثاری به دست می‌آید که نشان دهنده قدمت تاریخی شهر و مؤید این نظریه که از دیرباز در این شهر خوش آب و هوا جمعیت انبوهی ساکن بوده‌اند، است.

موقعیت جغرافیایی

باغبادران در ۵۱ درجه و ۱۳ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۲ درجه و ۲۲ دقیقه عرض شمالی از خط استوا قرار دارد. ارتفاع شهر باغبادران از سطح دریا به طور متوسط ۱۹۲۵ متر است. بلندی این شهر در سواحل رودخانه زاینده‌رود ۱۸۵۰ متر و در قسمت‌های مرتفع به ۲۰۰۰ متر می‌رسد. بلندترین نقطه شهر ارتفاعات واقع در قسمت جنوب غربی و پست‌ترین نقطه رودخانه زاینده‌رود است که جهتی غربی شرقی دارد. این شهر از شمال به شهرستان نجف‌آباد و

شهرستان تیران و کروند، از شرق به زرین شهر و از غرب و جنوب به استان چهارمحال بختیاری منتهی می‌شود.

کناره زاینده‌رود از دیرباز مهد پیدایش و گسترش تمدن بوده است.

در این میان باغبادران از کهنسال‌ترین آنان است. آثار باقیمانده مانند آتشکده قلعه کافر و چهاربرج نظامی و ظروف سفالین و کاشی‌های دوران صفویه نشان دهنده رونق این شهر در تمام این دوران‌هاست. وجود آب فراوان، زمین کافی و مناسب بودن آب و هوا، موقعیت خوبی برای رشد و گسترش شهر فراهم آورده است. در گذشته شهر با وجود باغ‌های میوه فراوان، زمین‌های کافی برای کشت برنج و گندم، نه تنها خودکفا بوده، بلکه قادر به صدور آنها نیز بوده است. وجود چوب به خاطر بیشه‌های فراوان برای ساختمان و آب و هوای خوب محل مناسبی برای زیست فراهم آورده، پیدایش و گسترش شهر به احتمال زیاد از محله سرچشمه شروع شده است، پس از محله سرچشمه، محله پایین و محله بالا و شهرک‌های جدید قرار دارند. اغلب ساختمان‌ها و محلات به خاطر زیبایی در دامن تپه‌ها قرار داشته و کوچه‌ها با یک شیب نسبتاً تند به تک تک خانه‌ها منتهی می‌شوند. مصالحی که در خانه‌ها به کار رفته‌اند، دیوارها و پایه‌های ساختمان‌های قدیمی از سنگ و آجر و خشت و اکثر طاق‌ها به وسیله تیرها و تخته‌های چوبی و سپس کاهگل پوشانده شده‌اند. وجود بیشه‌ها و درختان زیاد باعث شد که اهالی به نحو خوبی از این امکان بالقوه استفاده کرده و از تیرهای چوبی در ساختمان‌های مسکونی استفاده کنند، طاق‌های قابساز شده چوبی و در و پنجره‌های ظریف و زیبا حکایت از رشد صنعت نجاری در شهر دارد. این محل به خاطر موقعیت ویژه جغرافیایی محل بیلابلی مناسبی برای مردم کشور و استان اصفهان بوده خصوصاً در شش ماهه اول سال پذیرایی میهمانان زیادی از این نقاط است.

روابط عمومی شهرداری باغبادران

معرفی و بیوگرافی ایمانشهر

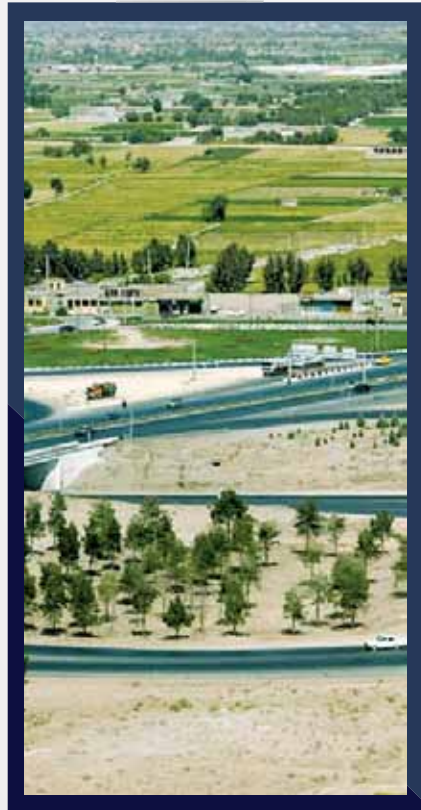
بر اساس تقسیمات کشوری شهر ایمانشهر از تلفیق ۲ روستای اشترجان و مینادشت تشکیل شده و یکی از نقاط شهری شهرستان فلاورجان محسوب می شود. این شهر (منطقه) در تاریخ ۱۸/۱۰/۷۹ به استناد مصوبه شماره ۱۵۲۸۸ مورخ ۲۰/۴/۷۹ هیات محترم دولت و همت و تلاش مسوولان گرامی استان و شهرستان رسماً افتتاح و شروع به کار کرد. شهر ایمانشهر در منطقه استراتژیکی اتوبان ذوب آهن، مجتمع فولاد و صنایع دفاع قرار دارد و خود این شهر در ۲۰ کیلومتری اصفهان واقع شده است که علاوه بر دارا بودن اراضی بسیار غنی کشاورزی و باغات پر میوه دارای قریب به سیصد واحد صنعتی کوچک و بزرگ نیز در حاشیه خود است که در حریم شهری به طور مستمر به تولید اشتغال دارد. این شهر با جمعیتی بالغ بر ۱۳۵۵۴ نفر و محدوده حریم قانونی بالغ بر ۳۶ کیلومتر مربع و به استناد تاریخ ۷۱۶ سردرب مسجد جامع این شهر مشخص کننده و تعیین کننده هویت حقیقی این منطقه است و عمده ترین محصولات کشاورزان این منطقه عبارتند از: برنج، گندم، جو، پیاز و سیب زمینی. و بر اساس آمار و اطلاعات اخذ شده ۳۳/۲ درصد از شاغلین شهر ایمانشهر در بخش کشاورزی و ۲۹/۷ درصد نیز در بخش صنعت و ۳۷/۱ درصد در بخش خدمات به کار و فعالیت مشغول هستند. از آثار تاریخی و محل های تفریحی، زیارتی آن می توان به امامزاده رابعه خاتون، چشمه لعلی و مسجد تاریخی که به دوره ایلخانان مغول و در دوره فتوحات و تاریخ سلطان محمد خدابنده (الچایتو) بنا شده و گواه تاریخ و قدمت منطقه به شمار می رود اشاره کرد.

مسجد جامع اشترجان: نام آن صاحب مغفور ولد بن علی اشترجانی بوده که اساس آن در دوران سلجوقی و در سال ۷۱۶ قمری ساخته شده است مساحت تقریبی ۱۵۰۰ مترمربع در درب ورودی؛ یکی در جنوب شرقی و دیگری در شمال آن است. درب جنوب شرقی سردر گچی و ۷ متر ارتفاع دارد.

مسجد جامع «اشترجان» در ۳۶ کیلومتری جنوب غربی اصفهان در منطقه لنجان واقع شده و به استناد کتیبه های تاریخی آن، در سال ۷۱۵ به دستور خواجه فخرالدین محمد بن محمود بن علی اشترجانی ساخته شده است، این مسجد یکی از نمونه های نفیس معماری ایلخانی از اواخر سلطنت محمد خدابنده (اولچایتو) به شمار می آید.

روابط عمومی شهرداری ایمانشهر

امامزاده ربیعہ خاتون
 محراب گچبری اعلی
 امامزاده ربیعہ خاتون
 (سال ۷۰۸ هجری قمری)
 کہ بہ تہران انتقال یافتہ
 است، امضای شخصی
 بہ نام مسعود کرمانی را
 دارد. زیرزمین امامزادہ ہم
 تا ۵۰ سال اخیر محل دفن
 اجساد بودہ است.



ایمان شہر بہ قدمت تاریخ، درخشان در صنعت و کشاورزی

خانه تاریخی لطفی

این بنا با مساحت تقریبی ۵۷۵ مترمربع در دو اشکوب بنا شده است، ورودی خانه تاریخی لطفی از طریق یک دالان در ضلع شرقی است که در انتهای آن طویل و بعد از آن مطبخ بوده است (درحال حاضر سرویس بهداشتی و آشپزخانه است). با گذر از دالان و ورود به حیاط در دو جبهه شمالی و جنوبی، اتاق های متعددی قرار دارد که جبهه جنوبی باتوجه به سایه دار بودن مخصوص روزهای گرم تابستان و جبهه شمالی یا آفتاب رو مخصوص روزهای سرد زمستان است.

در جبهه جنوبی ایوان کوتاه اما از سطح زمین بالاتر و در جبهه شمالی ایوان بزرگ و هم سطح حیاط است. در طبقه دوم تعدادی اتاق ساخته شده که قبلا از آن به عنوان انبار علوفه استفاده می شده است. نوع معماری و سبک خاص اشکوب ها از ویژگی های این بنا به شمار می رود. این بنا درحال حاضر محل نمایندگی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان نجف آباد است.

معرفی جاذبه های گردشگری نجف آباد

خانه تاریخی لطفی، هفت برج جوی خارون، خانه تاریخی مهر پرور، پنگ خانه و عصار خانه بزرگ



هفت برج جوی خارون

نام هفت برج جوی خارون برگرفته از قنات خواهران یا خارون می باشد که از نزدیکی برج ها عبور می کرده است. این بنای متأثر از معماری اواخر قاجار؛ شامل هشتی ورودی، اصطبل، بهار خواب، ایوان و هفت برج کبوتر به صورت منفرد است که توسط یک حصار به هم متصل شده و مجموعه ای از هفت برج و یک باغ را به وجود آورده است. هر کدام از برج های کبوتر حدود ۱۴ متر ارتفاع دارد و در انتهای هر کدام قطار بندی گچی و لبه آجری تزیین شده است. بر فراز برج های

کبوتر برجک کوچکی قرار گرفته که محل رفت و آمد کبوتران است. در میانه هر برج یک کمر بندی گچی کشیده شده که علاوه بر زینت بخشی به برج باعث جلوگیری از ورود مار به داخل برج است. از این مجموعه برای فراهم کردن کود پرندگان جهت مصارف کشاورزی استفاده می شده است. تقسیم بندی برج ها در زوایا و اضلاع دیوارها، به علاوه سردر ورودی بنا مجموعه ای بی نظیر از برج و بارو را به وجود آورده است.

خانه تاریخی مهرپور

خانه تاریخی مهرپور با قدمت نزدیک به صد سال مربوط به اواخر قاجاریه در سال نود و دو با اعتبار سیصد و شصت میلیون تومان خریداری شد و از ابتدای سال جاری نیز کار مرمت آن با هزینه ای بالغ بر صد و پنجاه میلیون تومان ادامه داشته است. احمدی، معاون شهرسازی شهرداری در مصاحبه با خبرنگار پایگاه خبری شهرداری با اعلام این مطلب افزود: «برای تکمیل و تجهیز این اثر که اولین خانه تاریخی تملک شده توسط شهرداری نیز به شمار می آید، پیش بینی می شود نزدیک به پنجاه میلیون تومان دیگر هم مورد نیاز باشد که با بهره برداری از آن در سومین گام از طرح های عمرانی شهرداری طی هفته های آینده، فضای مناسبی جهت نگهداری و معرفی آثار تاریخی موجود در سطح شهر فراهم خواهد شد.»

احمدی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به برنامه ریزی شهرداری جهت تملک چندین خانه تاریخی دیگر و ادامه مذاکرات با مالکین آنها بیان داشت: «از جمله امتیازات ویژه این اثر می توان به قرارگرفتن در یک موقعیت مناسب جهت تردد شهروندان و گردشگران در کنار استحکام نسبتا

خوب آن اشاره کرد به طوری که در مجموع با کمترین هزینه بنای مذکور مرمت و بازسازی شد.» وی از به کار رفتن معماری خاص سه دری در نمای بنا به عنوان دیگر ویژگی شاخص خانه تاریخی مهرپور یاد کرد و اظهار داشت: «بخش شمالی خانه شامل چند اتاق معمولی در بالا و یک شاه نشین در زیر زمین بوده و از قسمت جنوبی آن نیز ساکنان برای فصول گرم سال استفاده می کرده اند و از مجموع پانصد و چهل متر زیر بنای آن، پس از انجام عقب نشینی های لازم در حال حاضر بیش از چهارصد متر به عنوان یک موزه مردم شناسی بازسازی شده است.»

احمدی در پایان سخنان خود اضافه کرد: «با توجه به فراخوان اعلام شده از تمامی مردم خواهشمندیم نسبت به تحویل اشیای تاریخی با ارزش موجود در منازل خود به سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری به عنوان متولی اداره این موزه اقدام کنند تا علاوه بر مرمت آنها، نسبت به نگهداری چنین آثاری با نام مالکان آنها در این موزه اقدامات و برنامه ریزی های لازم صورت گیرد.»

خانه تاریخی مهرپور در خیابان حضرت امام، پشت دبیرستان دخترانه هجرت قرار گرفته است.



پنگ خانه:

پنگ ظرف کوچک و پبله ماندنی از جنس برنجی نازک بوده که در ته آن سوراخ کوچک تعبیه شده تا آب بتواند به طور ملایم از سوراخ وارد ظرف شود. این پیاله نمایشگر ساعت آبیاری بوده و از آن برای اندازه گیری مقدار آب داده شده یا گرفته شده استفاده می شده است. صاحب پنگ، مسوول تقسیم آب در محل پنگ خانه بوده است. وی در محل پنگ خانه و یا ابتدای جوی آب نشسته و برحسب مساحت باغ افراد و یا نوع کشت آنها و یا درخواست گیرنده آب، میزان آب موردنیاز را اندازه گیری می کرده است؛ به طور مثال ۱۰ پنگ آب برابر بوده است با ۱۰ بار ته نشین شدن ظرف پنگ. برای محفوظ ماندن از باد و سرما و گرما صاحب پنگ از محلی به نام پنگ خانه استفاده می کرده است. پنگ خانه عمارت چهارطاقی کوچکی است که دارای چهارستون و گنبدی نسبتا کوچک است و معمولا سه طرف آن باز بوده و بعضی اوقات به جز یک طرف که محل ورود است سه طرف دیگر بسته بوده است. در وسط این محل (چهارطاقی) حوضی نسبتا معمول ساخته شده که آب زراعت از یک طرف وارد و از طرف دیگر خارج می شده. حوض زیر چهارطاقی عموما پر از آب بوده است و با ته نشین شدن گل و لای آب این حوضچه، آب صاف و زلالی برای استفاده و شرب زارعان و رهگذران فراهم می شده است.

روابط عمومی شهرداری نجف آباد



عصارخانه بزرگ:

عصارخانه در واقع همان کارخانه روغنگیری به سبک سنتی است که در زمان های گذشته برای تهیه روغن پیه سوزها و یا سایر روغن ها مورد مصرف در زمان خود و با استفاده از دانه های روغنی تهیه می شده است. عصارخانه بزرگ نجف آباد که به نام عصارخانه آقا شهرت دارد، قدیمی ترین و بزرگ ترین عصارخانه نجف آباد محسوب می شود و از آثار عهد شاه عباس کبیر به شمار می رود و ظاهرا در زمان شاه سلیمان صفوی گسترش یافته است و از نظر اهمیت ساختمان و سبک معماری و اسلوب بنا یکی از منحصر به فردترین ابنیه های تاریخی نجف آباد و یکی از مهم ترین عصارخانه های استان اصفهان محسوب می شود. بخش اصلی فضای عصارخانه با گنبدی مرتفع و از جنس خشت است که محل قرارگیری سنگ آسیاب است. این سنگ توسط شستر به حرکت در می آمده و دانه های روغن را خورد می کرده و تیرهای چوبی بزرگ که با فشار بر دانه های روغنی عصاره آن را می گرفته است. یکی از سنگ های این عصارخانه مزین به آیه آخر سوره مبارکه القلم به خط استاد امامی است که از لحاظ نفاست خط در نوع خود بی نظیر است و تاریخ ۱۰۹۴ هجری قمری سال حجاری سنگ را نشان می دهد.







Newruz; Celebration, Family Gatherings and Travels!

Nowruz (New day) marks the first day of spring and the beginning of the year in the Persian calendar. It is a special traditional celebration with at least 13 days holidays which means a bunch of families gathering and travels. Gardeshgar Journal appreciates this traditional celebration and creates many special articles about Travel to Isfahan and different cities and villages of Iran.

Isfahan; Home of Many UNESCO World Heritage Sites

Our article about Isfahan is the main article so you can read some parts of it in English, here. Imagine you have just some hours or some days to spend in Isfahan. What would be your choices to visit, especially when the city has countless attractions?! we introduce some of the most important Isfahan attractions in Gardeshgar journal and you can read brief review of them in this page.

This Square Changes Your View of Public Spaces!
If you do nothing else in Isfahan, take a walk on Naghsh-e Jahan Square, designated a UNESCO World Heritage Site. The square occupies an area of 89,600 square meters and is surrounded by important buildings such as mosques and palaces. The Isfahan Grand Bazaar is on the northern end of the square. This 17th-century bazaar is a good place to buy Persian handicrafts, rugs, handmade tablecloths and mosaic tile items. Both the Shah Mosque and the Sheikh Loff Allah Mosque are located on the sides of the square and worth a visit because of their architectural and historical value.

A Palace With a Wonderful Music Room
The Grand Palace of Ali Qapu is located right to the south-east of Naqsh-e Jahan Square. It is in 6 floors but if you see the palace from the heart of the square, it seems like 2-floor building! Parts of the palace, such as the front arcades, were built as early as 1590, but the whole construction didn't hit full steam until the 17th century. Islamic art and nature images adorn the walls, both inside and out. The veranda and the large entryway gate also have tile art in rich green and blue tones.

Don't Miss Alive River and Historical Bridges!
Isfahan is home to several bridges, all of which attract tourism. The Khaju Bridge, built in 1650 C.E., cuts across the Zayandeh Rood. Historically, it served not only as a bridge but also as a dam and a public meeting place. Khaju's lower level is good for walking, as it's closed to traffic. The Pol-e Shahrestan is a less impressive but older bridge, built in the 12th century; Pol-e Jubi is the longest in Isfahan at 967 feet.

Swinging Minarets
Manar Jonban or "the swinging minarets" is a tomb dating back to 1316 A.D. The mausoleum holds the remains of mystic Amu Abdoullah Ebne Mohammad Ebne Mahmmoud. While the tomb itself is an interesting piece of architecture, the main attraction is the two minarets or towers flanking the tomb. Because of the way they're constructed, leaning against one of the towers and shaking it causes it to swing side to side. After a minute or two, the second minaret, which is about 10 meters away, joins in the swinging. This strange phenomenon attracts hundreds of visitors each day.

Widen Your World with Turkish Airline
Turkish Airlines is one of the world's fastest-growing carriers that have scheduled flights to 45 domestic and 218 international destinations in 260 cities and 108 countries world wide. With existing services to Tehran, Tabriz, Mashad and Shiraz in Iran, Turkish Airlines now adds flights to Isfahan. Beginning December 19th, 2012, roundtrip flights from Istanbul to Isfahan has been operated 2 days a week. The third year of Turkish airline operation in Isfahan was started 2 months ago so we scheduled an interview with General Manager of Isfahan Turkish airlines Incorporation, Zakeriya Kurucam to know more about this airline. Our interview starts with this sentence: "I would like to say that I am really happy to be in Isfahan and I like Isfahan, more than the other cities of Iran. It is about 7 months that I has come to Isfahan and for the last 7 months I really enjoy this beautiful city. Especially after Zayanderoud Rood starts again". He mentioned that Turkey and Iran are really sister cities and thier history is completely the same. Turkey and Iran are completely together in the history and they have no problems for last 5 or 6 hundreds years. And Turkish airline became one of the strongest airlines of Iran right now. Read Persian version of this interview in pages 44 - 47.



- * WFTGA: World Federation of Tourist Guide Associations
- * IFTGA: Iran Federation of Tourist Guide Associations
- * ITGD: International Tourist Guide Day



WFTGA2017.ir and you will see our presentation film. There is lots of other information on travelling to Iran.”

This was how we led people to the online source of information we had provided before the convention to prove how serious we are in hosting the 17th convention. “It was very thoughtful of you.” “Brilliant”, “Such an easy way to access the info”, these were some of the compliments we fished.

We also had another surprise- the mobile application of *IFTGA* with the same parts as the booklet and available on *www.WFTGA2017.ir* to download. The third interesting issue on our presentation was to have another booklet just for the 37 letters of support we had. It impressed the delegates whom were to vote. Still one more and that was the *#come2iran* campaign. It started on social networks for the sheer purpose of kindly and warmly inviting the people from around the globe in various languages to *come2iran*.

Moreover, we distributed brochures of Iran, served the participants with Iranian tea and pistachio, gave away the presentation film, ran a quiz comprising of five questions about Iran, and gave each delegate an invaluable work of enameled art from Isfahan.

It got on really well and we could see somethings that were not expected some pioneers of our presentation concepts were there. Yes. They were. And that was one of the greatest traits of us. We had learned to be determined and decisive. We have

held seven *ITGD* conventions. We have survived a dry spell of tourism and yet we are hopeful.

Iran as a top tourist destination

When the last general assembly was being held voting for the next *WFTGA* executive board and next *WFTGA* host, we were behind the door holding breaths and our fingers crossed. In the end, we made it. Eighteen votes. Seventeen was way sufficient, but we earned eighteen votes. As one of the delegates told me, her vote was given to our hospitality. Some wanted to travel to Iran and we made it clear that Iran is a top tourist destination. Some had no clear image of Iran and we created a true image.

All in all, it was a team work with the spice of love for the country. We dedicated more than five months of our lives to this project and we really desired to be the next host. We really wanted to act on international scale and we did everything in our power. As Ms Roy, the Vice-President of *WFTGA* said in Iran: "The honeymoon is over, and the marriage begins." We have a lot to do for the next two years. It actually started two days after we came back home. We need to have all the organizations like Iran Cultural Heritage, Handicrafts, and Tourism, Municipality, Governor's office, and Traffic Police to coordinate and aid *IFTGA* hold a phenomenal *WFTGA* convention.

We worked diligently with the support of a hundred of other tourist guides in Iran whom lent us hands to organize our work and get everything such as preparing the booklet and website, presentation film, a load of paper work-including letters of support- ready for this convention so that we would be able to present our country decently.

Days of lobbying and showing hospitality!

We all arrived from various destinations to Prague on January 22nd, some days before the convention even started to get the hang of the city, hotel and convention atmosphere. We wanted to see every single participant the moment they stepped in the convention venue, and it came true. Not to exaggerate, we were even playing an active role even more than the organizing committee to meet and greet the participants! Almost everyone, within the first two days of the convention, knew who we were and what we intended to do. We were mostly lobbying around as well as having our work done in the lobby. Every day, at breakfast, we used to scatter amongst the people there in the restaurant extending our hospitality and giving explanations on Iran- what attractions to visit, what to buy, when to visit and so forth. We faced the difficult questions from the very first moment like “What do we do with the visa?” or “Is travelling to Iran safe?”. We knew we were going to face such major and minor and sometimes biased questions which are the nature of the job we undertook. We were prepared. What is more, we had sessions every night to set the agenda for the next day and assess the work done that day.

A vivid picture of Iran

There were people who wanted to help and there were others whom we had no clue what their intentions were. There were some who approached us and there were some others whom we approached. On the whole, it was hectic.

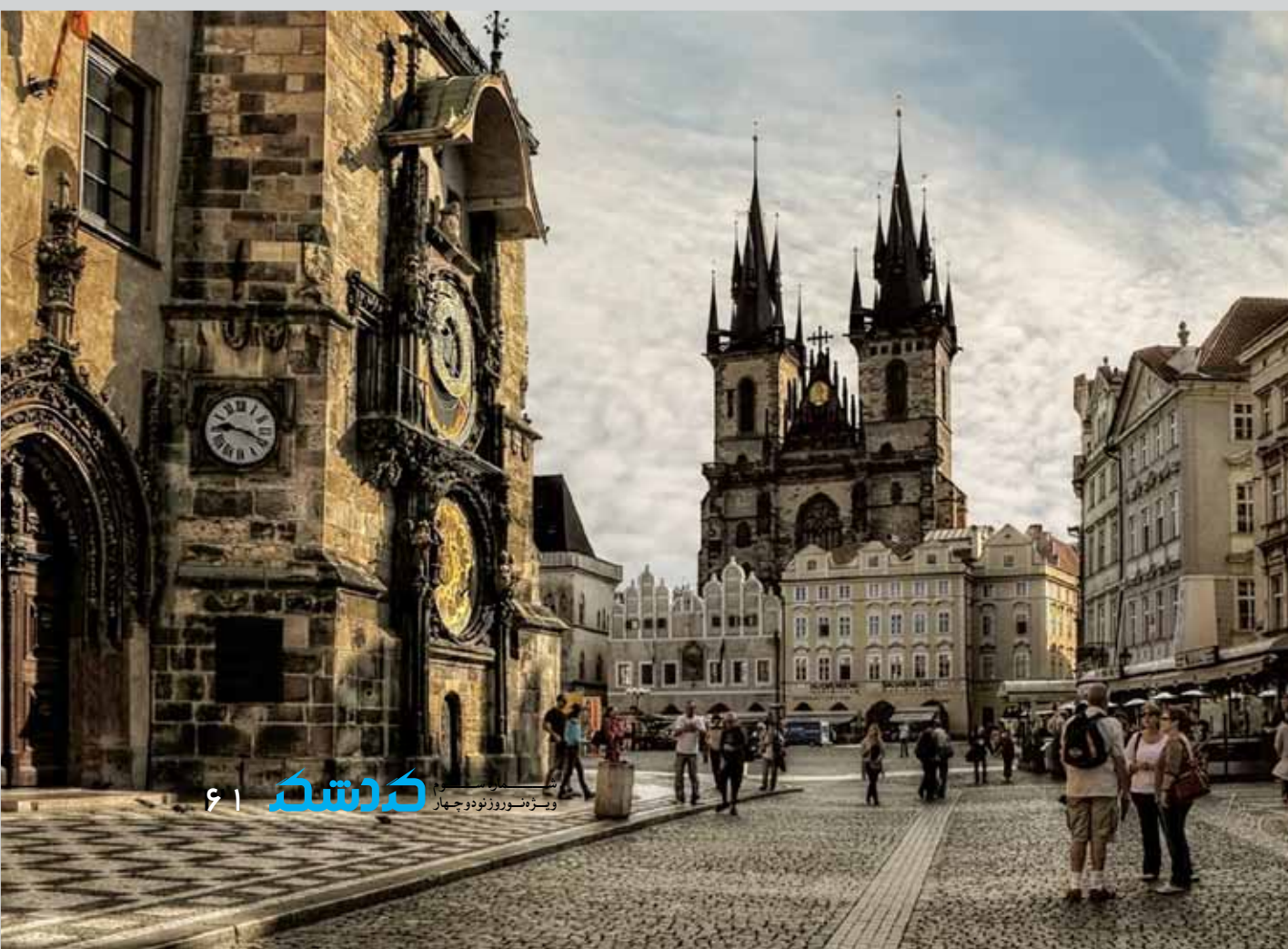
We contacted Iran's embassy in Prague and they came over. We talked. They were eager to assist and we demanded some stuff. They fulfilled beyond patriotic acts. Iran's first Secretary was even there at the time of our presentation and he even talked to those participants who were concerned with visa issues.

Before the presentation on Monday, many were hesitant. They had just seen us. Seemingly, they had no other vivid pictures of Iran. But, after the presentation which was also way better than the two other rival's presentations as cited by many, all the participants were looking at our bid differently. We were the ones making the film. We were the ones who did all the hard work preparing for the bid out of love. We were everywhere smiling and demonstrating how Iranians behave.

They understand how serious we are!

It is huge if we win. What shall we do? There are some who do not want us to win. We attempted a lot to win though some told us not to be upset if we do not for the first time.

After the presentation, we were busy with the second phase and that was elaborating on the booklet; the tour prices, the places of attraction, dress code in Iran for women, and more. Everyone was browsing our website as well. “Log on to www”





Text by Hussein Dehghan Manshadi

Member of IFTGA International Relations Committee, Member of Yazd Tourist Guide Association Education Committee

Iran bid to host the 17th Convention in 2017. The outstanding outcome was positive. Iran will host the next WFTGA convention.



- They will be able to promote their country to tourist guides who in turn will tell their countrymen and women about their wonderful welcome and they may well get more visitors in the long term.
- Their members will know that they have colleagues around the world with the same problems as themselves and for the first time they can all attend the Convention in their own country.
- They will get a great buzz from the event itself.

How Iran win the bid in Prague

Mohsen Hajisaied, the Vice-President of *IFTGA*, invited Ms Felicitas Wressnig to come to Iran for the 7th *ITGD* in Kerman. She warmly welcomed this invitation and visited Iran. She was astonished by the 700 tourist guides participating in *ITGD*. Ms Wressnig got familiar with her Iranian colleagues and their associations. *IFTGA* had become a member of *WFTGA* and had a plan to participate in the 16th *WFTGA* convention. It was about May 2014 that *IFTGA* board even decided to apply for hosting the 17th

convention bearing in mind that it is a demanding task not even taking part in the convention once. The primary documents were sent to the secretariat though the terms and instructions were rather sophisticated. Iran was one of the 8th countries among which finally one would compete to host the 17th convention. The list was later on shrunk to four; Denmark, Indonesia, Iran, Singapore. These four had to try to win. Indonesia was removed in the last minute for some reasons. One was that they even had no delegate registered to present their country.

Showing true colors of Iran

A team of nine tourist guides from Iran were to go to Prague to show the true colors of Iran and to tell the world who Iranians are, to earn their trust, to welcome them to come to Iran in person, and spread their peace message to the world. Arash Nooraghei, Mohsen Hajisaied, Mahsa Mottahar, Masih Sharif, Pegah Latifi, Atefeh Dehghan, Susan Jahromi, Majid Erfanian, and Hussein Dehghan Manshadi were the ambassadors of Iran in Prague.



16th WFTGA Convention in Prague-Czech Republic Iran Won The Bid of Hosting 17th WFTGA Convention

The history of WFTGA biannual conventions

You might wonder what WFTGA is or why they hold biannual conventions. The World Federation of Tourist Guide Associations (*WFTGA*) shall be a non-profit making professional organization dedicated to the promotion of high standards of training and ethics within the profession. The Federation shall not engage in political, religious or racial activities. Its aims are: a) To establish contact with Tourist Guide Associations throughout the world, to reinforce their professional ties and to promote and protect the interests of professional tourist guides; b) To represent professional Tourist Guide Associations internationally; c)

To work for the improvement of the quality and reputation of the profession of Tourist Guides worldwide; d) To hold a Convention of Tourist Guide Associations at regular intervals.

So, why do they hold these conventions though it is a lot of hard work and heartache?

There are five major reasons:

- Association will benefit from the team working and solidarity involved.
- They will gain a huge amount of PR and respect in their own country, with government bodies and industry partners and this will last long after the event if they use it well.

GARDESHGAR



▲ Birds Garden - Isf



▲ Vank Cathedral - Isf



▲ #Come2Iran Campaign
▼ Flower Garden - Isf

▼ Sio-Se Historical Bridge - Isf



Gardeshgar (Tourist) is a semi monthly journal, belongs to Isfahan-e Ziba newspaper and dedicates to travel. Gardeshgar is published 2 times a month; one in the first and another in the second half of it.

Gardeshgar is released by Isfahan-e ziba newspaper. Isfahan-e ziba newspaper is published by municipality of Isfahan and **Dr. Sayed Morteza Saghaian-Nejad**, the Mayor of Isfahan.

Editor in Chief **Rezvan Asghari**

Managing Editor **Nafise Hajati**

Public Relations **Akbar Mantashlou**

Graphic Designer **Mohammad Hasan Latifi**

Gardeshgar Reporters and Coworkers **Hamidreza Nikoomaram, Mahdi Tamizi,**

Pari Zangene, Vahid Sharifi, Alireza Eslampanah, Samane Beygi, Mina Beygi, Sooran

Ahmadizad, Kave Padidar, Mohammad Javad Esfandi, Masumeh Momeni

Editors **Somaye Hafizi, Maryam Moshirpanahi, Rezvan Vatankhah**

Address **Second Floor, Isfahan Municipality Media building,
Taleghani Street, Imam Hossein Square, Isfahan, Iran**
Phone +98-313-2229512 \ Email gardeshgar.isf@gmail.com

Photo Cover **Ali Gholi Agha Bath House** By **Fariborz Alagheband**